

ویراست سیم

# الحمد لله

علی اکبر مہدی پور



# اوخواه كداد

علی اکبر مهدی پور

مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -  
او خواهد آمد / علی اکبر مهدی پور، [ویرایش ۳]، قم: رسالت، ۱۳۸۴.  
۲۰۷ ص. ISBN : 964 - 6838 - 17 - 0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فینیا  
کتابنامه: ۱۸۹ - ۲۰۳: همچنین به صورت زیرنویس -  
چاپ دوازدهم [نوبت اول از ویراست سوم]  
۱. مهدویت، ۲. محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.  
۸ الف ۸۸ م / BP ۲۲۴  
کتابخانه ملی ایران  
۲۹۷/۴۶۲  
۵۱۴۳ - ۷۸ م



مؤسسه انتشارات رسالت

قم - تلفن ۷۸۳۲۳۳۲

**او خواهد آمد**

(با تجدید نظر و اضافات)

علی اکبر مهدی پور

چاپ دوازدهم (نوبت اول از ویراست سوم)

پاییز ۱۳۸۴ / ۳۰۰۰ نسخه / ۲۰۸ صفحه‌ی رقعی

چاپخانه‌ی عمران

شابک: ۹۶۴ - ۶۸۳۸ - ۱۷ - ۰

حق چاپ محفوظ است

۱۲۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ

سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ مُحَمَّدٍ الْمَسْتَضَرِّ الْمُهْتَدِي

بِعَدْلِهِ  
خَيْرُكُمْ  
مُؤْمِنِينَ

مسلمانان

مسیحیان

کلیمیان

زرتشتیان

برهمنیان

هندوها

ژرمنها

اسلاوها

همه معتقدند که:

او خواهد گرد آمد

فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱۱

سرگذشت کتاب ..... ۱۹

گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / ۲۳

مطلع نور ..... ۲۳

پیوند نور ..... ۲۷

آنجا که کسری و قیصر در هم می آمیزد ..... ۲۷

نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون ..... ۲۹

گزارش نور ..... ۳۴

سرگذشت حیرت انگیز نرجس خاتون ..... ۳۸

اجتماعی ناقرجام ..... ۳۸

روایاتی سرنوشت ساز ..... ۳۹

دومین روایا ..... ۴۱

شاهزاده و اسارت ..... ۴۳

دختر قیصر در دودمان پیمبر ..... ۴۴

- ۴۵ ..... ملیکه در مکتب حکیمه
- ۴۶ ..... چند نکته
- ۴۶ ..... ۱. گزارشگر گزارش نور
- ۴۷ ..... ۲. دختِ یشوعا
- ۴۸ ..... ۳. یشوعا، یا یسوعا؟
- ۴۹ ..... ۴. پدر یشوعا کیست؟
- ۵۳ ..... ۵. مبادله‌ی اُسرا
- ۵۶ ..... ۶. آزادی زندانیان
- ۵۶ ..... ۷. تردید چرا؟
- ۵۸ ..... ۸. پیرامون رؤیا
- ۵۸ ..... ۹. شمعون، جدا‌اعلای نرجس خاتون
- ۵۹ ..... ۱۰. نتایج به دست آمده
- ۶۱ ..... میلاد نور
- ۶۲ ..... متن گزارش تولد نور
- ۶۶ ..... دیگر شاهدان عینی
- ۷۰ ..... تاریخ دقیق میلاد مسعود کعبه‌ی مقصود
- ۷۸ ..... اعتراف دانشمندان عامه

ضرورت شناخت امام زمان عج / ۹۳

- ۹۴ ..... بخش اول: در منابع فریقین
- ۱۰۱ ..... بخش دوم: در منابع اهل سنت
- ۱۰۵ ..... بخش سوم: در منابع شیعه



او خواهد آمد / ۱۱۷

- ۱۱۸..... مهدی موعود در زبور داود.....
- ۱۲۰..... مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملحقات آن).....
- ۱۲۴..... مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن).....
- ۱۲۶..... مهدی موعود در کتب مقدسه‌ی هندیان.....
- ۱۳۱..... مهدی موعود در منابع ژر تیشیان.....
- ۱۳۸..... ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی.....
- ۱۴۵..... مهدی موعود از دیدگاه وسیعتر.....
- ۱۴۸..... مهدی موعود از دیدگاه اسلام.....
- ۱۵۱..... مهدی موعود در منابع اهل تسنن.....
- ۱۶۵..... سیری در مسئله‌ی غیبت.....
- ۱۶۷..... مدعیان مهدویت.....

نقش امام‌زمان در جهان هستی / ۱۶۹

- ۱۶۹..... از امام غایب چگونه استفاده می‌شود؟.....
- ۱۷۱..... خورشید فروزان در پشت ابرهای تاریک.....
- ۱۷۲..... هسته‌ی مرکزی جهان هستی.....
- ۱۷۴..... هسته‌ی مرکزی منظومه‌ی شمسی.....
- ۱۷۷..... جان جهان.....
- ۱۸۹..... منابع.....
- ۲۰۵..... آثار چاپ شده‌ی مؤلف.....

به نام او که :

بی نام او جهان صفا ندارد.

بی یاد او جانها بها ندارد.

بی عشق او دلها نوا ندارد.

بی لطف او عالم بقا ندارد.

بی جلوه‌ی او ارض و سماء جلا ندارد.

بی نور او خورشید و ماه ضیا ندارد.

بی جود او درد ما شفا ندارد.

بی مهر او مشکها دوا ندارد.

بی مهر او اعمال ما امضا ندارد.

بی ظهور او غم هجران انتها ندارد.

\*\*\*

ای همه غمها را تو پایان

ای همه دردها را تو درمان

ای همه آسفتگیها را تو سامان

ای نور یزدان ، ای مهر تابان

ای فروغ بی پایان ، ای خورشید همیشه فروزان.

بیا تا زیر تو رویت ، شب تاریک سحر گردد ، ورنه ای مهر تابان ، بی تو  
هر لحظه تیره تر گردد.

من در این غار خسته و دلشنگ ، انتظار تو را ستاره کنم ، در این شب تاریک  
وحشت زنا ، لحظه های تو را شماره کنم.

گر بیائی ستاره های سحر ، در نگاه تو رنگ می بازند. گر بیائی کبوتران  
امید ، لانه ها را دوباره می سازند.

\*\*\*

دنیائی که در آن زندگی می کنیم درد آلود و درد زاست ، سراسر درد و  
اندوه است و آینده ای که در برابر دیدگانمان ترسیم می شود : تاریک ،  
ابهام آمیز و یأس آور است.

انسانها می آیند و می روند و التهاب سوزان این : « فردای بهتر » را با خود  
به گور می برند ، لکن روزی دیگر ، انسانی دیگر ، این امید بی پایان را از نو  
آغاز می کند.

امید به بهروزی و انتظار : « فردائی تکوتر » حدیث نفس انسانها و  
خواست مشترک توده هاست.

این انتظار و امید به نوار خاصی از مکان و مقطع خاصی از زمان محدود  
نمی شود ، بلکه همه ی انسانها ، در همه ی اعصار و امصار ، در تب و تاب این  
انتظار می سوزند و می گدازند ، تا روزی دست نیرومند الهی از آستین غیبت  
بیرون آید و آرزوی دیرینه ی جامعه ی بشری را برآورده سازد و رؤیاهای  
طلاتی افلاطون را تحقق بخشد و جامعه ای برتر از « مدینه ی فاضله »  
براساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

اگر نقاشهای چیره دست روزگار دور هم نشینند و تابلوئی به پهنای جهان هستی ترسیم نمایند، هرگز نتوانند که فرازهای برجسته‌ی جهان پر فروغ عصر ظهور را منعکس سازند، که فروغ بی‌پایان آن جمال الهی هرگز در آینه‌ی بشری منعکس نشود.

بدیهی است که ما نیز در این سطور در پی آن نیستیم که دور نمای جهان بعد از ظهور را در این نوشتار منعکس نماییم، بلکه می‌خواهیم با اقتباس از سخنان نغزو پر مغز معصومین علیهم‌السلام گامی هر چند ناچیز در آرایه‌ی سینمای تایناک جهان بعد از ظهور برداریم و با منتظران ظهورش زمزمه کنیم:

### اگر او بیاید:

۱. جهان با فروغ جمال عالم آرایش منور گردد.<sup>۱</sup>
۲. راهها امن شود.<sup>۲</sup>
۳. ثروت به طور مساوی تقسیم گردد.<sup>۳</sup>
۴. همه‌ی گنجها را استخراج نماید.<sup>۴</sup>
۵. جهان در آسایش و آرامش بی‌نظیر قرار گیرد.<sup>۵</sup>
۶. همگان از حکومت حضرتش خشنود باشند.<sup>۶</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲. ارشاد مفید، ص ۳۶۴.

۳. عقد الدرر، ص ۴۰.

۴. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

۶. مستد احمد، ج ۲، ص ۳۷.

۷. زمین برکاتش را خارج سازد.<sup>۱</sup>
۸. پرچم اسلام بر فراز گیتی به اهتزاز درآید.<sup>۲</sup>
۹. امت اسلامی مجد و عظمت فوق العاده‌ای پیدا کند.<sup>۳</sup>
۱۰. حکومت‌های جابرانه ریشه کن شوند.<sup>۴</sup>
۱۱. شرق و غرب جهان به تسخیر آن حضرت درآید.<sup>۵</sup>
۱۲. ندای اسلام در تمام اقطار و اکناف جهان طنین انداز شود.<sup>۶</sup>
۱۳. فرهنگ بشری به والاترین حد خود برسد.<sup>۷</sup>
۱۴. جهان در ثروت و آبادانی غوطه‌ور شود.<sup>۸</sup>
۱۵. انسانها از رشد عقلانی برخوردار شوند.<sup>۹</sup>
۱۶. همه‌ی بدعت‌های جاهلی ریشه کن شود.<sup>۱۰</sup>
۱۷. حسد و حيله از بین برود.<sup>۱۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

۲. کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۸.

۴. منتخب الأثر، ص ۴۷۱.

۵. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۲.

۶. منتخب الأثر، ص ۲۹۳.

۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۸. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۹۰.

۹. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۳۶.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۱۱. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.

۱۸. کینه‌توزی و دغلبازی رخت بریندد.<sup>۱</sup>
۱۹. تبهکاران نادم شوند و خود را ملامت کنند.<sup>۲</sup>
۲۰. معیارهای اخلاقی در جهان حکمفرما شود.<sup>۳</sup>
۲۱. امتیازهای طبقاتی از بین برود.<sup>۴</sup>
۲۲. روابط انسانها بر اساس صفا و وفا استوار گردد.<sup>۵</sup>
۲۳. همه بی‌نیاز شوند و از پذیرش پول امتناع کنند.<sup>۶</sup>
۲۴. نیاز همگان برطرف شود و کسی حاضر به پذیرش زکات نباشد.<sup>۷</sup>
۲۵. همگان در دل خود احساس بی‌نیازی کنند.<sup>۸</sup>
۲۶. نشانی از شرک و کفر در روی زمین باقی نماند.<sup>۹</sup>
۲۷. همه‌ی گردنکشان در برابر آن حضرت تسلیم شوند.<sup>۱۰</sup>
۲۸. همه‌ی شیعیان جهان از اقطار و اکناف جهان در اطراف شمع وجودش گرد آیند.<sup>۱۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۴۱۶.
۲. سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۳۴.
۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۳۳۶.
۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.
۵. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸.
۶. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۴.
۷. ارشاد مفید، ص ۳۴۳.
۸. مسند احمد، ج ۳، ص ۴۷.
۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰.
۱۰. تفسیر قمی، ص ۱۱۸.
۱۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶.

۲۹. در هر نقطه‌ای بانگ وحدانیت پروردگار و شهادت به رسالت رسول اکرم ﷺ طنین انداز شود.<sup>۱</sup>
۳۰. مردم را به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و برائت از دشمنان آن حضرت قرا خواند.<sup>۲</sup>
۳۱. روی زمین از لوث دشمنان اهل بیت علیهم السلام پاک شود.<sup>۳</sup>
۳۲. قلب مؤمن از فولاد استوارتر شود.<sup>۴</sup>
۳۳. مردم آرزو کنند که ای کاش نیاکانشان زنده بودند و آن روز فرخنده را می‌دیدند.<sup>۵</sup>
۳۴. هر حقی به صاحب حق برمی‌گردد.<sup>۶</sup>
۳۵. شمش‌های طلا را با خود حمل کنند تا در راه خدا خرج کنند ولی هیچکس نمی‌پذیرد.<sup>۷</sup>
۳۶. عمرها به قدری طولانی شود که هر کس ۱۰۰۰ فرزند ذکور از تسلی خود زاد رک کند.<sup>۸</sup>

۱. یتایبع المودة، ص ۵۰۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. عقد الدرر، ص ۱۵۹.

۴. غیبت نعمانی، ص ۱۶۷.

۵. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۶۵.

۶. ارشاد مفید، ص ۳۴۳.

۷. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۶.

۸. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۳۷. همه‌ی حقوق حق تعالی، و همه‌ی حقوق خاندان عصمت و طهارت استیفاء شود.<sup>۱</sup>

۳۸. عدالت در همه جا گسترده شود، احدی مورد ستم قرار نگیرد.<sup>۲</sup>

۳۹. شیعیان در عصر ظهور از شیر دلیرتر و از شمشیر برنده‌تر شوند.<sup>۳</sup>

۴۰. در روی زمین ویرانه‌ای نمی‌ماند، جز این که آباد گردد.<sup>۴</sup>

\*\*\*

۱. مدینه البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۲.

۳. حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۴.

۴. اعلام الوری، ص ۴۲۳.



### سرگذشت کتاب

به سال ۱۳۹۰ هـ. در ایام ارتحال مرجع فقید شیعه : مرحوم آیه الله حاج سید محسن حکیم رحمته ، در یکی از مجالس یاد بود ایشان ، به هنگام بحث از موقعیت مراجع تقلید و نیابت عامه‌ی آنان از قطب عالم امکان ، حضرت صاحب الزمان علیه السلام ، به مناسبت گفتگو از نقش امام زمان در بقای جهان هستی ، تعبیر : « هسته‌ی مرکزی جهان آفرینش » بر زبان جاری شد و یک مرتبه به نظر قاصر رسید که شاید به همین جهت است که در احادیث معصومین علیهم السلام وجود اقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداء در عصر غیبت به خورشید نهان در پشت ابر تشبیه شده است ، این مطلب پی گیری شد و به صورت نوشتاری در آمد و تحت عنوان : « نقش امام زمان در جهان هستی » در تیراژ وسیعی انتشار یافت . یکسال بعد ، از طرف مجله‌ی « نسل جوان » مسابقه‌ی مقاله نویسی پیشنهاد شد و نوشتاری تحت عنوان : « او خواهد آمد » تقدیم گردید ، پس از بررسی مقالات ، مقاله‌ی یاد شده ممتاز شناخته شد و در « سالنامه‌ی جوانان » چاپ گردید .

دوست دانشمندم نویسنده و محقق گرانقدر مرحوم « داود الهامی » پیشنهاد نمودند که این دو مقاله ، به پیوست دو مقاله‌ی دیگر از ایشان به صورت کتابی منتشر شود ، پیشنهاد ایشان عملی گردید و با مقدمه‌ای از مرحوم علامه‌ی طباطبائی رحمته در ۱۲۸ صفحه‌ی جیبی در آستانه‌ی نیمه‌ی شعبان ۱۳۹۲ هـ. منتشر شد.

این کتاب در مدت ۱۰ سال بیش از هفت بار تجدید چاپ شده در تیراژی بالغ بر یکصد هزار نسخه انتشار یافت. به سال ۱۴۰۳ هـ. ویرایش مختصری به عمل آمده چاپ هشتم آن با تجدید نظر و اضافات در ۱۷۶ صفحه‌ی رقی در ۲۰۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شد.

دست‌اندرکاران طبع و نشر کتاب می‌دانند که انتشار یک کتاب مذهبی در تیراژی بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نسخه در جهان مطبوعات به ندرت اتفاق می‌افتد. این استقبال پرشور شیفتگان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ایجاب می‌کرد که ویرایش جدیدی از این کتاب به عمل آمده ، به صورت جامع‌تر و جالب‌تری به راهیان نور و منتظران ظهور تقدیم گردد.

در این میان مرحوم الهامی مقالات خود را گسترش دادند و عناوین تازه‌ای به آنها افزودند ، کتاب ارزشمندی را تحت عنوان : « آخرین امید » انتشار دارند.

این کمترین نیز دو مقاله‌ی یاد شده را یکبار دیگر ویراستاری نموده ، عناوینی را به آنها افزودند ، در آستانه‌ی یکهزار و یکصد و شصت و سومین سالروز میلاد مسعود بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و

آزادی،<sup>۱</sup> به صورتی که ملاحظه می‌فرمایید به شیفتگان کوی و منتظران ظهورش تقدیم نمود.

و اینک اشاره‌ای کوتاه به عناوین کتاب:

۱. مطلع نور، پیش درآمدی بر میلاد نور

۲. پیوند نور، اسامی شریفه‌ی وعاء نور

۳. گزارش نور، گزارش دقیق و مستند حوادث شگفت‌انگیز در

امپراطوری روم، نسب و الای ملکه‌ی اسلام حضرت نرجس خاتون علیها السلام،

بررسی جنگهای واقع شده در میان مسلمانان و قیصر روم، آمار و ارقام

اسرای جنگی، تاریخ دقیق مبادله‌ی اسیران و کیفیت انتقال یافتن حضرت

نرجس خاتون از دربار قیصر روم به دودمان امامت و نبوت.

۴. میلاد نور، گزارش دقیق تولد تور، شاهدان نور، باریافتگان به حضور

نور و تصریح ۲۰ تن از دانشمندان شیعه و ۲۰ تن از علمای عامه به ولادت

نور در نیمه‌ی شعبان ۲۵۵ هجری.

۵. ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام، بررسی دقیق و مستند حدیث

شریف: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ و نقل ۳۰

متن از دهها منبع مورد اعتماد و استناد شیعه و سنی.

۶. او خواهد آمد، بررسی نویدهای موعود کعبه، در کتب یهود،

نصاری، مجوس و دیگر کتب مقدسه، گزارش بیش از ۶۰۰۰ حدیث صادره

از معصومین علیهم السلام و کتابنامه‌ی ۱۴۰ جلد کتاب مستقل پیرامون آن حضرت

از علمای عامه.

۷. نقش امام زمان در جهان هستی، بررسی رمزی بقای نظام هستی از ریزترین موجودات (اتم) تا بزرگترین آنها (کهکشان)، جهت تشبیه امام غائب از نظریه خورشید پنهان در پشت ابر، و بررسی حدیث شریف:

«لَوْلَا الْحِجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»:

«اگر یک لحظه حجت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو برد».

به امید روزی که خورشید فروزان جهان هستی از پشت ابرهای غیبت طالع گشته، جهان هستی را با فروغ رویش منور ساخته، کاخ ستمگران را بر سرشان فروریخته، شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی بنیاد نهد.

حوزه‌ی علمی قم

علی اکبر مهدی پور

## گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور

### مطلع نور

ماه پانزده شبه دامن خود را جمع کرده ، میدان آسمان را ترک می گفت ،  
و هاله‌ی آن با نمای اندوهباری همچون اشک از چشم آسمان می غلطید .  
تاریکی اندام سنگین خود را به ماوراء افق‌ها می کشید و لحظه‌ای بعد در  
و دیوار شهر تاریخی « سامرا » نقاب سیاه ظلمت را کنار زده ، سپیده دم  
پیشانی خود را به ریگزارهای تفتیده‌ی صحرا و گردنه‌ی تپه‌ها می سایید .  
نسیم صبحگاهی بوسه بر لب دجله و صورت نخلهای پیر و جوان می زد ،  
گویی دنیا می خواست جلال و شکوه خاصی به خود بگیرد .  
اولین اشعه‌ی طلایی روز ، چون تیری خون آلود سینه‌ی سیاه افق را  
شکافت ، صدای مؤذن اوج گرفت و در همه جا طنین انداخت :

الله أكبر ، الله أكبر

دروازه‌ی سحر باز شد ، صبحی خجسته ، روزی مبارک ، روزی که با  
تمام روزها متفاوت بود .

هنوز ندای عظمت خدا گوش جان را نوازش می داد که در یکی از خانه های «سامرا» طفلی به دنیا آمد، که او هم بلافاصله سرود عظمت خدا را به لب راند، انگشت سببیه ی خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ<sup>۱</sup>

شادی و سرور بر همه جا دامن کشید و برق شعف از دیدگان مادر بیرون زد، پدر در حالی که موج نشاط از جام چشمانش فرو می ریخت چنین گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ آرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَ خُلُقًا، يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ، وَ يُظْهِرُهُ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا»:

«سپاس و ستایش خداوندی را که مرا زنده نگه داشت، تا جانشینم را که از منست و در سیرت و صورت شبیه ترین مردم به رسول اکرم ﷺ است، با چشم خود بینم. خدایش او را در پشت پرده نگه می دارد، سپس او را ظاهر می کند و زمین را پر از عدل و داد می کند آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده است»<sup>۲</sup>.

سخنان پدر بدینسان پایان یافت. آب در گلوی «حکیمه» (عمه ی امام حسن عسکری علیه السلام) خشکیده بود، و حیرت و تعجب بر چهره ها نقش شگفت زده بود، نفس ها از سینه ها بیرون نمی آمد، و اشکی از شوق و

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۵؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۰؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۴۱۷.

۲. کفایة الأثر، ص ۲۹۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

تعجب در چشمها گردش می کرد.

فضیلت و شرف همچون سایه‌ای سنگین بر سر مولود بال گسترده بود، و در سیمایش موجی از لپخند در دریای اشک شنامی کرد.

او هنوز در آغوش گهواره آرآمیده بود، به «ابونصر خادم» فرمود:

«مرا می شناسی؟ من خاتم اوصیاء هستم، خداوند به

وسیله‌ی من، بلاها را از اهل و شیعه‌ام دفع می کند.»<sup>۱</sup>

غریو عظیم و روح بخشی که از دهانه‌ی گلویش بلند می شد، عظیم تر و شکوهمندتر از هر صدایی در جهان، امواج فریادش را پراکنده ساخت تا دنیا را زیر موج خویش نهان سازد.

کسی جرأت نمی کرد به نوزاد نزدیک شود، او دنیایی از عظمت را با خود آورده بود.

او پیش از آفتاب چشم به این جهان گشود، تا همیشه آفتاب را پشت سر قرار دهد.

بدین ترتیب تولد شگفت‌انگیزترین انسان تحقق یافت. و این لحظه‌ی پر شکوه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد.<sup>۲</sup>

او چند لحظه‌ی بعد غیبت ۷۴ ساله‌ی خود را که «غیبت صغری» نامیده می شود.<sup>۳</sup> آغاز کرد و دستی نیرومند در آستین غیبت فرو رفت.

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۳۴، ۲۳۸.

۳. شیخ مفید تصریح می کند که «غیبت صغری» از روز تولد حضرت ولی عصر - عجل الله

در دوران غیبت صغری شیعیان می توانستند به توسط نواب خاص آن حضرت : عثمان بن سعید ، محمد بن عثمان ، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد سمری پرسشها و مشکلات خود را به ناحیهی مقدسه برسانند و پاسخهای لازم را دریافت نمایند. ولی با درگذشت چهارمین نایب خاص در نیابت خاص بسته شد و شیعیان به دستور آن حضرت موظف شدند که در مسائل شرعی به «توابع عام» یعنی مراجع تقلید مراجعه کرده ، در رویدادها و مسائل اجتماعی به فتوای آنها عمل کنند.<sup>۱</sup>

و بدین ترتیب حجت خدا در پشت پردهی غیبت پنهان گردید ، تا روزی پس از سپری شدن غیبت کبری ظهور کند و به جنایت و خیانت انسانها خاتمه دهد و پرچم توحید را بر فراز کوهی خاکی به اهتزاز درآورد.



۱. بحسب فرجه الشریف - حساب می شود تا روز وفات آخرین نایب خاص آن حضرت ، و در نتیجه غیبت صغری ۷۴ سال کامل است. [ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۴۰].

۱. در مورد لزوم تقلید از مراجع عالیقدر مرحوم شیخ حرّ عاملی ۴۸ روایت با ذکر سند در کتاب شریف «وسائل الشیعه» ج ۲۷، ص ۱۳۶-۱۵۳ آورده است.



### پیوند نور

در میان میلیونها بانوی پرده نشین که در نیمه‌ی قرن سوم هجری در شرق و غرب جهان در سرا پرده‌ی عفت و پاکی جای داشتند، آفریدگار جهان تنها در یکی از آنان این لیاقت و شایستگی را به ودیعت نهاده بود که وعاء نور یزدان قرار بگیرد، به سرا پرده‌ی خاندان عصمت و طهارت راه یابد، و خورشید فروزان امامت از برج او طالع گردد.

جالبتر این که این بانوی بی‌همتا، ملکه‌ی دوسرا، مادر یوسف زهرا، و وعاء نور خدا، دخت یسوعا، از تبار حواریون حضرت عیسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - انتخاب شده است.

خداوند حکیم از روی حکمت بالغه‌اش مادر فرمانروای جهان هستی حضرت حجة ابن الحسن المهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را از کاخ امپراطوری قیصر روم و پایتخت بیزانس برگزیده بود.

✽

آنجا که کسری و قیصر درهم می‌آمیزد:

فرعون دهها هزار کودک را سر برید تا از تولد حضرت موسی علیه السلام

جلوگیری کند، ولی خدا خواست که حضرت موسی در خانه‌ی فرعون زندگی کند و پرورش یابد و سرانجام طومار عمر فرعون به دست او در هم پیچد. کسری و قیصر نیز قرن‌ها با مسلمانان جنگیدند تا از گسترش اسلام در بلاد پارس و بیزانس جلوگیری کنند، ولی خدا خواست که در هم کوبنده‌ی اکاسره و قیصره از تبار کسری و قیصر باشد، و اینک به دو حدیث زیر توجه فرمائید:

۱. یزدگرد به هنگام فرار از مداین - پس از جنگ قادسیه - در برابر ایوان مداین ایستاد و گفت: «ای ایوان خدا حافظ، من رفتم ولی به سوی تو باز می‌گردم، خودم و یا یکی از فرزندانم، که هنوز هنگام ظهورش نرسیده است». سلیمان دیلمی می‌گوید: «به خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: تعبیر «یا یکی از فرزندانم» در گفتار یزدگرد چیست؟ فرمود:

«ذَلِكَ صَاحِبِكُمُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - السَّادِسُ مِنْ وُلْدِي، قَدْ وُلِدَهُ يَزْدَجَرْدُ فَهُوَ وَوَلَدُهُ»:

«مقصود از او صاحب شما حضرت قائم علیه السلام است که به فرمان خدا قیام خواهد کرد، او ششمین فرزند من و از تبار یزدگرد است».<sup>۱</sup>

با توجه به این که «شهربانو» دختر یزدگرد مادر امام سجاد علیه السلام است<sup>۲</sup> حضرت یقیناً الله - ارواحنا قدها - از تبار «یزدگرد» آخرین پادشاه ساسانی، (متوفای ۳۱ هجری) می‌باشد.

۱. بخارا الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۴.

۲. ینایع الموده، ج ۳، ص ۱۵۱.

۲. هنگامی که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: «قائم آل محمد چه کسی است؟» فرمود:

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ»:

«او چهارمین فرزند از تبار منست، او فرزند بانوی کنیزان است»<sup>۱</sup>

و هنگامی که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «قائم آل محمد کیست؟» فرمود:

«يَا أَبَا بَصِيرٍ، هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْأِمَاءِ»:

«ای ابا بصیر، او پنجمین فرزند از تبار پسر من موسی (بن جعفر) است، او پسر بانوی کنیزان است»<sup>۲</sup>

هنگامی که امام صادق و امام رضا علیه السلام از مادر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه سخن می گفتند، حضرت نرجس خاتون هنوز به دنیا نیامده بود، و شاید پدرش «یشوعا» نیز دیده به جهان نگشوده بود.



### نام نامی و القاب گرامی نرجس خاتون

مورخان برای آن ملکه ی دو سرا، و همسر بی همتای امام عسکری علیه السلام نه اسم نوشته اند:

۱. اعلام البوری، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

ملیکه، حکیمه، سبیکه، نرجس، سوسن، مریم، ریحانه،

### ختم و صقیل<sup>۱</sup>

تعدد اسامی معمولاً به جهت شخصیت فوق العاده‌ی صاحب نام است، چنانکه امام صادق علیه السلام به هنگام شمارش مناقب حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید:

برای حضرت فاطمه در نزد خداوند متعال نه اسم است: فاطمه،

صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه و زهرا.<sup>۲</sup>

به هنگام ولادت، پدر و مادرش او را «ملیکه» نام نهادند<sup>۳</sup> ولی آنها غافل بودند که چه اسمی با مسمی برای فرزند خود برگزیده‌اند، و او روزی ملکه‌ی دو سرا خواهد بود، او به حق شایسته‌ی این نام است.

هنگامی که او به اسارت مسلمانان در آمد خود را «نرجس» معرفی نمود<sup>۴</sup> تا احدی از اسرار او آگاه نشود، و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد.

چون به خاندان عصمت و طهارت راه یافت او را با نامهای مختلفی صدا زدند تا جاسوسان خلیفه‌ی عباسی بر شرافت نسب او واقف نشوند و متوجه نشوند که او همان صدف سیمین آفرینش است که یکتا گوهر جهان خلقت از او خواهد بود.

۱. روزگار رهائی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲. امالی شیخ صدوق، ص ۴۷۴.

۳. دلائل الامامه، ص ۴۹۲؛ غیبت طوسی، ص ۲۱۰.

۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۵۵.

و اینک نگاهی گذرا بر اسامی گرامی آن حضرت :

۱. «نرجس» : نام گلی از رده‌ی تک لپه‌بها ، و سر دسته‌ی گیاهان تیره‌ی نرگسی می‌باشد ، که گل‌هایش منفرد و در انتهای ساقه قرار دارد و به جهت زیبایی فوق العاده‌اش چشم معشوق را به آن تشبیه می‌کنند.<sup>۱</sup>

گل حضرت نرجس خاتون نیز در جهان خلقت منفرد است و در انتهای این جهان قرار دارد و همه‌ی عاشقان در آرزوی گوشه‌ی چشمی از آن محبوب گمگشته به سر می‌برند ، به یادش زنده‌اند و در فراقش جان می‌سپارند.

۲. «سوسن» : نیز گلی فصلی و دارای گل‌های زیبا و درشت به رنگ‌های مختلف است. اصل این گل از اروپا و ژاپن و آمریکای شمالی و هیمالیاست.<sup>۲</sup>

اما گل جناب سوسن ، گل همیشه بهار است که گذشت زمان و موسم خزان هرگز از طراوت او نکاهد ، و اصل او از جهان علوی است و نور مقدّسش از اشعه‌ی انوار قدسی است ، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعبیر می‌فرماید :

«بَابِي وَ أُمِّي سَمِيَّةٌ ، وَ شَبِيهِى وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدُسِ» :

«پدر و مادرم به فدای او باد که همتام منست و شبیه من و شبیه حضرت موسی بن عمران است ، هاله‌ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته ، اشعه‌ی انوار قدسی از او ساطع است».<sup>۳</sup>

۱. فرهنگ معین ، ج ۴ ، ص ۴۷۰.

۲. همان ، ج ۲ ، ص ۱۹۵۴.

۳. کفایة الاثر ، ص ۱۵۹.

نسب او از طرف پدر به شرق و از طرف مادر به غرب منتهی می‌گردد.  
 ۳. «سببگه»: طلای ناب و نقره‌ی خالص را گویند که پس از گداخته شدن، ناخالصی‌های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره‌ی خالص به صورت شمش در قالبها ریخته شود.<sup>۱</sup>

او در پایتخت بیزانس در عشق امام عسکری علیه السلام گداخته شد و همه‌ی ناخالصی‌های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا علیها السلام از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد.

۴. «حکیمه»: بانوی دانشمند، فیلسوف و فرزانه را گویند. و او بانوی فرزانه‌ای است که علم و حکمت را نخست در پایتخت بیزانس از معلم خصوصی و عرب زبان فرا گرفته،<sup>۲</sup> سپس فرائض دینی و سنن اسلامی را از پیشگاه «حکیمه» دخت گرامی امام جواد علیه السلام آموخته است.<sup>۳</sup>

۵. «ملیکه»: به معنای ملکه و شهبانوست، و او مادر فرمانروای جهان هستی است، که همه‌ی سلاطین روی زمین پیشانی ادب بر آستانش می‌سایند.

۶. «مریم»: نام مادر گرامی حضرت عیسی علیه السلام است، و او مادر منجی جهان بشریت است، که حضرت عیسی علیه السلام، به اتفاق علمای شیعه و سنی به او اقتدا کرده در پشت سرش به نماز خواهد ایستاد.<sup>۴</sup>

۷. «ریحانه»: هر گیاه خشبو و معطر، دسته‌ی ریحان، دسته‌ی

۱. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۱۳؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳. دلائل الامامه، ص ۴۹۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰.

۴. مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۱۵، ص ۱۹۸ (حدیث ۱۹۴۹۵).

شاهسپرغم، صعتر هندی، روزی، رحمت، و نوری را گویند که در اثر ریاضت در انسان حاصل شود.<sup>۱</sup>

و چه نامی مناسب با مادر ریحانه‌ی وجود، که همه‌ی جهان معطر از عطر او، هر غمی زدوده با یک نگاه او، هر دردی شفا یافته از صعتر کوی او، جمله خلایق بر سر سفره‌ی عام او، جهان هستی به طفیل عنایت او، و مهر و ماه منور از فروغ روی او.

۸. «حَمَط»: نام درختی است که میوه‌ی خوردنی دارد، و به هر چیز تازه و خشبو، و به دریای خروشان گفته می‌شود.<sup>۲</sup> و همه‌ی این تعبیرات با آن بانوی بی‌همتا تناسب دارد.

۹. «صَقِيل»: هر شیء نورانی، صیقلی و جلا داده شده را می‌گویند. شیخ طوسی و شیخ صدوق می‌فرمایند: «پس از آنکه حضرت نرجس خاتون به ولی عصر - ارواحنا فداء - حامله شد او را صقیل نام نهادند».<sup>۳</sup>

علامه‌ی مجلسی پس از نقل فراز بالا از شیخ صدوق، می‌فرماید:

«نرجس خاتون پس از آنکه به آن وجود نورانی حامله شد،

هاله‌ای از نور و ضیاء او را فرا گرفت، آنگاه به جهت این

نورانیت فوق العاده او را صقیل نام نهادند».<sup>۴</sup>

اگر بنا باشد نور فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در پیشانی حضرت خدیجه علیها السلام

۱. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۰.

۳. غیبت طوسی، ص ۳۹۳؛ کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۳۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵.

هویدا باشد، نور یوسف زهرا چرا در پیشانی حضرت نرجس خاتون ساطع نباشد؟ در حالی که او نور یزدان و مهر فروزان است و به هنگام تولد نوری از او ساطع شده که همه ی اطراف و اکناف جهان را تا آفاق آسمان روشن نموده است!!<sup>۱</sup>

و اینک در پی آنیم که ببینیم ریخانه ی قیصر چگونه ریخانه ی پیامبر شد؟! و این همه راه دور و دراز را از هفت تپه ی قسطنطنیه تا کرانه های سامرا چگونه پیمود؟ و سرانجام تعلقات خود را از خاندان قیصر چگونه گسست و به دودمان پیامبر پیوست؟! \*

### گزارش نور

گزارش دقیق و مستند از حوادث شگفت در امپراطوری روم، و مسافرت پرماجرایی ملکه ی دوسرا، از کرانه های دریای مرمره تا ساحل سامرا را در ضمن حدیثی مورد اعتماد و استناد، از زبان آن خاتون دو جهان می شنویم؛ شیخ صدوق در کمال الدین، شیخ طوسی در غیبت، طبری در دلائل الامامه، ابن شهر آشوب در مناقب، نیلی در منتخب، ابن قتال نیشابوری در روضه، شیخ حرّ عاملی در اثبات الهداة، سید هاشم بحرانی در حلیة الأبرار و علامه ی مجلسی در بحار، مشروح این گزارش را از بشر بن سلیمان، از اصحاب امام هادی علیه السلام روایت کرده اند، که ما متن کامل گزارش را از دو



سند نخستین ، کمال الدین و غیبت ، ترجمه و نقل می کنیم :

بشر بن سلیمان نخاس ، از نسل « ابویوب انصاری » که از اصحاب و ارادتمندان امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود و به خرید و فروش غلام و کنیز اشتغال داشت ، می گوید :

سرور من ابوالحسن ، حضرت هادی علیه السلام ، احکام مربوط به خرید و فروش بردگان را به من آموخته بود ، من نیز معمولاً بدون اجازه ی ایشان خرید و فروش نمی کردم ، و از موارد شبهه اجتناب می کردم . کم کم در این زمینه شناخت من کامل شد و موارد حلال را از موارد شبهه ناک شناختم . شبی در سامرا در خانه ام ، که در نزدیکی منزل امام هادی علیه السلام قرار داشت ، نشسته بودم ، پاسی از شب گذشته بود که در خانه ام کوبیده شد . شتابان به سوی در خانه رفتم و در را گشودم ، « کافور » خادم و فرستاده ی امام هادی علیه السلام بود که مرا به حضور ایشان فراخواند .

لباس پوشیده به خدمت آن حضرت شتافتم ، چون وارد خانه شدم دیدم که با فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام مشغول گفتگو است ، و خواهرش حکیمه پشت پرده قرار داشت .

همین که نشستم فرمود : « ای بشر تو از اعقاب انصار هستی ، محبت و دوستی ما همواره در دلهای شما پایدار بود ، و هر نسلی از شما محبت و مودت ما را از نسل پیشین به ارث برده است . و اینک من می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم و ترا دنبال کاری بفرستم ، و از این طریق با فضیلت ویژه ای ترا گرامی بدارم ، که در این فضیلت گوی سبقت را از همه ی شیعیان ببری . »  
 آنگاه نامه ی ظریفی را به زبان رومی و به خط رومی نوشت و مهر خویش را بر آن زد . سپس چننه ی زر دی را بیرون آورد که در آن ۲۲۰ دینار

بود. نامه و چنته را به من داد و فرمود:

اینها را بگیر و به سوی بغداد عزیمت کن و پیش از ظهر فلان روز در گذرگاه « فرات » حضور پیدا کن.<sup>۱</sup>

هنگامی که قایقهای حامل بردگان رسید و کنیزان پیاده شدند، گروه بسیاری از خریداران را مشاهده می‌کنی که از طرف فرماندهان عباسی دور آنها را گرفته‌اند، در آن میان تعداد اندکی نیز از جوانان عرب را می‌بینی که به قصد خرید حضور یافته‌اند.

تو در آن روز از دور مواظب برده فروشی به نام: «عمرو بن یزید»<sup>۲</sup> باش، تا هنگامی که کنیزی را با این خصوصیات، در حالی که دو جامه‌ی حریر تازه، خوش‌رنگ و درشت بافت بر تن دارد، برای فروش عرضه کند. خواهی دید آن کنیز اجازه نمی‌دهد که هیچ خریداری نقاب از چهره‌اش بازگیرد، یا جامه از تنش کنار زند، و یا اندامش را لمس کند.

در آن هنگام برده فروش در صدد آزار او بر می‌آید و او سخنی به زبان رومی می‌گوید و فریاد بر می‌آورد. معنای سخنان او اینست که از حال خود شکوه می‌کند و از کشف حجابش بر حذر می‌دارد.

در این هنگام یکی از خریداران خواهد گفت: «من این کنیز را به سیصد دینار می‌خرم، زیرا عفت و پاکدامنی او موجب رغبت شدید من شده است»، و آن کنیز به زبان عربی به او خواهد گفت: «اگر در جامه‌ی حضرت

۱. آقای قزوینی به جای « فرات »: « صِراة » تعبیر نموده (الامام المهدی، ص ۱۲۰) و این نام دو رودخانه در بغداد بود [معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۹۹].

۲. در کمال‌الدین و نسخ چاپی غیبت طوسی «عمر» ثبت شده، ولی در دلائل الامامه و نسخ خطی غیبت طوسی «عمرو» آمده است.

سلیمان و برقرار تخت شاهی ظاهر شوی، من رغبتی به تو نخواهم داشت،  
ولذا مالت را بیهوده خرج نکن.»

برده فروش به آن کنیز خواهد گفت: «چاره چیست؟ ناگزیر تر ایا باید  
فروخت؟» کنیز در پاسخ می گوید: «اینهمه شتاب برای چیست؟ باید  
خریداری باشد که دل من به سوی او کشش پیدا کند و به صداقت و امانت او  
اعتماد کنم.»

در این هنگام تو برخیز و پیش عمرو بن یزید برده فروش برو، و به او  
بگو: «من نامه‌ی دلگرم کننده‌ای را از یکی از اشراف همراه دارم، که آن را  
به زبان رومی و به خط رومی نوشته، و در آن کرم و وفا و خرد و سخای  
خود را منعکس نموده است، این نامه را به او بده تا آن را مطالعه کند و  
اخلاق و رفتار نویسنده‌اش را در لابلای سطور آن جستجو نماید، اگر به  
نویسنده‌ی آن تمایل پیدا کرد و تو نیز مایل بودی، من از طرف نویسنده‌ی  
نامه و کالت دارم که او را از تو خریداری کنم.»

بشرین سلیمان می گوید، من همه‌ی دستورات سرور خودم امام  
هادی علیه السلام را به طور کامل انجام دادم، همین که آن کنیز در نامه نگریست  
به شدت گریست و به «عمرو بن یزید» گفت:

«باید مرا به نویسنده‌ی این نامه بفروشی»، و سوگند یاد کرد که اگر از  
فروختن او به صاحب نامه خود داری کنی در معرض تلف قرار خواهد گرفت.  
آنگاه من در مورد قیمت کنیز بایرده فروش وارد مذاکره شدم و سرانجام  
به همان مبلغی که مولایم در چنته همراه من فرستاده بود به توافق رسیدیم.  
آنگاه آن بانورا در حالی که شاداب و خندان بود از او تحویل گرفتم و به  
خانه‌ای که در بغداد آمد و شد داشتم بردم.

آن بانو از شدت خوشحالی آرام نداشت، نامه‌ی امام هادی علیه السلام را بیرون می‌آورد، آن را می‌بوسید و بر صورت خود می‌نهاد و دست بر آن می‌کشید. پاشگفتی به او گفتم: «نامه‌ای را می‌بوسی که صاحبش را نمی‌شناسی؟!».

آن بانو پاسخ داد: ای عاجز و ناتوان از شناخت مقام اولاد پیامبران، خوب گوش کن و به گفتارم دل بسیار تا به حقیقت راه یابی:

### سرگذشت حیرت‌انگیز نرجس خاتون

من «ملیکه» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم، مادرم از تبار حواریون است و نسب من از طرف مادر به «شمعون» وصی حضرت مسیح علیه السلام می‌رسد. من اکنون ترا از یک حادثه‌ی وحشت‌انگیز و شگفت‌آور آگاه می‌سازم: هنگامی که سیزده بهار از عمر من گذشت، پدر بزرگم قیصر تصمیم گرفت که مرا به عقد برادرزاده‌ی خود در آورد.

سیصد تن از اعقاب حواریون که همگی کشیش و راهب بودند را گرد آورد، و هفتصد تن از دیگر کشیشان که از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بودند فراخواند، آنگاه چهار هزار نفر از فرماندهان سپاه و امیران لشکرها و سرپرستان عشایر دعوت کرد و از مال و یتزهی خود تختی مرصع و مزین به انواع جواهرات بیاراست و آن را در حیات کاخ و بر فراز چهل پایه قرار داد.

### اجتماعی نافرجام

چون برادرزاده‌اش بر فراز آن تخت قرار گرفت و صلیبها را در گرداگرد

او بگردانیدند، و اسقفها به حال تعظیم برخاستند و اوراق اناجیل را بگشودند، و مهیا شدند که مراسم ازدواج را به جای آورند، ناگهان همه ی صلیبها سرنگون شدند، پایه های تخت به لرزه در آمد و فرو ریخت، آن جوان که بر فراز تخت قرار داشت مدهوش بر زمین افتاد.

رنگ کشیشان پرید و لرزه بر اندامشان افتاد، و اسقف اعظمشان به پدر بزرگم گفت:

« پادشاهها: ما را در مورد این حوادث نافرجام و نحوست بار که پیش در آمد نابودی آیین مسیحیت و شیوهی امپراطوری است معذور بدار.»  
پدر بزرگم که شدیداً از این پیشامد ناگوار افسرده بود و آن را به فال بند زده بود، به کشیشان گفت:

« این پایه را استوار سازید و این صلیبها را یکبار دیگر بر پا دارید، آنگاه دیگر برادر این داماد نگون بخت را فرا خوانید، تا این دختر را به ازدواج او در آورم، تا این نحوست با فرخندگی او بر طرف شود.»

بار دیگر که مجلس بیاراستند و فرمان او را به کار بستند نظیر همان حوادث وحشتناک به وقوع پیوست، همه وحشت زده پراکنده شدند، و پدر بزرگم افسرده و دل مرده برخاست و به حرمسرا رفت و پرده ها را بیاویخت.

### رؤیائی سرنوشت ساز

در آن شب خوابی شگفت دیدم که سرنوشت مرا تغییر داد:

در خواب دیدم که حضرت مسیح و شمعون و گروهی از حواریون در

کاخ پدر بزرگم گرد آمده‌اند و منبری از نور در آن نصب شده است که در شکوه و عظمت سر بر آسمان می‌ساید.

این منبر را درست در نقطه‌ای گذاشته بودند که پدر بزرگم تختش را در آنجا قرار داده بود.

در آن هنگام حضرت محمد ﷺ با وصی و داماد خود - امیر مؤمنان - و گروهی از فرزندان او وارد شدند.

حضرت مسیح پیش رفت و حضرت محمد ﷺ را در آغوش کشید. آنگاه رسول اکرم به حضرت مسیح فرمود: «ای روح الله! من آمده‌ام که از وصی تو «شمعون» دخترش «ملیکه» را خواستگاری کنم. و با دست خود به سوی: «ابو محمد» پسر تو پیسنده‌ی این نامه اشاره فرمود. حضرت عیسی ﷺ به سوی شمعون نگریست و فرمود:

«ای شمعون، شرف و فضیلت به سوی تو روی آورده است، خاندان خود را با خاندان آل محمد پیوند بزن». شمعون گفت: «اطاعت می‌کنم».

در آن هنگام رسول اکرم ﷺ بر فراز منبر تشریف بردند، خطبه‌ای ایراد فرمودند و مرا به هسمری فرزند خویش در آوردند.

حضرت عیسی، حواریون و فرزندان رسول خدا گواهان عقد بودند. هنگامی که از این رویای طلایی بیدار شدم، ترسیدم که اگر خواب را با پدر و پدر بزرگم در میان بگذارم مرا بکشند، و لذا آن را پوشیده داشتم و برای آنان بازگو نکردم. ولی سینه‌ام چنان از محبت «ابو محمد» آکنده شد که دیگر میل به خوراک را از دست دادم، و به همین سبب سخت بیمار و رنجور شدم.

در شهرهای روم هیچ پزشکی باقی نماند جز اینکه پدر بزرگم برای معالجه‌ی من فراخواند ولی نتیجه نداشت.

چون پدر بزرگم از معالجه‌ی من مأیوس شد، از روی شفقت به من گفت:

«ای نور دیده‌ام، آیا خواهش و آرزویی در دل داری؟ که در

این دنیا برای تو فراهم کنم؟»

گفتم: «پدر جان! درهای گشایش را به روی خود بسته می‌بینم، ولی

اگر فرمان دهی که از دست و پای اسیران مسلمان که در زندان تو هستند بند

و زنجیر بردارند و از شکنجه‌ی آنان دست نگهدارند و بر آنان منت نهاده

فرمان آزادی آنها را صادر کنی، امیدوارم که حضرت مسیح و مادرش

حضرت مریم سلامتی را به من ارزانی دارند.»

چون پدر بزرگم خواسته‌ام را برآورد تلاش کردم که خود را سالم‌تر

نشان دهم، و اندکی خوراک تناول کردم، پدر بزرگم خوشحال شد و محبت

بیشتری در مورد اسیران مبدول داشت.

## دومین رؤیا

پس از گذشت چهارده شب از خواب نخستین، در عالم رؤیا دیدم که

سرور زنان دو جهان حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که حضرت مریم و هزار

تن از خدمتکاران بهشتی ایشان را همراهی می‌کردند، به دیدار من

تشریف فرما شدند.

حضرت مریم به من فرمود:

«این بانوی دو جهان، و مادر شوهرت ابو محمد است.»

من به دامن حضرت فاطمه علیها السلام آویختم و گریستم ، و از این که ابو  
محمد به دیدار من نمی آید شکوه کردم.  
حضرت فاطمه علیها السلام فرمود :

« تا هنگامی که تو مشرک هستی پسر من ابو محمد به دیدار تو  
نخواهد آمد ، این خواهرم مریم دخت عمران است که از آیین  
تو به پیشگاه حضرت احدیّت بیزاری می جوید. اکنون اگر  
خواهان خشتودی خدا و مسیح و مریم هستی ، و اشتیاق  
دیدار ابو محمد را داری ، بگو : « اشهد ان لا اله الا الله ، و اشهد  
ان محمداً رسول الله » .»

چون این دو گواهی را به زبان راندم ، حضرت فاطمه علیها السلام مرا به سینه‌ی  
خود چسبانید و مرا دلشاد ساخت و فرمود : « از حالا انتظار دیدار ابو  
محمد را داشته باش ، من او را به نزد تو خواهم فرستاد » .  
بیدار شدم و در انتظار دیدار ابو محمد ثانیه شماری می کردم و با خود  
می گفتم : « و چه قدر به دیدار ابو محمد اشتیاق دارم » .<sup>۱</sup>  
شب بعد او را در خواب دیدم و به محضرشان عرض کردم : « ای حبیب  
من ، پس از آنکه در دلم جای گرفتی و دلم آکنده از مهر تو شد و در این  
راه جانم در معرض تلف قرار گرفت ، بر من جفا کردی و این مدت به  
دیدار من نیامدی » .

۱. این جمله ترجمه‌ی : « وَأَشْرُقَاةً إِلَىٰ لِقَاءِ أَبِي مُحَمَّدٍ » است که از نسخه‌های کمال‌الدین و  
غیب‌طوسی افتاده ، و ما آن را از « دلائل الامامه » ص ۴۹۶ و « منتخب الأنوار المضيئه »  
ص ۵۸ آوردیم.



فرمود:

«تأخیر من در دیدار تو به سبب شرک تو بود و اکنون که به راستی اسلام آوردی، همه شب به دیدار تو خواهم آمد، تا روزی که خداوند در بیداری ما را به یکدیگر برساند»

از آن شب تا کنون هیچ شبی مرا از دیدار خود محروم نساخته است.

### شاهزاده و اسارت!

بشر می گوید: به او گفتم: پس چگونه اسیر شدی؟ گفت:

در یکی از شبها «ابو محمد» در خواب به من فرمود: «در همین ایام - فلان روز - پدر بزرگ لشکری به جنگ مسلمانان گسیل می دارد، خود نیز از پی لشکریان روان می شود، تو هم به طور ناشناس و در لباس خدمتکاران همراه دیگر زنهار از فلان راه به آنها پیوند».

من فرمان او را اطاعت کردم، ناگاه پیشتازان مسلمانان بر ما تاختند، من هم اسیر شدم، بدون اینکه کسی تا کنون متوجه شده باشد که من نوهی قیصر امپراطور روم هستم. جز تو، که اکنون خودم برایت بازگو کردم.

کسی که من در سهم او قرار گرفتم، چون از نام من پرسید، نام خود را از او مکتوم داشتم و گفتم: «نرگس»، گفت: آری از نامهای کنیزان است.

بشر می گوید: به او گفتم: عجیب است که شما رومی هستید و این چنین به لهجه‌ی عربی سخن می گوئید!

گفت: «آری پدر بزرگم از شدت علاقه‌ای که به تعلیم و تربیت من داشت، و مایل بود که آداب ملل و اقوام را یاد بگیرم، به یکی از بانوانی که مترجم او

بود دستور داد که هر روز بامدادان و شامگاهان به پیش من بیاید و به من عربی بیاموزد. و بدین گونه زبان عربی را فرا گرفتم و زبانم به آن گویا شد.»

### دختر قیصر در دودمان پیمبر

بشر می گوید: چون او را به سامرا و حضور مولایم ابوالحسن امام هادی علیه السلام بردم، آن حضرت به او فرمود: «عزت اسلام، ذلت مسیحیت، و شرف خاندان عصمت و طهارت را چگونه یافتی؟» عرض کرد: «ای پسر رسول خدا، چیزی را که شما از من به آن آگاهتر هستید چگونه برای شما وصف کنم؟»

امام هادی علیه السلام فرمود: «می خواهم به تو پاداشی بدهم، آیا ده هزار دینار طلا برای تو خوشتر است یا مرده‌ای که در آن شرف جاودانه است؟»  
عرضه داشت: «مرده‌ی فرزندی برای من.»

فرمود:

«أَبْشِرِي بِوَلَدٍ يَمْلِكُ الدُّنْيَا شَرْقًا وَ غَرْبًا، وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.»

«مرده باد تو را به فرزندی که خاور و باختر گیتی را به ملک خویش در آورد و جهان را از عدل و داد آکنده سازد، پس از آنکه از ظلم و ستم آکنده باشد.»

۱. غیبت طوسی، ص ۲۱۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳؛ دلائل الامامة، ص ۴۹۵؛ مناقب ابن

شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۷۴.

نرجس خاتون پرسید: « پدر این مولود فرخنده کیست؟ »  
 فرمود: « همان که پیامبر اکرم ﷺ در فلان شب از فلان ماه از فلان  
 سال - رومی - ترا برای او خواستگاری کرد. »  
 پرسید: از حضرت مسیح و وصی او؟  
 فرمود: آری، حضرت مسیح و وصی او ترا به عقد چه کسی در  
 آوردند؟

عرضه داشت: « فرزند گرامی شما ابو محمد ﷺ. »

فرمود: او را می شناسی؟

گفت: « چگونه تشناسم در حالی که از شبی که به دست بانوی بانوان  
 جهان ( حضرت زهرا ؑ ) به شرف اسلام مشرف شده ام، شبی نگذشته  
 که به دیدار من نیامده باشد. »

### ملیکه در مکتب حکیمه

در آن هنگام حضرت هادی ؑ به خدمتکار خود « کافور » فرمودند:  
 « خواهرم حکیمه را فراخوان. »

هنگامی که حکیمه به محضر امام هادی ؑ شرفیاب شد به او فرمود:  
 « هاهیه: یعنی « این همان بانوی معهود است. »

حکیمه خاتون مدتی بس طولانی او را در آغوش کشید و ابراز شادمانی  
 فرمود.

آنگاه امام هادی ؑ فرمود: « ای دختر رسول خدا، او را به خانه‌ی

خود ببر، فرائض دینی و سنن اسلامی را به او بیاموز، که او همسر

ابو محمد، و مادر حضرت قائم - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می باشد.»<sup>۱</sup>

\*

## چند نکته

در پایان بخش گزارش نور یادآوری چند نکته را در این زمینه لازم می دانم:

### ۱. گزارشگر گزارش نور

گزارشگر این گزارش شگفت انگیز «بشر بن سلیمان نخاس» از شیعیان خالص امام هادی و امام عسکری علیه السلام و مورد وثوق و اعتماد آن دو امام همام می باشد، که امام هادی علیه السلام او را برای چنین مأموریت حساسی برگزیده است.

علامه ممقانی در رجال خود او را ستوده، و بر وثاقتش تأکید نموده است.<sup>۲</sup> شیخ طوسی و شیخ صدوق بر این روایت اعتماد نموده، در کتابهای خود آن را نقل کرده اند.<sup>۳</sup>

محدثان و مورخان بعدی نیز به استناد روایت شیخ طوسی و شیخ صدوق، این روایت را در کتابهای خود آورده اند.<sup>۴</sup>

۱. غیبت طوسی، ص ۲۰۸ - ۲۱۴؛ کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۴۱۷ - ۴۲۳؛ دلائل الامانه، ص ۴۹۰ - ۴۹۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۷۲ - ۴۷۴؛ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۶۳ - ۲۶۵ و ۴۰۸ - ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶ - ۱۰؛ حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۱۴۱ - ۱۴۹؛ منتخب الأنوار المضية، ص ۵۱ - ۶۰.  
۲. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۷۳.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۰۸؛ کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۴۱۷.

۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۷۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶.

## ۲. دختِ یشوعا

در مورد نسب نرجس خاتون و اینکه او دختر یشوعا پسر امپراتور روم است، علاوه بر حدیث فوق حدیث دیگری از امام عسکری علیه السلام داریم، که آن را فضل بن شاذان قبل از تولد حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده‌اند، و اینک متن حدیث:

فضل بن شاذان از محمد بن عبد الجبار روایت می‌کند که گفت: به محضر سرورم امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا، جانم به فدایت باد، من دوست دارم بدانم بعد از شما امام و حجّت خدا بر بندگان کیست؟ فرمود:

«إِنَّ الْإِمَامَ وَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِي ابْنِي، سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَهُ الَّذِي هُوَ خَاتَمُ حُجَجِ اللَّهِ وَ آخِرُ خُلَفَائِهِ»:

«امام و حجّت خدا بعد از من فرزندی منست، که همنام رسول خدا و هم کنیه‌ی آن حضرت است، او پایان بخش حجج الهی و آخرین خلیفه از خلفای پروردگار است.»

پرسیدم: مادرش چه کسی خواهد بود، ای پسر رسول خدا؟ فرمود:

«مِنْ ابْنَةِ ابْنِ قَيْصَرَ مَلِكِ الرُّومِ، أَلَا إِنَّهُ سَيُولَدُ، وَ يَغِيبُ عَنِ النَّاسِ غَيْبَةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ»:

«از دختر پسر قیصر، نوه‌ی امپراتور روم، آگاه باش که او در آینده‌ای نزدیک متولد می‌شود، مدّتی بس طولانی در پشت

پرده‌ی غیبت از مردم عزلت می‌گیرند، سپس ظاهر می‌شود».<sup>۱</sup>

این حدیث قبل از تولد حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - از امام حسن عسکری علیه السلام صادر شده و شخصیت مورد اعتماد و استنادی چون فضل بن شاذان آن را در کتاب گرانقدر «اثبات الرجعة» درج کرده، و میان فضل بن شاذان و امام حسن عسکری، فقط یک واسطه است، و او محمد بن عبدالجبار است، که شیخ طوسی بر وثاقتش تأکید نموده است.<sup>۲</sup>

این حدیث در حد اعلاى صحّت است و می‌تواند بر استحکام حدیث «بشر بن سلیمان» بیفزاید و آن را بیش از پیش مورد اعتماد و استناد قرار دهد. روی این بیان هیچ تردیدی نیست که حضرت نرجس خاتون دخت یسوعا، فرزند قیصر، و نوه‌ی امپراطور روم هستند.

### ۳. یسوعا، یا یسوعا؟

نام پدر نرجس خاتون در اکثر منابع حدیثی: «یسوعا» ذکر شده،<sup>۳</sup> ولی طبری آن را «یسوعا» ثبت کرده است.<sup>۴</sup>

«یسوع» در عبری به معنای نجات دهنده است و در انجیل پنجاه مرتبه

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹ (حدیث ۶۷۹)؛ مختصر اثبات الرجعة - مخطوط - حدیث نهم؛ کفایة المهتدی - مخطوط - حدیث ۲۸؛ گزیده‌ی کفایة المهتدی، ص ۱۳۳؛ کشف الحق، ص ۱۵ و ۱۴۹؛ مستدرک وسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۰.

۲. رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۳ و ۴۲۵.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۰؛ غیبت طوسی، ص ۲۱۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۷۳؛ حلیة الأبرار، ج ۲، ص ۱۴۵.

۴. دلائل الإمامة، ص ۴۹۲.

یسوع به کار رفته و منظور از آن حضرت عیسی علیه السلام است، و در زبان عبرانی بین «یسوع» و «یشوع» و «یوشع» فرقی نیست و هر سه به یک معنا می باشند.<sup>۱</sup>

بنابراین «یشوعا» یک نام مسیحی، برگرفته از «یشوع» به معنای نجات دهنده و معادل «یوشع» می باشد.

اما «یسوعان» فرقه‌ای از مسیحان هستند که به سه اصل: تقوی، فقر و اطاعت از پاپ معتقدند.<sup>۲</sup>

#### ۴. پدر یشوعا کیست؟

اکنون نوبت آن رسیده بینیم قیصری که پدر یشوعا می باشد، کیست؟ و نام او چیست؟

اگر سن شریف حضرت نرجس خاتون را به هنگام تولد حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه -، پانزده فرض کنیم، تاریخ ولادت ایشان با ۲۴۰ هـ. منطبق می شود. و اگر سن پدرش «یشوعا» را به هنگام تولد نرجس خاتون بیست سال فرض کنیم، تاریخ تولد او با سال ۲۲۰ هـ. منطبق می شود. سال ۲۲۰ هجری با سال ۸۳۵ میلادی تطبیق می شود.<sup>۳</sup>

با نگاهی گذار به تاریخچه‌ی امپراطوری روم جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که امپراطور روم در آن روزگار «تئوفیل» پسر میخائیل دوم (جلد ۱۲۰-۱۲۹ م) بود.

۱. قاموس کتاب مقدس، ص ۹۵۱-۹۵۲.

۲. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۳۳۵.

۳. تقویم تطبیقی، ص ۴۴.

تتوفیل، سی و پنجمین امپراطوری روم بود، که بعد از میرگ پدرش «میخائیل دوم» به سال ۸۲۹ م. (= ۲۱۴ هـ.) تاج و تخت بیزانس را تصاحب کرد، به مدت ۱۴ سال سلطنت کرد، سرانجام در سال ۸۴۲ م. (= ۲۲۷ هـ.) یعنی در همان سالی که الواثق بالله عباسی به خلافت رسید، او در گذشت و تاج سلطنت را به پسرش میخائیل سوم و همسرش تتودره به ارث گذاشت.<sup>۱</sup>

همه‌ی کسانی که سیره‌ی حکومتی تتوفیل را نوشته‌اند، از او به خوبی یاد کرده‌اند.

ویل دورانت در ضمن شرح رخدادهای امپراطوری روم می‌نویسد:

«تتوفیلوس (۸۲۹-۸۴۲ م.) مصلح قوانین، امپراطور آباد کننده، و مدیر یا وجدانی که رسم تمثال شکنی (بت شکنی) را زنده کرد و بر اثر ابتلا به اسهال خونی درگذشت. بیوه‌اش «تتودره» به عنوان نایب‌السلطنه‌ای قابل (۸۴۲-۸۵۶ م.) به آزار و اذیت مردم پایان داد».<sup>۲</sup>

استاد معین نیز در این رابطه می‌نویسد:

«وی برای استقرار عدالت بیرحمانه کوشید، سرداری عالیقدر بود و موجب توسعه‌ی امپراطوری گردید».<sup>۳</sup>

تتوفیل در مدت ۱۴ سال امپراطوری خود با مأمون و معتصم معاصر بود،

۱. المختصر فی تاریخ البشر، ج ۳، ص ۲۵.

۲. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۵۵۰.

۳. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۲۷۷.



در سال ۲۱۷ هـ. یا مأمون درگیر شد<sup>۱</sup> و به سال ۲۲۳ هـ. با معتصم<sup>۲</sup> مورخان تصریح کرده‌اند که به هنگام درگذشت «توفیل» پسرش «میخائیل» خردسال بود، و لذا همسرش «تئودره» صاحب تخت و تاج شد.<sup>۳</sup> پس از تحقیق عمیق و بررسی دقیق نکاتی که در لابه‌لای تاریخ ثبت شده، و تطبیق دقیق رخدادهای تاریخی، به این نتیجه می‌رسیم که «یشوعا» فرزند «توفیل» است و از نظر تاریخی نمی‌تواند فرزند «میخائیل بن توفیل» باشد. و اینک نگاهی گذار به تاریخ زندگانی «میخائیل بن توفیل» مشهور به: «میخائیل سوّم»:

میخائیل سوّم، سی و ششمین امپراتور روم است که از سال ۸۴۲ تا ۸۶۷ میلادی برابر ۲۲۷ تا ۲۵۳ هجری بر سرزمین پهناور روم حکومت می‌کرد. قلمرو بیزانس در زمان میخائیل سوّم شبه جزیره‌ی بالکان، ایتالیا، آسیای صغیر و قسمت‌هایی از سوریه و مصر و لیبی بود. بعد که با عربها درگیر شدند سوریه و مصر و لیبی را از دست دادند، آسیای صغیر و شبه جزیره‌ی بالکان برای آنها باقی ماند.<sup>۴</sup>

میخائیل سوّم ۲۵ سال بر سرزمین روم و جهان پهناور بیزانس سلطنت کرد، و در دوران امپراطوری ۲۵ ساله‌اش با شماری از خلفای عباسی، چون واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز و مهتدی معاصر بود.

۱. الکامل، ج ۶، ص ۵۲۱.

۲. تاریخ الاسلام، ج ۱۶، ص ۱۴.

۳. الکامل، ج ۶، ص ۵۲۸.

۴. موسوعة المورد، ج ۲، ص ۱۴۳.

میخائیل به اداره‌ی کشور تمایل نداشت، او همواره سعی می‌کرد که اداره‌ی مملکت را به دیگری واگذار کند و خود فقط سلطنت نماید. از این رو نخست اداره‌ی کشور را به مادرش «تئودوره» سپرد، هنگامی که مادرش به سال ۸۵۶ م. از دنیا رفت، حکومت را به دایمی‌اش: «بارداس» واگذار نمود.

در عهد بارداس، برزگزاده‌ای از اهل مقدونیه به نام «باسیلیوس» مهتری اسب میخائیل را به عهده داشت. او اگرچه پیسواد محض بود ولی در اثر کاردانی از مهتری به ریاست تشریفات دربار ارتقا یافت. کم‌کم در صدد اشغال امپراطوری برآمد.

او نخست میخائیل را متقاعد نمود که «بارداس» برای خلع کردن میخائیل توطئه می‌کند، سپس او را در سال ۸۶۶ م. خفه کرد. میخائیل که سالیان درازی عادت کرده بود سلطنت کند نه حکومت، اینک باسیلیوس را در امپراطوری خود شریک نمود، و تمامی امور مملکت را به دست او سپرد.

باسیل، کم‌کم نقشه‌ی قتل میخائیل را نیز طرح کرد، و با کشتن میخائیل وارث تاج و تخت وی شد.<sup>۱</sup>

مورخان اسلامی اتفاق نظر دارند که میخائیل به سال ۲۵۷ هجری در عهد امام حسن عسکری علیه السلام به دست باسیلیوس به قتل رسید.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۵۵۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۶۰۸؛ تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۱۹، ص ۲۵؛ البدایة و النهایة،

ج ۱۱، ص ۲۹.

## ۵. مبادله‌ی اسرا

در عهد امپراطوری میخائیل در میان سپاهیان اسلام و روم جنگهای شدیدی روی داد و اسیران بیشماری از طرفین به دست یکدیگر افتاد.

در عاشورای ۲۳۱ هـ. (برابر یا سپتامبر ۸۴۵ میلادی) اسیران جنگی میان مسلمانان و رومیان مبادله شد.

تعداد اسیران مسلمان را که در آن روز باز خرید کردند ۴۴۶۰ نفر نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

و در این زمان بود که نواحی «آدانا» به دست مسلمانان فتح شد.<sup>۲</sup> مسعودی به هنگام بررسی مبادله و باز خرید اسرای جنگی در میان مسلمانان و رومیان می‌نویسد: سومین باز خرید اسیران در خلافت الواثق بالله در محرم ۲۳۱ هـ. بود، که امپراطور در آن زمان «میخائیل بن ثوفیل» بود، و سرپرست این باز خرید از طرف خلیفه، خاقان - غلام ترک خلیفه - بود. در این تاریخ ۴۳۶۲ نفر اسیر مسلمان در ظرف ده روز باز خرید شدند.<sup>۳</sup>

سپس می‌نویسد: چهارمین باز خرید اسیران در زمان متوکل، در شوال ۲۴۱ هـ. بود، و امپراطور روم «میخائیل بن ثوفیل» بود، و سرپرست این

۱. تاریخ مختصر الدول، ص ۱۴۱.

۲. قاموس الأعلام، ج ۲، ص ۱۴۳۷.

۳. التنبیه والاشراف، ص ۱۶۱.

بازخرید از طرف خلیفه « شنیف » بود. در این تاریخ ۲۲۰۰ نفر اسیر  
بازخرید شدند.<sup>۱</sup>

یعقوبی - مقدم مورخان اسلامی - نیز گزارش کوتاهی از مبادله و  
بازخرید اسیران در عهد متوکل در تاریخ ارزشمند خود آورده است.<sup>۲</sup>

طبری در حوادث ۲۴۱ هـ. می نویسد: تئودوره، مادر میخائیل و  
امپراتور روم، شخصی را به نام « جرجیس بن فرنافس » برای بازخرید  
اسیران رومی به نزد متوکل فرستاد. تعداد اسیران رومی در دست مسلمانان  
در حدود ۲۰۰۰۰ نفر بودند.

پس از شرح مبسوطی ادامه می دهد: این مبادله و بازخرید اسیران در  
روز ۱۲ شوال ۲۴۱ هـ. انجام پذیرفت. و تعداد اسیران مسلمان ۷۵۸ نفر بود،  
که ۱۲۵ نفر آنان را زنان تشکیل می دادند.<sup>۳</sup>

به هنگام فتح « عموریه » رومیان ۳۰۰۰۰ نفر کشته دادند و ۳۰۰۰۰  
نفرشان به اسارت رفت.<sup>۴</sup>

یاقوت می نویسد: در واقعه‌ی « یرموک » قیصر روم تا انطاکیه آمده بود که  
جنگ را از نزدیک رهبری کند. هنگامی که مطلع شد که رومیان شکست  
خورده‌اند، انطاکیه را به قصد قسطنطنیه ترک کرد.

۱. همان مدرک، ص ۱۶۴.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۲۲۳.

۳. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۷۶.

۴. تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۶.

قیصر به هنگام ترک انطاکیه خطاب به تپه‌های سوریه گفت: «ای سوریه! خدا حافظ، دیگر امید ندارم که به سوی تو بازگردم».<sup>۱</sup>

شکیب ارسلان در گزارش ارزشمند خود می‌نویسد. به سال ۲۴۴ هـ. سپاه اسلام به فرماندهی عباس بن فضل از راه دریا با رومیان جنگیدند، چهل کشتی جنگی رومیان برای مقابله با سپاه اسلام وارد معرکه شد. پیکار سختی در گرفت. رومیان شکست خوردند و مسلمانان ده کشتی را با سرنشینان آنها از آنان به غنیمت بردند.

سپس عباس به جنگ «قصریانه» رفت، در آنجا مردی را اسیر کرد. او نقطه‌ای از حصار شهر را به عباس نشان داد. عباس از همان نقطه به شهر رخنه کرد و وارد شهر شد. مردم شهر درهای شهر را گشودند و تسلیم سپاه اسلامی شدند و غنائم فراوانی نصیب مسلمانان گردید.

متعاقب آن پادشاه قسطنطنیه سیصد کشتی جنگی پر از سرباز به جنگ مسلمانان فرستاد، همین که به «سرقسوه» رسیدند، عباس با سپاهیانش به جنگ آنها رفت و رومیان را شکست داد، و یکصد کشتی را از آنها به غنیمت گرفت.<sup>۲</sup>

هنگامی که هرقل پیشرفت سریع مسلمانان را مشاهده کرد خطاب به رومیان گفت: «ای سپاه روم مطمئن باشید که مسلمانان به شهرهایی که فتح کرده‌اند بسنده نمی‌کنند، تا آخرین شهر شما را فتح کنند، زنان و کودکان

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲. تاریخ فتوحات اسلامی، ص ۱۸۹.

شما را اسیر بگیرند و شاهزادگان شما را برده‌ی خود سازند. بیایید از حریم خود و امپراطور خویش دفاع کنید.<sup>۱</sup>

### ۶. آزادی زندانیان

مسعودی در ضمن شرح حال «میخائیل بن تئوفیل» می‌نویسد: «شخصی به نام «ابن بقراط» از شاهزادگان پیشین از اهل «عموریه» در امپراطوری میخائیل با وی به منازعه پرداخت، میخائیل در برابر او صف‌آرایی کرد و همه‌ی زندانیهای مسلمان را برای نبرد با او از زندان آزاد کرد با ساز و برگ نظامی آنها را مجهز کرده به نبرد ابن بقراط فرستاد. بدین وسیله بر او پیروز شد.<sup>۲</sup>

در اینجا اگر چه موضوع آزادی زندانیان به عنوان نبرد با دشمن امپراطوری مطرح شده، ولی جمله‌ی: «و قد أخرج من فی سجونته من المسلمین» حائز اهمیت است، زیرا در متن گزارش آمده بود که قیصر همه‌ی زندانیان مسلمان را به خواهش نرجس خاتون آزاد کرد و با آنها خوشرفتاری نمود.

### ۷. تردید چرا؟

مرجع فقید شیعه، مرحوم آیت الله میلانی (متوفای ۱۳۹۵ هـ.ق) پس از نقل گزارش نرجس خاتون به نکات ارزشمندی از متن گزارش اشاره

۱. معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲. التنبیه والاشراف، ص ۱۴۵.

نموده ، می فرماید :

«برخی از دشمنان اهل بیت در این مسائل ابراز تردید می کنند و می گویند: در ایام ولادت حضرت بقیه الله - ارواحنا قداه - در میان مسلمانان و مشرکان جنگی روی نداده است».

سپس سبب تشکیک و تردید آنان را دو چیز بیان می فرماید :

۱- بی خبری آنان از تاریخ

۲- دشمنی آنان با حق و حقیقت.<sup>۱</sup>

آنگاه فرازی از تاریخ کامل ابن اثیر را یادآور می شود که بر اساس آن در سال ۲۵۱ هجری جنگ سختی بین سپاه اسلام و اردوی شرک در بلاد بیزانس در گرفته و مشرکان کشته های فراوانی بر جای گذاشته اند ، و تعداد زیادی از آنها به اسارت رفته اند.

سپس نتیجه می گیرد که : بر طبق گزارش بشر بن سلیمان حضرت نرجس خاتون دختر یثوعا در عهد امام هادی علیه السلام اسیر شده ، و می دانیم که حضرت هادی علیه السلام به سال ۲۵۴ هـ . به شهادت رسیده اند ، پس میان گزارش بشر بن سلیمان و حادثه ای که از این اثیر نقل شد دقیقاً هماهنگی زمانی موجود است.

ابن اثیر این گزارش را در ضمن حوادث ۲۵۱ هجری آورده است.<sup>۲</sup>

۱. قادتنا ، ج ۷ ، ص ۲۱۱.

۲. الکامل فی التاریخ ، ج ۷ ، ص ۱۶۲.

### ۸. پیرامون رؤیا

برخی از خوانندگان گرامی ممکن است به مسئله‌ی خواب حساسیت داشته باشند و از جهت شامل بودن این گزارش به چند رؤیا، سوالاتی برایشان مطرح باشد، که در اینجا نمی‌توانیم وارد این بحث بشویم، علاقمندان را به مطالعه‌ی کتاب ارزشمند: «دارالسلام» توصیه می‌کنیم که مرحوم محدث نوری آن را در این رابطه تألیف کرده، و در ضمن چهار مجلد تمام ابعاد مسئله را بررسی نموده است.

در اینجا فقط یادآور می‌شویم که رؤیاهای نرجس خاتون یقیناً رؤیای صادقه، بلکه در حد مکاشفه بود. و در قرآن کریم رؤیای حضرت ابراهیم خلیل الرحمن<sup>۱</sup>، رؤیای حضرت یوسف، رؤیای عزیز مصر، و رؤیای دو زندانی دیگر که با حضرت یوسف در زندان بودند، آمده است.<sup>۲</sup>

### ۹. شمعون، جد اعلای نرجس خاتون

جد مادری نرجس خاتون، جناب «شمعون» وصی حضرت عیسی علیه السلام است، چنانکه در احادیث فراوانی آمده است هنگامی که خداوند متعال خواست حضرت عیسی علیه السلام را به آسمانها ببرد، به او فرمان داد که نور و حکمت و علم کتاب را به «شمعون بن حَمّون صفا» تعلیم کند، و او را

۱. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۲-۱۰۵.

۲. سوره‌ی یوسف، آیه‌های ۴-۵، ۳۶-۴۱ و ۴۳-۴۹.



جانشین خود در میان اهل ایمان قرار دهد.<sup>۱</sup>

شمعون صفا سومین سفیر حضرت عیسی علیه السلام به انطاکیه است که در سوره‌ی «یس» آیه‌ی ۱۴ بیان شده است.<sup>۲</sup>

شمعون در میان مسیحیان به «پطرس» معروف است، چنانکه در متن انجیل آمده است: «و نامهای دوازده رسول اینست: اول شمعون، معروف به: «پطرس»... این دوازده را عیسی فرستاده، به ایشان وصیت کرده گفت: «... بیماران را شفا دهید، ابرصان را طاهر سازید، مردگان را زنده کنید».<sup>۳</sup>

مفسران انجیل نیز اتفاق نظر دارند که اسم پطرس «شمعون» می‌باشد.<sup>۴</sup> «شمعون» در زبان عبری به معنای: شنونده است و در انجیل ده نفر به عنوان «شمعون» آمده است که یکی از آنها «پطرس» وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌باشد.<sup>۵</sup>

طبق روایات، شمعون پسر عمه‌ی حضرت مریم علیها السلام می‌باشد.<sup>۶</sup>

## ۱۰. نتایج به دست آمده:

از نکات یاد شده در ذیل «گزارش نور» به این نتیجه رسیدیم که:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۴۷؛ البرهان، ج ۴، ص ۸.

۳. انجیل متی، باب دهم، بندهای ۲-۸.

۴. قاموس کتاب مقدس، ص ۲۲۰.

۵. همان مدرک، ص ۵۲۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۸۶.

- ۱- حضرت نرجس خاتون اهل قسطنطنیه، پایتخت بیزانس، استانبول کنونی است.
  - ۲- نام شریفش: «ملیکه» است و به هنگام اسارت خود را «نرجس» معرفی کرده، و به نامهای مختلف در خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام خوانده شده است.
  - ۳- پدرش: «یشوعا» پسر قیصر روم است.
  - ۴- قیصری که در آن روزگار بر اریکه‌ی امپراطوری تکیه کرده بود میخائیل سوّم بود.
  - ۵- میخائیل سوّم از سال ۲۷۷ تا ۲۵۳ هجری در این مسند بود.
  - ۶- به ظنّ قوی «یشوعا» پسر «تئوفیل بن میخائیل» است، و احتمال این که وی پسر «میخائیل» باشد از نظر تاریخی سازگار نمی‌باشد.
  - ۷- در عهد میخائیل برخورد‌های نظامی بین قوای مسلمین و رومی‌ها مکرّر به وقوع پیوسته، و در این درگیریها هزاران نفر از طرفین به اسارت رفته‌اند.
  - ۸- یکبار میخائیل همه‌ی زندانیان مسلمان را آزاد کرده است.
  - ۹- روایت بشر بن سلیمان مورد اعتماد و استناد بزرگان علما در طول یازده قرن می‌باشد.
  - ۱۰- علاوه بر روایت بشر، به طریق صحیح از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده که مادر حضرت بقیةالله - ارواحنا فداء - دختر پسر قیصر روم می‌باشد.
- و در نتیجه از پذیرش گزارش بشر بن سلیمان هیچ مانعی وجود ندارد.



### میلاد نور

گزارش دقیق میلاد نور یزدان ، مهر تابان ، فروغ جاودان ، خورشید  
فروزان ، حضرت مهدی صاحب الزمان - علیه سلام الله الملك المتان - در منابع  
حدیثی شیعیان ، از شاهدان عینی بر اساس مشاهدات عینی ، نه از روی از  
خدس و گمان ، آمده است که در رأس همه‌ی آنها گزارش لحظه به لحظه‌ی  
حکیمه خاتون می‌باشد.

حکیمه دختر امام جواد ، خواهر امام هادی ، و عمه‌ی امام حسن  
عسکری علیه السلام می‌باشد که به دو فضیلت بس والا اختصاص یافته است :

۱. شرف تعلیم و تربیت حضرت نرجس خاتون به امر امام هادی علیه السلام ،  
که شرح آن در گزارش نور بیان شد.

۲. افتخار حضور در مجلس تولد نور یزدان به امر امام حسن  
عسکری علیه السلام ، که اکنون در صدد بیان آن هستیم.

از دیگر فضائل این بانوی مجلله این است که دعای معروف به «حرز امام  
جواد علیه السلام» از طریق ایشان روایت شده است.<sup>۱</sup>

## و اینک متن گزارش تولد نور:

شیخ صدوق با سلسه‌ی اسناد خود از حکیمه خاتون روایت می‌کند که فرمود:

امام حسن عسکری علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و پیغام داد:

« يَا عَمَّةُ اجْعَلِي إِفْطَارَكَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا، فَإِنَّهَا لَيْلَةُ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيُظْهِرُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الْحُجَّةَ، وَهُوَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ »:

« عمّه جان امشب برای افطار به نزد ما بیا، زیرا امشب شب نیمه شعبان است، و آن شبی است که خدای تبارک و تعالی حجّتس را که حجّت خدا در روی زمین است، در آن پدید خواهد آورد ».

حکیمه می‌گوید: پرسیدم: مادرش کیست؟

فرمود: « نرجس ».

عرضه داشتم: جانم به فدایت، هیچ اثر حمل در او نمی‌بینم.

فرمود: آری، ولی حقیقت همان است که به تو گفتم.

حکیمه می‌گوید: چون بر نرجس خاتون وارد شدم سلام کردم نشستم.

نرجس خاتون در برابرم نشست که کفشهایم را در آورد، به عنوان: « ای سرور من » به من عصر به خیر گفت.

گفتم: « بلکه شما سرور من و سرور خاندان من هستید ».

نرجس خاتون سختم را قطع کرد و گفت: « این چه حرفی است

عمّه جان؟! ».

گفتم: « دخترم خداوند امشب به تو فرزند عطا خواهد کرد که آقای دو جهان و سرور دوسرای می باشد.»

آثار خجلت در سیمای ترجس خاتون پدیدار شد.

چون از نماز عشا پرداختم افطار کردم و خوابیدم، در نیمه های شب برخاستم و نماز شب را به جای آوردم، او هنوز خواب بود و هیچگونه ناراحتی نداشت. هنگامی که از تعقیبات فارغ شدم باز هم خوابیدم، یکبار دیگر بیدار شدم، دیدم او هنوز خواب است.

بعداً او نیز برخاست، نماز شب را ادا کرد و مشغول استراحت شد. من به صحن خانه رفتم تا از قرار رسیدن اذان صبح آگاه شوم، دیدم سپیده ی نخستین همچون دم گرگ پدیدار گشته، ولی ترجس خاتون همچنان در حال استراحت است.

اینجا بود که دچار شک و تردید شدم، که ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام، از همانجا که نشسته بود به من بانگ زد:

«لَا تَعْجَلِي يَا عَمَّةُ فَهَاكِ الْأَمْرُ قَدْ قُرِبَ»:

«عمه شتاب نکن، آگاه باش که وعده ی الهی نزدیک است.»

من نشستم و مشغول تلاوت سوره های الم سجده و پس شدم پس ناگهان ترجس خاتون مضطرب و هراسان برخاست.

پس به سویش دویدم و گفتم: «در امان خدا و در پناه نام خدا باشی.»

سپس پرسیدم: «آیا چیزی حسن می کنی؟» گفت: «آری، عمه جان.»

گفتم: «بر اعصاب خود مسلط باش و آرامش خود را حفظ کن، که این

همان وعده ی الهی است که به تو نوید داده بودم.»

حکیمه می گوید : یک لحظه من و نرجس را حالت رخوت و بی خبری فرا گرفت ، ناگهان متوجه شدم که نور یزدان قدم در عرصه ی گیتی نهاده است . جامه را کنار زدم دیدم که حجّت خدا اعضای سجده را بر زمین نهاده ، پیشانی بندگی بر آستان معبود گذاشته است .

او را در آغوش کشیدم و دیدم بسیار پاک و پاکیزه است . در همان لحظه صدای امام عسکری را شنیدم که خطاب به من می فرمود :

« هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي يَا عَمَّةُ » :

« عمّه جان پسر من را پیش من بیاور » .

حجّت خدا را پیش پدر بردم ، یک دست خود را بر پشت و یک دست دیگر را زیر تهیگاه کودک قرار داد و پاهای نورسیده را بر روی سینه اش چسبانید . زبان مبارکش را در دهان نوزاد قرار داد ، دست مبارکش را بر چشمها ، گوشها و مفاصل او کشید . سپس فرمود : « پسر من سخن بگو » .

حجّت خدا بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم ﷺ گواهی داد ، آنگاه بر یکایک امامان ، از امیر مؤمنان تا پدر بزرگوارش درود فرستاد ، و ساکت شد .

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود : « عمّه جان او را ببر که به مادرش سلام کند ، بعداً به نزد من بیاور » .

او را به نزد نرجس خاتون بردم ، بر او سلام کرد ، آنگاه به خدمت امام علیه السلام برگردانیدم و در کنارش نهادم .

فرمود :

« عمّه جان روز هفتم به نزد ما بیا » .

حکیمه می‌گوید: فردای آن روز که برای تقدیم سلام به حضور امام حسن عسکری علیه السلام رفته بودم، جامه را از روی گهواره کنار زدم که مولایم را زیارت کنم، او را ندیدم. عرض کردم: «فدایت شوم، سرورم کجاست؟» فرمود:

«يَا عَمَّةُ اسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى مُوسَى»:

«عمّه جان او را به کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.»

روز هفتم به خدمت امام علیه السلام رفتم و سلام کردم، فرمود: «پسرم را به پیش من بیاور.»

رفتم و سرورم را در پارچه‌ای که پیچیده شده بود به خدمتش آوردم. امام حسن عسکری علیه السلام همانند دفعه‌ی پیشین زبان در دهان او نهاد. گویی شیر یا عسل به او می‌داد. سپس فرمود: «پسرم سخن بگو.» لیان نازکتر از گلش باز شد و بر یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گواهی داد، و بر پیامبر و ائمه علیهم السلام درود فرستاد، تا به پدر بزرگوارش رسید، آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»:

«به نام خدای بخشایشگر مهربان، ما اراده کرده‌ایم به کسانی که در روی زمین به ضعف و زبونی کشیده شده‌اند منت

بگذاریم، آنان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم. در روی زمین به آنها قدرت و تمکین دهیم، به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را که از آن بیمناک بودند بنماییم»<sup>۱</sup>.

موسی - راوی حدیث - می گوید: از «عقبه‌ی خادم» نیز پرسیدم، گفت: «آنچه حکیمه گفته، همه راست و درست است»<sup>۲</sup>.

این حدیث را با اندک تفاوتی شیخ طوسی، طبری، خواندمیر و قندوزی با اسناد جداگانه روایت کرده‌اند.<sup>۳</sup>

\*

### دیگر شاهدان عینی:

علاوه بر حکیمه شهادت گروه دیگری از خدمتگزاران دودمان امامت بر ولادت آن نور یزدان در کتب حدیثی به تناسبهای مختلف بیان شده است، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

۱. عقبه‌ی خادم، که در قسمت پایانی گزارش فوق به آن اشاره کردیم و مدارکش را بر شمردیم.

۱. سوره‌ی قصص، آیه‌های ۵ و ۶.

۲. کسماال‌الدین، ج ۲، ص ۴۲۴؛ اعلام‌الوری، ج ۲، ص ۲۱۴؛ البرهان، ج ۷، ص ۳۱۷؛ روضة‌الواعظین / ج ۲، ص ۲۵۶؛ تبصرة‌الولی، ص ۵؛ حلیة‌الایرار، ج ۵، ص ۱۵۱؛ مدینة‌المعاجز، ج ۸، ص ۱۰؛ منتخب‌الانوار‌المضیئه، ص ۶۰.

۳. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۳؛ دلائل‌الامامة، ص ۴۹۷؛ حبیب‌السیر، ج ۲، ص ۱۰۵؛ یتابیع‌المؤده، ج ۳، ص ۳۰۴.



۲. عقید خادم، که برای ابوالادیان و دیگران، ولادت آن حضرت را شرح داده است.<sup>۱</sup>

۳. ماریه، که در آن خانه خدمت می‌کرد، و در روز ولادت، آن حضرت را دیده بود که با انگشت سیّابه به سوی آسمان اشاره کرده می‌فرماید:

«الحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآله».<sup>۲</sup>

۴. نسیم خادم، که او نیز روز ولادت آن مهر تابان، حضرتش را در حال سجده مشاهده کرده، که انگشت سیّابه‌اش را به سوی آسمان بالا برده می‌فرماید:

«الحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآله».<sup>۳</sup>

در روز دهم ولادتش نیز به محضر آن مهر فروزان رسیده، عطسه کرده، حضرت فرموده: «یرحمک الله» سپس فرموده: «آیا در مورد عطسه تو را نوید دهم؟ آن تا سه روز امان از مرگ است».<sup>۴</sup>

۵. ابوعلی خیزرانی، کنیزی را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرده بود، که بعد از شهادت امام حسن عسکری به هنگام هجوم مأموران به خانه‌ی امام، او به خانه‌ی ابوعلی پناه برده، شرح جالبی از ولادت آن کعبه‌ی خوبان را به ابوعلی بیان کرده است.<sup>۵</sup>

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۴.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۴۵؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۸؛ خلیة الأبرار، ج ۵، ص ۱۸۵.

۳. الثاقب فی المناقب، ص ۵۸۴؛ اعلام الوری، ص ۳۹۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۶۸.

۴. حبيب السیر، ج ۲، ص ۱۰۶.

۵. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۹.

۶. حمزة بن ابوالفتح ، که به حسن بن منذر گفت : « بشارت ، بشارت ، دیشب در دودمان امامت مولودی به دنیا آمد ، که به فرمان امام این راز باید مکتوم بماند »<sup>۱</sup>.

۷. حسن بن حسین ، از نواده‌های امام حسن مجتبی علیه السلام ، که به محضر امام حسن عسکری علیه السلام می‌شتابد و میلاد مسعود آن خورشید فروزان را تبریک می‌گوید.<sup>۲</sup>

۸. ابونصر خادم ، که در کنار گهواره‌اش حضور می‌یابد ، می‌فرماید : « مرا می‌شناسی ؟ » می‌گوید : « بلی شما سرور من و فرزند سرور من هستید » می‌فرماید این را نپرسیدم ، آنگاه می‌فرماید :

« اَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ ، وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ، الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِي وَ شِيعَتِي » :

« من خاتم اوصیا هستم ، خداوند به وسیله‌ی من بلا را از خاندان و شیعیانم دفع می‌کند ».<sup>۳</sup>

۹. قابله‌ای از اهل سنت ، که امام حسن عسکری علیه السلام برای مصالحی او را در شب ولادت آن مهر تابان دعوت کرده ، و او با نقل این واقعه موجب هدایت برخی از دشمنان این خاندان شده است.<sup>۴</sup>

۱۰. گروهی از شیعیان ، که امام حسن عسکری علیه السلام ، در سومین روز ولادت

۱. کمال‌الدین ، ج ۲ ، ص ۴۳۴.

۲. غیبت طوسی ، ص ۲۵۱.

۳. کمال‌الدین ، ج ۲ ، ص ۴۴۱.

۴. غیبت طوسی ، ص ۲۴۰-۲۴۲.

آن قبله موعود و کعبه‌ی مقصود، عده‌ای از شیعیان مورد اعتماد را گرد آورد و آن مهر فروزان را بر آنها نشان داد و فرمود:

«هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَ هُوَ الْقَائِمُ  
الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِإِنْتِظَارِ، فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ  
جَوْرًا وَ ظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا»:

«این جانشین من در میان شما، و صاحب شما بعد از من است. او همان قائم علیه السلام است که در انتظارش گردنها کشیده می‌شود، هنگامی که زمین پر از ظلم و ستم شد او ظاهر می‌شود و آن را پر از عدل و داد نماید»<sup>۱</sup>.

به علاوه صدها خوشبخت دیگری که در طول پنج سال بعد از ولادت، تا شهادت پدر بزرگوارش - به محضر آن نور سمرمدی تشریف یافته‌اند، که فهرست چهل نمونه از آنها را در مقدمه‌ی جزیره‌ی خضرا آورده‌ایم.<sup>۲</sup>

یکی از کنیزانی که به هنگام ولادت آن مهر فروزان حضور داشت می‌گوید: هنگامی که مولای ما دیده به جهان گشود، نوری از او ساطع گردید که همه‌ی اقطار جهان را روشن ساخت.

در آن هنگام پرندگان نقره قامی دسته دسته از آسمان فرود آمدند و بالهای خود را بر سر و صورت و پیکر نوزاد سائیدند، و سپس به سوی آسمان پرگشودند.

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۱.

۲. جزیره‌ی خضرا، ص ۱۴-۲۵.

چون مشاهدات خود را به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم، تبسمی کردند و فرمودند:

«تِلْكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ، نَزَلَتْ لِتَبْرِكَ بِهَذَا الْمَوْلُودِ، وَ هِيَ أَنْصَارُهُ إِذَا خَرَجَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»:

«اینها فرشتگان آسمانند، که برای تبرک جستن از این مولود فرخنده فرود آمده‌اند، و چون به امر پروردگار ظهور کنند، اینها یاورانش خواهند بود».<sup>۱</sup>

او پاک و پاکیزه به دنیا آمده بود، ولی برای اینکه فرشتگان از آن جسم طاهر متبرک شوند، «رضوان» خازن بهشت با گروهی از فرشتگان مقرب فرود آمدند و با آب سلسبیل و کوثر، آن جسم اطهر را شستشو دادند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب تولد شگفت‌انگیزترین انسان تحقق یافت. و این لحظه‌ی پرشکوه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد.

✱

### تاریخ دقیق میلاد مسعود کعبه‌ی مقصود

با توجه به اهمیت فوق‌العاده‌ی تاریخ دقیق ولادت با سعادت مصلح جهانی، صدها تن از علمای برجسته، محدثان وارسته، مورخان شایسته و فقیهان از قید تعلقات رسته‌ی جهان تشیع، تاریخ دقیق آن لحظه‌ی باشکوه را در منابع حدیثی، رجالی، تفسیری، و تاریخی خود ثبت کرده‌اند، که

۱. الثاقب فی المناقب، ص ۵۸۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۰.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰؛ تواریخ النبی و الآل، ص ۴۳.

به شمار اندکی از آنها اشاره می‌کنیم :

۱- قدیمی‌ترین منبعی که در آن تاریخ تولد امام زمان علیه السلام درج شده کتاب گرانسنگ «اثبات الرجعه» از فضل بن شاذان نیشابوری است. فضل بن شاذان چهار امام معصوم: امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام را درک کرده و از آنها حدیث نقل کرده و در ربیع المولود ۲۶۰ هجری - اندکی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام دیده از جهان فرو بسته است.

امام حسن عسکری علیه السلام به هنگام مشاهده‌ی یکی از آثار فضل بن شاذان فرمود:

«من به حال اهل خراسان غبطه می‌خورم که مرد شایسته‌ای چون فضل بن شاذان در میان آنها است»<sup>۱</sup>.

از فضل بن شاذان ۱۸۰ جلد کتاب به یادگار مانده که ۶ جلد از آنها به مسائل مهدویت اختصاص دارد.<sup>۲</sup>

او در کتاب «اثبات الرجعه» تاریخ دقیق میلاد مسعود قبله‌ی موعود را با یک واسطه از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده، و اینک متن حدیث: فضل بن شاذان، از محمد بن علی بن حمزه، از امام حسن عسکری علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

قَدْ وُلِدَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَيَّ عِبَادِهِ، وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي،  
مَخْتُونًا لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، سَنَةِ خَمْسٍ وَ خَمْسِينَ وَ

۱. رجال کشی، ص ۵۴۲.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۰۷؛ معالم العلماء، ص ۹۰؛ هدیة العارفين، ج ۱، ص ۸۱۷.

مَاتَيْنِ، عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، وَ كَانَ أَوَّلَ مَنْ غَسَلَهُ رِضْوَانُ  
خَازِنُ الْجِنَانِ، مَعَ جَمْعٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ بِمَاءِ الْكَوْثَرِ  
وَ السَّلْسَبِيلِ، ثُمَّ غَسَلَتْهُ عَمَّتِي حَكِيمَةٌ، بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ  
عَلِيِّ الرِّضَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛

ولی خدا و حجّت خدا بر بندگان و جانشین من بعد از من، در  
شب نیمه‌ی شعبان، سال ۲۵۵، به هنگام طلوع فجر، به  
صورت ختنه شده، دیده به جهان گشود.

نخستین کسی که او را غسل داد: «رضوان» خازن بهشت بود، که  
با گروهی از فرشتگان مقرب با آب کوثر و سلسبیل او را  
شست و شو داد، سپس عمه‌ام «حکیمه» دختر امام جواد علیه السلام  
او را شست و شو داد.<sup>۱</sup>

این حدیث در نهایت صحّت و اتقان است، زیرا آن را «فضل بن  
شاذان» تنها با یک واسطه از امام علیه السلام روایت کرده است.

همه‌ی علمای رجال فضل بن شاذان را به عنوان: ثقه، فقیه، جلیل‌القدر  
و عظیم‌الشان ستوده‌اند<sup>۲</sup> نجاشی پیشتاز رجالیون در حق او فرموده:

جلالت قدر او مشهورتر از آن است که ما او را وصف کنیم.<sup>۳</sup>

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰؛ مختصر اثبات الرجعة - مخطوط - ح ۱۱، کفایة المهتدی

- مخطوط - برگ ۶۷؛ کشف الحق، ص ۳۳؛ نجم ثاقب، ص ۲۵؛ تواریخ النبی و الآل،

ص ۴۳؛ چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان، ص ۵۴.

۲. قهرست شیخ طوسی، ص ۱۹۷؛ رجال ابن داود، ص ۱۵۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳۰،

ص ۴۴۷؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۵؛ تحفة الأحياء، ص ۲۶۷.

۳. رجال نجاشی، ص ۳۰۷.

و علامه‌ی حلّی در مورد او فرموده :

او رئیس طائفه‌ی امامیه است.<sup>۱</sup>

فضل بن شاذان نیز آن را از : « محمد بن علی بن حمزه بن حسن بن عبیدالله بن عباس بن علی علیه السلام » روایت کرده است.

محمد بن علی بن حمزه از اصحاب برجسته‌ی امام حسن عسکری علیه السلام بود که نسبتش با چهار واسطه به قمر منیر بنی هاشم، حضرت ابو الفضل علیه السلام می‌رسید.

مقدم رجالیون مرحوم نجاشی در حق او فرموده :

« محمد بن علی بن حمزه مورد وثوق است، در حدیث بسیار

برجسته، از نظر عقیدتی صحیح الاعتقاد می‌باشد، از امام

هادی و امام عسکری علیه السلام روایت کرده و با آنها ارتباط

مکاتبه‌ای داشت، پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام

مادر صاحب الأمر (عج) در خانه‌ی او اقامت نمود.»<sup>۲</sup>

این تعبیر نجاشی ما را از مراجعه به هر کتاب رجالی دیگری نیاز

می‌کند، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی از او روایت کرده و او را با وثاقت و

صداقت ستوده،<sup>۳</sup> خطیب بغدادی از او به عنوان ادیب، شاعر و آگاه از علم

حدیث تعبیر کرده، به عنوان « صدوق » ستوده،<sup>۴</sup> ابن حجر تاریخ وفاتش را

۱. رجال علامه، ص ۱۲۳.

۲. رجال نجاشی، ص ۲۴۷.

۳. الجرح والتعديل، ج ۸، ص ۲۸.

۴. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۶۳.

به سال ۲۸۶ هـ. ثبت کرده است.<sup>۱</sup>

در اینجا چند نکته بسیار حائز اهمیت است :

(۱) راوی خود از خاندان عصمت و طهارت و نواده‌ی حضرت ابوالفضل علیه السلام است، که نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می‌رسد.

(۲) راوی علاوه بر محدث بودن، به شرف مکاتبه با دو امام نایل بوده، و این مکاتبه ادامه داشته است.

(۳) اهل قلم و تحقیق بوده و کتابی پیرامون نهضت علویون به نام «مقاتل الطالبین» از خود به یادگار نهاده است.<sup>۲</sup>

(۴) ارتباطش با خاندان وحی به قدری محکم و تنگاتنگ بوده، که به هنگام ناامن شدن اوضاع و بحرانی شدن وضع سیاسی، همسر امام حسن عسکری علیه السلام مادر حضرت بقیه الله ارواحنا فداء به خانه‌ی او اجلال نزول فرموده است.<sup>۳</sup>

(۵) از نظر صداقت، وثاقت، جلالت قدر، استواری عقیده، آگاهی گسترده از علم حدیث و تفوق در شعر و ادب در حدی بوده که پیشتر از رجال یون شیعه «نجاشی» و مقدم رجال یون عامه «ابن ابی حاتم رازی» بر آن تصریح و تأکید نموده‌اند.

این محدث گرانمایه با این ویژگیهای برجسته، بدون واسطه تاریخ

۱. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۷.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۴۸، رقم ۹۳۸.

۳. حجّت تاریخ، مرحوم سید عبدالرزاق مفرّم پس از نقل فراز بالا می‌نویسد: «خانه‌ای که

مادر گرامی امام علیه السلام در آن زندگی می‌کند، طبعاً محلّ رفت و آمد ناموس دهر، امام

عصر، حضرت بقیه الله خواهد بود.» [العباس، ص ۲۰۲؛ سردار کربلا، ص ۲۴۹].



دقیق طلوع خورشید فرروزان امامت را از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده، آنگاه شخصیت بی نظیری چون « فضل بن شاذان » آن را در اثر ماندگار خود « اثبات الرجعه » از او نقل فرموده است.

جالب تر اینکه فضل بن شاذان در سال ۲۶۰ هجری، چند روزی قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام دیده از جهان فرو بسته است، یعنی به هنگام وفات او، حداکثر ۵ سال از عمر شریف حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - می گذشت. با توجه به این ویژگی ها بود که ما این روایت را با شرح و بسط نقل کردیم، اما دیگر موارد را بسیار کوتاه و گذرا نقل می کنیم، علاقمندان به شرح و تفصیل را به منابع یاده شده در پاورقی هر فرازی فرامی خوانیم.

۲- ابو جعفر، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۱</sup>

۳- ابوالحسن، علی بن الحسین بن علی المسعودی، متوفای ۳۴۶ هـ.<sup>۲</sup>

۴- ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، متوفای

۳۸۱ هـ.<sup>۳</sup>

۵- ابو عبدالله، محمد بن محمد بن النعمان، شیخ مفید، متوفای

۴۱۳ هـ.<sup>۴</sup>

۶- ابوالفتح، محمد بن علی بن عثمان کراچکی، متوفای ۴۴۹ هـ.<sup>۵</sup>

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲. اثبات الوصیه، ص ۲۱۹.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۰.

۴. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۳۹.

۵. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۱۴.

- ۷- ابو جعفر ، محمد بن الحسن الطوسی ، متوفای ۴۶۰ هـ.<sup>۱</sup>
- ۸- امین الاسلام ، فضل بن حسن طبرسی ، متوفای ۵۴۸ هـ.<sup>۲</sup>
- ۹- ابوالحسن ، علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی ، متوفای ۶۹۳ هـ.<sup>۳</sup>
- ۱۰- عمادالدین ، حسن بن علی طبری ، متوفای بعد از ۷۰۱ هـ.<sup>۴</sup>
- ۱۱- حسن بن یوسف بن المطهر ، علامه یحییٰ حلی ، متوفای ۷۲۶ هـ.<sup>۵</sup>
- ۱۲- شمس الدین محمد بن مکی ، شهید اول ، مستشهد ۷۸۶ هـ.<sup>۶</sup>
- ۱۳- شیخ بهاء الدین محمد بن الحسن العاملی ، شیخ بهائی ، متوفای ۱۰۳۰ هـ.<sup>۷</sup>
- ۱۴- سید تاج الدین بن علی بن احمد الحسینی العاملی - قرن یازدهم -<sup>۸</sup>
- ۱۵- سید محمد میر لوحی اصفهانی ، متوفای بعد از ۱۰۸۵ هـ.<sup>۹</sup>
- ۱۶- محمد بن الحسن الحر العاملی ، متوفای ۱۱۰۴ هـ.<sup>۱۰</sup>
- ۱۷- سید هاشم بحرانی ، صاحب غایة المرام ، متوفای ۱۱۰۹ هـ.<sup>۱۱</sup>

۱. غیبت شیخ طوسی ، ص ۲۳۴.
۲. اعلام الوری ، ج ۲ ، ص ۲۱۴ ؛ تاج الموالید ، ص ۶۱ (مجموعه نقیسه ، ص ۱۳۷).
۳. کشف الغمه ، ج ۲ ، ص ۲۳۶.
۴. تحفة الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار ، ص ۱۷۹.
۵. المستجد من الإرشاد ، ص ۲۳۱ (مجموعه نقیسه ، ص ۴۷۵).
۶. الدروس الشرعیة ، ج ۲ ، ص ۱۶.
۷. توضیح المقاصد ، ص ۲۰ (مجموعه نقیسه ، ص ۵۳۲).
۸. التتمه فی تواریخ الأئمة ، ص ۱۴۵.
۹. کفایة المهتدی ، ص ۱۴۹.
۱۰. اثبات الهداة ، ج ۳ ، ص ۵۰۷.
۱۱. تبصرة الولی ، ص ۲۴ ؛ خلیة الأبرار ، ج ۵ ، ص ۱۷۵ ؛ مدینه المعاجز ، ج ۸ ، ص ۵.

- ۱۸- مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۱</sup>
- ۱۹- محمد رضا خاتون آبادی، متوفای بعد از ۱۱۲۷ هـ.<sup>۲</sup>
- ۲۰- شیخ محمد بن عبدالله، ابو عزیز الخطی، متوفای ۱۲۰۰ هـ.<sup>۳</sup>
- ۲۱- میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۲۷۲ هـ.<sup>۴</sup>
- ۲۲- شیخ محمود عراقی میثمی، متوفای ۱۳۰۶ هـ.<sup>۵</sup>
- ۲۳- میرزا حسین نوری طبرسی، متوفای ۱۳۲۰ هـ.<sup>۶</sup>
- ۲۴- شیخ علی یزدی حائری، متوفای ۱۳۳۳ هـ.<sup>۷</sup>
- ۲۵- شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹ هـ.<sup>۸</sup>
- ۲۶- شیخ علی اکبر نهاوندی، متوفای ۱۳۶۶ هـ.<sup>۹</sup>
- ۲۷- شیخ محمد طاهر السماوی، متوفای ۱۳۷۰ هـ.<sup>۱۰</sup>
- ۲۸- سید محسن امین عاملی، متوفای ۱۳۷۱ هـ.<sup>۱۱</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱، ۲۴، ۲۸.
۲. جنات الخلود، ص ۴۰.
۳. الذخيرة فی المنحصر، ص ۶۰.
۴. كشف الحق (أربعین خاتون آبادی)، ص ۳۲.
۵. دار السلام، ص ۱۰۳.
۶. نجم ثاقب، ص ۲۵؛ كشف الأستار، ص ۵۸.
۷. الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۱۷.
۸. الأنوار البهیة، ص ۲۷۵.
۹. العنقری الحسان، ج ۱؛ بساط ۲، ص ۸.
۱۰. موجز تواریخ اهل البيت، ص ۹۵.
۱۱. أعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۴؛ البرهان علی وجود صاحب الزمان، ص ۶۴؛ المنجاس السنیه، ج ۵، ص ۴۷۹.

۲۹- سید صدرالدین صدر، متوفای ۱۳۷۳ هـ.<sup>۱</sup>

۳۰- شیخ نجم‌الدین جعفر بن محمد عسکری، متوفای ۱۳۹۵ هـ.<sup>۲</sup>

تعداد ۳۰ تن از محدثان، مورخان و شخصیت‌های برجسته‌ی جهان تشیع، که به عنوان نمونه در جدول بالا یاد شدند، کسانی هستند که میلاد مسعود کعبه‌ی مقصود، قبله‌ی موعود، حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - را در تاریخ شب نیمه‌ی شعبان ۲۵۵ هجری یاد کرده‌اند.

در این میان ده‌ها تن از محدثان و مورخان، آن را در شب نیمه‌ی شعبان ۲۵۶ نوشته‌اند، که به جهت اختصار به آنها اشاره نکرده‌ایم.

### اعتراف دانشمندان عامه

مشهور در میان مورخان و محدثان این است که ولادت یا سعادت آن کعبه‌ی مقصود و قبله‌ی موعود در یگانه روز جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری واقع شده که اینک یک هزار و یک صد و هفتاد سال تمام از آن روز پر شکوه می‌گذرد.<sup>۳</sup>

اصل ولادت حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از ضروریات مذهب و از مسلمانات تاریخ است و گذشته از امامان معصوم، عالمان، مورخان و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز به آن اعتراف کرده، در کتابهای پراچ خود به آن تصریح کرده‌اند که گفتار

۱. المهدی، ص ۱۲۸.

۲. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۱۹۷-۲۰۵.

۳. سال قمری ۱۱۷۰ = ۲۵۵-۱۴۲۵ هـ.

تعدادی از آنها را به عنوان نمونه در اینجا می آوریم :

این گروه از علمای اهل سنت ، کسانی هستند که انصاف به خرج داده ، تاریخ تولد حضرت ولی عصر روحی قده را دقیقاً همانند علمای شیعه در ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری نوشته اند که در این فرصت کوتاه به تعدادی از آنها دست یافتیم و اینک اسامی بیست تن از آنها به ترتیب تسلسل زمانی :

۱- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی شافعی ، متوفای ۴۵۸ هـ ، در کتاب « شعب الایمان »<sup>۱</sup> .

۲- شمس الدین احمد بن محمد ، ابن خلکان ، متوفای ۶۸۱ هـ<sup>۲</sup> .

۳- حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر مستوفی ، متوفای حدود ۷۵۰ هـ<sup>۳</sup> .

۴- ابوالولید محمد ابن شحنه ی حنفی ، متوفای ۸۱۵ هـ<sup>۴</sup> .

۵- حافظ محمد بن محمد بن محمود تجار ، معروف به خواجه پارسا ، متوفای ۸۲۲ هـ . در کتاب « فصل الخطاب »<sup>۵</sup> .

۶- علی بن محمد بن احمد ، معروف به ابن صباغ ، متوفای ۸۵۵ هـ<sup>۶</sup> .

۷- غیاث الدین بن همام الدین ، معروف به خواند میر ، متوفای ۹۴۲ هـ<sup>۷</sup> .

۱. المهدي الموعود المنتظر، ج ۱ ص ۱۸۲.

۲. وفيات الاعیان، ج ۴ ص ۱۷۶.

۳. تاریخ گزیده، ص ۲۰۷.

۴. روض المناظر، ج ۱، ص ۲۹۴.

۵. ینایع المودة، ج ۳، ص ۳۰۴.

۶. الفصول المهمة، ص ۲۲۷.

۷. حبيب السیر، ج ۲، ص ۱۰۰.

- ۸- شمس الدین ، محمد ابن طولون دمشقی حنفی ، متوفای ۹۵۳ هـ. ۱
- ۹- عبدالوہاب شعرانی شافعی ، متوفای ۹۷۳ هـ. ۲
- ۱۰- احمد ابن حجر ہیثمی مکی ، متوفای ۹۷۴ هـ. ۳
- ۱۱- سید جمال الدین عطاء اللہ بن سید غیاث الدین محدث ، صاحب کتاب « روضة الأحباب » متوفای ۱۰۰۰ هـ. ۴
- ۱۲- احمد بن یوسف دمشقی قرمانی ، متوفای ۱۰۱۹ هـ. ۵
- ۱۳- عبداللہ بن محمد بن عامر شبراوی شافعی ، متوفای بعد از ۱۱۵۴ هـ. ۶
- ۱۴- محمد بن احمد سفارینی نابلسی حنبلی ، متوفای ۱۱۸۸ هـ. ۷
- ۱۵- مؤمن بن حسن بن مؤمن شیلنجی ، متوفای بعد از ۱۲۹۰ هـ. ۸
- ۱۶- سلیمان بن ابراہیم قندوزی حنفی ، متوفای ۱۲۹۴ هـ. ۹
- ۱۷- حسن عدوی حمزاوی مالکی مصری ، متوفای ۱۳۰۳ هـ. ۱۰

۱. ائمة اثناعشر، ص ۱۱۷.

۲. اليواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۴۲۲.

۳. الصواعق المحرقة، ص ۱۶۷.

۴. كشف الاستار، ص ۶۴.

۵. اخبار الدول، ص ۱۱۷.

۶. الاتحاف بحب الأشراف، ص ۱۷۸.

۷. لوائح الأنوار، ج ۲، ص ۶۸.

۸. نور الأیصار، ص ۲۶۰.

۹. ينابيع المودة، ج ۳، ص ۳۰۴.

۱۰. مشارق الأنوار، ص ۲۱۳.

۱۸- شهاب الدین احمد بن احمد خلوانی، متوفای ۱۳۰۸ هـ.<sup>۱</sup>

۱۹- قاضی بهلول بهجت افندی، متوفای ۱۳۵۰ هـ.<sup>۲</sup>

۲۰- خیرالدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ هـ.<sup>۳</sup>

نامبردگان که همگی از مشاهیر علمای اهل سنت هستند، در آثار گرانقدر خود ولادت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در شب جمعه ۱۵ شعبان ۲۵۵ هجری ثبت کرده‌اند.

جمعی از چهره‌های برجسته‌ی معاصر نیز در آثار ارزشمند خود به ولادت آن حضرت در نیمه‌ی شعبان ۲۵۵ هـ. تصریح کرده‌اند که از آن جمله است «دکتر محمد بیومی مهران»، استاد دانشگاه اسکندریه<sup>۴</sup> که در شرح حال امام مهدی منتظر علیه السلام می‌نویسد:

او امام دوازدهم از امامان آل رسول صلی الله علیه و آله می‌باشد که در نیمه‌ی

۱. العطر الوردی، ص ۴۹.

۲. تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، ص ۱۶۴.

۳. الأعلام زرکلی، ج ۶، ص ۸۰.

۴. دکتر بیومی در سال ۱۹۲۸ م. در «بصیله» مرکز استان «آسوان» در مصر علیا، در کرانه‌ی رود نیل دیده به جهان گشود، پس از حفظ قرآن تحصیلاتش را در اسکندریه به پایان رسانید و در رشته‌ی تاریخ باستان دکترا گرفت، و اینک بیش از ۳۰ سال است که در دانشگاه اسکندریه تدریس می‌کند، و عضو دائم چندین هیئت علمی است، بیش از ۱۶۰ اثر چاپ شده دارد و ۴۵ رساله‌ی دکترا زیر نظر ایشان به رشته‌ی تحریر درآمده است. او مدتی در دانشگاه ابن سعود ریاض (۱۹۷۳-۱۹۷۷ م.) و مدتی در دانشگاه ام القری در مکه (۱۹۸۳-۱۹۸۷ م.) تدریس می‌کرد و اینک در دانشگاه اسکندریه (در کرانه‌ی غربی رود نیل) مشغول تدریس است.

شعبان ۲۵۵ هـ. در شهر سامرا در ایام خلافت مهدی عباسی (۲۵۵ - ۲۵۶ هـ.) دیده به جهان گشود.

در روز تولد او، پدرش ۱۰/۰۰۰ رطل نان و ۱۰/۰۰۰ رطل گوشت صدقه داد و ۳۰۰ رأس گوسفند از سوی او عقیقه نمود. مادر او، امّ ولد بود و «نرجس» نام داشت.

آن حضرت به هنگام درگذشت پدرش پنج سال داشت. خداوند در آن سنّ حکمت و فصل الخطاب به او داده بود و او را آیتی برای جهانیان قرار داده بود، چنانکه پیش از او حضرت یحیی علیه السلام را در کودکی پیامبر و پیشوا قرار داده بود و حضرت علیه السلام را در گهواره به پیامبر برانگیخته بود.<sup>۱</sup>

آنگاه به تفصیل دلایل امامت آن حضرت را می‌شمارد، سپس پیرامون غیبت صغری و کبری گفتگو نموده، نواب اربعه را برمی‌شمارد و در پایان می‌افزاید:

غیبت کبری از نیمه‌ی شعبان ۳۲۸ هـ. آغاز شد، از آن تاریخ درب سفارت بسته شد، راه ارتباط امام و پیروان قطع شد، تنها خداوند متعال به راز آن واقف است که رازی از رازهای خداوند است و شک در اسرار خداوند کفر است و عدم آگاهی از آن مجوّز انکار نمی‌باشد، زیرا ما هرگز به تفصیلات رخدادها واقف نیستیم.<sup>۲</sup>

۱. الامامة و اهل البيت، ج ۳، ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۱۹.



برخی دیگر از علمای اهل سنت روز و ماه آن را تعیین نکرده‌اند، ولی تصریح کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هجری جهان را با نور خود منور فرموده است، که از آن جمله است:

۱- عمادالدین اسماعیل ابوالفداء، متوفای ۷۳۲ هـ.<sup>۱</sup>

۲- زین‌الدین عمر بن منقطر، ابن وردی، متوفای ۷۴۹ هـ.<sup>۲</sup>

برخی از آنان همگی مشخصات را دقیقاً همانند شیعیان نوشته‌اند، جز اینکه به جای نیمه‌ی شعبان، نیمه‌ی رمضان ۲۵۵ هـ. ثبت کرده‌اند، که از آن جمله است: عبدالرحمن صوفی از مشایخ شاه ولی الله دهلوی، در کتاب «الاتباه فی سلاسل اولیاء الله».<sup>۳</sup>

و برخی از آنها میلاد مسعود آن مهر تابان را در سالهای ۲۵۸ و ۲۵۹ نوشته‌اند که از آن جمله است:

۱- عبدالله بن محمد بن عبدالوارث، ابن ازرق فارقی، متوفای ۵۹۰ هـ. که در کتاب «تاریخ مینافارقین» ولادت آن حضرت را در ۱۹ ربیع الاول ۲۵۸ هـ. نوشته است.<sup>۴</sup>

۲- کمال‌الدین محمد ابن طلحه شافعی، متوفای ۶۵۲ هـ. که ولادت آن حضرت را در ۲۳ رمضان ۲۵۸ هـ. نوشته است.<sup>۵</sup>

۱- المختصر فی تاریخ البشر، ج ۲، ص ۴۵.

۲- تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۳- کشف الاستار، ص ۸۱.

۴- وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶.

۵- مطالب السؤل، ص ۸۸.

۳- حسین بن محمد بن حسن مالکی دیار بگری، متوفای ۹۶۶ هـ. که او نیز ۲۳ رمضان ۲۵۸ هـ. را قید کرده است.<sup>۱</sup>

۴- شمس الدین سامی افندی، متوفای ۱۳۲۲ هـ. که ولادت آن کعبه‌ی مقصود را در سال ۲۵۹ هـ. نوشته است.<sup>۲</sup>

گروهی از علمای اهل سنت در کتابهای خود به تناسبهای مختلف از حضرت بقیة الله (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا) گفتگو کرده‌اند و تصریح نموده‌اند که او فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. اینها اگر چه از تاریخ دقیق تولد حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بحث نکرده‌اند، ولی نظر به این که در مورد وفات امام حسن عسکری علیه السلام هیچ اختلاف نیست و همه‌ی مورخان شیعه و سنی وفات آن حضرت را به سال ۲۶۰ هجری نوشته‌اند، لذا محدثان و مورخان می‌کنند که حضرت مهدی فرزند بلافضل امام حسن عسکری است، در واقع اعتراف می‌کنند که حضرت مهدی علیه السلام پیش از آن تاریخ دیده به جهان گشوده است. این اعترافها مشت محکمی است بر دهان یاوه‌گویانی که نغمه‌ی «مهدی نوعی» ساز می‌کنند!

به دلیل اهمیت این معنی، فهرست اعترافات تعدادی از بزرگان علمای اهل سنت را که تصریح کرده‌اند حضرت مهدی فرزند بلافضل امام حسن عسکری است به ترتیب تسلسل زمانی در اینجا می‌آوریم:

۱- حافظ ابو محمد بلاذری، متوفای ۳۳۹ هـ. که قسمت اعظم عمر خود

۱. تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. قاموس الاعلام ترکی، ج ۶، ص ۴۴۹۵.

را در غیبت صغری سیری کرده و ده سال هم از غیبت کبری را درک نموده است، به پیشگاه آن مهر تابان تشریف یافته، به استماع حدیثی از آن بزرگوار مفتخر شده است.

متن این حدیث را عبدالعزیز دهلوی، متوفای ۱۲۳۹ هـ. که از دشمنان سرسخت عالم تشیع است، در کتاب «نزهه» از پدرش شاه ولی الله دهلوی نقل می کند، که او نیز در کتاب «مسلسلات» با سلسله‌ی سندش از ابن عقله، از بلاذری نقل کرده است.<sup>۱</sup>

۲- علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۶ هـ. که قسمتی از غیبت صغری را درک نموده، به هنگام بحث از امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد: «او پدر مهدی منتظر، امام دوازدهم شیعیان است».<sup>۲</sup>

۳- ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی، متوفای ۳۸۳ هـ. از حضرت مهدی علیه السلام به عنوان فرزند یاقضل امام حسن عسکری علیه السلام نام برده و سلسله‌ی نسب آن حضرت را تا امیر مؤمنان علیه السلام بر شمرده است.<sup>۳</sup>

۴- یحیی بن سلامه خصکفی شافعی، متوفای ۵۵۳ هـ. در قصیده‌ی دالیه‌ی خود، اسامی مقدس ۱۲ امام معصوم را به نظم در آورده و بعد از امام حسن عسکری علیه السلام از حضرت ولی عصر علیه السلام و غیبت آن حضرت بحث کرده است.<sup>۴</sup> متن قصیده‌ی او را قندوزی نقل کرده است.<sup>۵</sup>

۱. استقصاء الافحام، ص ۱۱۹.

۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۴۱؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۹۸.

۳. مفاتیح العلوم، ص ۳۳.

۴. تذکره‌ی ابن جوزی، ص ۳۲۷.

۵. ینایع الموده، ج ۳، ص ۳۵۲.

۵- ابو محمد عبد الله بن احمد بن احمد ابن خثاب ، متوفای ۵۶۷ هـ . در کتاب « تاریخ موالید » تصریح می کند که خلف صالح از فرزندان امام حسن عسکری است و نام مادرش نرجس و یا سوسن است.<sup>۱</sup>

۶- موفق بن احمد مکی ، متوفای ۵۶۸ هـ . و مشهور به : « اخطب خوارزم » با سلسله اسناد خود از رسول اکرم ﷺ روایت می کند که در شب معراج انوار تابناک امامان معصوم را در سمت راست عرش مشاهده کرده ، اسامی فرد فرد آنها را بیان نموده ، سپس می فرماید : مهدی در میان آنها چون ستاره ای فروزان می درخشید ، خداوند فرمود : « ای محمد ! اینها حجتهای من هستند و او منتقم عترت تست ، که به عزت و جلال خود سوگند : او حجّت و آجبه بر دوستان من است ، و انتقام گیرنده از دشمنان من است ».<sup>۲</sup>

۷- کمال الدین محمد ابن طلحه ی شافعی ، متوفای ۶۵۰ هـ . تصریح کرده که خلف صالح مهدی منتظر ﷺ فرزند بلافضل امام حسن عسکری ﷺ است . آنگاه نسب او را تا حضرت علی ﷺ بر شمرده است.<sup>۳</sup>

۸- شمس الدین یوسف بن قزاعلی حنفی ، معروف به سبط ابن جوزی ، و متوفای ۶۵۴ هـ . تصریح کرده که آن کعبه ی مقصود فرزند بلافضل امام حسن عسکری ﷺ است ، و سلسله ی نسب آن حضرت را تا حضرت علی ﷺ بر شمرده است.<sup>۴</sup>

۱. نجم ثاقب ، ص ۲۲۴ .

۲. مقتل خوارزمی ، ج ۱ ، ص ۹۶ .

۳. مطالب السؤل ، ص ۸۸ .

۴. تذکرة الخواص ، ص ۳۵ .

۹- محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ هـ. هنگامی که از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام بحث می‌کند می‌نویسد: از او فقط یک پسر باقی ماند و او امام منتظر صلوات الله علیه است.<sup>۱</sup>

نامبرده در کتاب پر ارج «البيان في اخبار صاحب الزمان» بابتی را به پاسخ شبهات اختصاص داده، با دلایل قطعی اثبات کرده که حضرت مهدی علیه السلام از روزی که غائب شده تا به امروز زنده است، و چنین عمر طولانی از نظر عقل و شرع هیچ مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

۱۰- عزالدین علی ابن اثیر متوفای ۶۳۰ هـ. در تاریخ پر ارج «کامل» به هنگام بحث از امام حسن عسکری علیه السلام تصریح می‌کند که او پدر مهدی منتظر است.<sup>۳</sup>

۱۱- محی الدین ابن عربی، متوفای ۶۳۷ هـ. در فتوحات مکیه باب ۳۶۶ می‌گوید:

«مهدی از عترت رسول خداست. او از فرزندان حضرت فاطمه است. جدش حسین بن علی است. پدر او امام حسن عسکری، پسر امام علی النقی، پسر امام محمد تقی، پسر امام رضا، پسر امام کاظم، پسر امام صادق، پسر امام باقر، پسر امام زین العابدین، پسر امام حسین، پسر امام علی علیه السلام است.»

این فراز از گفتار ابن عربی در نسخه‌های چاپی فتوحات تحریف شده

۱. کفایة الطالب، ص ۳۱۲.

۲. البیان، ص ۱۴۸-۱۵۹.

۳. کامل ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

است. ولی نسخه‌های تحریف نشده‌ی آن در اختیار بزرگان اهل سنت بوده، و در کتابهایشان منعکس است، که به دو نمونه‌ی آن دست یافته‌ایم:

۱) امام عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ هـ. متن کامل باب ۳۶۶ فتوحات مکیه را آورده.<sup>۱</sup>

۲) شیخ حسن عدوی حمزاوی، متوفای ۱۳۰۳ هـ. نیز قسمت عمده‌ی این باب را بدون کم و کاست آورده است.<sup>۲</sup>

دسترسی این دو دانشمند به متن تحریف نشده‌ی فتوحات در قرنهای دهم و سیزدهم نشانه‌ی آن است که در طول قرن‌ها نسخه‌های آن سالم بوده، بعد از پیدایش چاپ به تحریف آن دست یازیده‌اند.

تحریف آثار گذشتگان جنایت بسیار بزرگی است که قدر و اعتبار میراث گرانبهای جهان اسلام را زیر سؤال می‌برد که با کمال تأسف در چند کشور از جمله مصر رائج می‌باشد!<sup>۳</sup>

۱۲- ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۰۳ هـ. حدیثی را روایت می‌کند که تصریح دارد بر اینکه امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام، فرزند برومندش قائم منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، که به هنگام ظهور بر سراسر جهان هستی فرمانروائی خواهد داشت.<sup>۴</sup>

وی همچنین از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که در شب معراج انوار

۱. الیواقیت والجواهر، ج ۲، ص ۴۴۲-۴۲۸.

۲. مشارق الانوار، ص ۱۱۲.

۳. در کتاب جزیره‌ی خضراء، ص ۲۲۱ در این رابطه سخن گفته‌ایم.

۴. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۴۳۸.

طیبه‌ی علی و فاطمه و دیگر امامان معصوم را در طرف راست عرش مشاهده نموده، که همگی صف کشیده به عبادت حق تعالی پرداخته‌اند و مهدی در میان آنها چون ستاره‌ی درخشانی تجلی می‌کند.<sup>۱</sup>

۱۳- صلاح‌الدین الصفدی، متوفای ۷۴۶ هـ. در کتاب «شرح دائره» تصریح می‌کند که مهدی موعود دوازدهمین امام معصوم است که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر آنها حضرت مهدی است.<sup>۲</sup>

۱۴- ابو عبدالله عقیف‌الدین اسعد بن علی بن سلیمان یافعی شافعی، متوفای ۷۶۸ هـ. در پیرامون امام حسن عسکری علیه السلام بحث می‌کند و در پایان می‌نویسد: او پدر امام منتظر و صاحب سرداب است.<sup>۳</sup>

۱۵- عبدالله بن محمد مطری شافعی متوفای ۷۶۵ هـ.،<sup>۴</sup> در کتاب «الریاض الزاهرة» تصریح می‌کند که او پسر امام حسن عسکری علیه السلام، صاحب شمشیر و قائم منتظر است و برای او دو غیبت است.<sup>۵</sup>

۱۶- شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی شافعی، متوفای ۸۰۴ هـ. تصریح کرده که حضرت بقیة الله روحی فداه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و هنوز زنده است، تا خداوند فرمان ظهور دهد و زمین را پر از عدل فرماید.<sup>۶</sup>

۱. همان مدرک، ص ۲۲۰.

۲. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۴۷.

۳. مرآت الجنان، ج ۲، ص ۱۰۷ و ۱۷۲.

۴. معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۰۸؛ الدرر الكامنه، ج ۲، ص ۲۸۴.

۵. المهدی الموعود المنتظر، ج ۱، ص ۲۰۶.

۶. دول الاسلام، ج ۱، ص ۱۲۲.

۱۷- ابو المعالی محمد بن عبدالله بن مبارک رفاعی مخزومی ، متوفای ۸۸۵ هـ. در کتاب « صلاح الاخبار فی نسب السّادة الفاطمیة الاطهار » تصریح می کند که ولی الله اعظم امام زمان علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است.<sup>۱</sup>

۱۸- عبدالرحمن بن احمد بن قوام الدین شافعی ، معروف به جامی ، متوفای ۸۹۸ هـ. در کتاب پیراج « شواهد النبوة » داستان ولادت آن حضرت را مشروحاً نوشته ، و از عده ای از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نام برده که در عهد امام حسن عسکری علیه السلام به دیدار آن جمال الهی نائل گشته اند.<sup>۲</sup> آنگاه سخنان خود را با اشعار نغزی حسن ختام داده که مطلعش این است :

بیا ای امام هدایت شعار      که بگذشت از حد غم انتظار  
ز روی همایون برافکن نقاب      عیان ساز رخسار چون آفتاب<sup>۳</sup>

۱۹- احمد بن حجر هیثمی مکی ، متوفای ۹۷۴ هـ. در کتاب : « الصواعق المحرقة » که آن را به عنوان ردّ بر شیعیان نوشته ، شرح حال کوتاهی از امامان معصوم علیهم السلام آورده ، در پایان شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام می نویسد :

« به سن ۲۸ سالگی در سامرا درگذشت و در کنار پدرش به

۱. المهدی الموعود المنتظر ، ج ۱ ، ص ۲۰۶.

۲. کشف الاستار ، ص ۵۵.

۳. متن کامل این اشعار در حیب السیر ، ج ۲ ، ص ۱۱۳ آمده است.



خاک سپرده شد، گفته می‌شود او نیز به وسیله‌ی سمّ از دنیا رفته است.»

سپس می‌افزاید:

«جز فرزندش ابوالقاسم محمد حجّت جانشینی بر جای نگذاشت، که به هنگام وفات پدرش پنجساله بود، و لکن در آن سنّ و سال خداوند حکمت به او عطا فرموده بود.»<sup>۱</sup>

۲۰ - محمد بن علی صبیان مصری شافعی، متوفای ۱۲۰۶ هـ. نیز تصریح کرده که آن مهر تابان فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است و سلسله‌ی نسب او را تا امیر مؤمنان علیه السلام نوشته، قسمتی از مناقب آن حضرت را برشمرده است.<sup>۲</sup>



اینها گروهی از بزرگان اهل سنت هستند که در کتابهای خود در مورد حضرت مهدی علیه السلام به کلی گوئی اکتفا نکرده‌اند، بلکه به صراحت گفته‌اند که مهدی موعود فرزند بلافضل امام حسن عسکری علیه السلام است. اما در مورد اصل مهدویت حتی یک نفر هم یافت نمی‌شود که منکر ظهور مصلح جهانی در آخر الزّمان باشد. در این زمینه روایتی نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کتب اهل سنت نقل شده که هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است، و

۱. الصّواعق المخرقة، ص ۲۰۸.

۲. اسعاف الرّاعیین، ص ۱۴۲.

گروهی از علمای اهل سنت بر طبق آن فتوی داده‌اند. متن حدیث این است :

ابونکر اسکاف متوفای ۸۵۲ هـ.<sup>۱</sup> در «فوائد الاخبار» و

ابوالقاسم سهیلی در «شرح السیره» و جلال‌الدین سیوطی،

در «العرف الوردی» روایت کرده‌اند از جابر بن عبدالله

انصاری که رسول اکرم ﷺ فرمود:

«مَنْ كَذَبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»:

«هر کس حضرت مهدی را انکار کند کافر است».<sup>۲</sup>

\*

۱. فوائد فوائد الفکر، ص ۲۲۰، پ: از انساب، ج ۱، ص ۲۳۴.

۲. عقد الدرر، ص ۱۵۷؛ الروض الأنف، ج ۲، ص ۴۳۱؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۸.

## ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام

از دلایل عقلی و نقلی فراوانی استفاده می‌شود که باید همه‌ی انسانها در همه‌ی اعصار و امصار، امام زمان خود را بشناسند، و گرنه رشته‌ی اتصال آنان از آئین مقدس اسلام گسسته، به عهد پربریت و جاهلیت خواهند پیوست. در این گفتار ما در صدد برشمردن دلایل عقلی و نقلی این حقیقت نیستیم، بلکه تنها از اسناد و مدارک حدیث معروف: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»: سخن خواهیم گفت و تعبیرهای مختلف این حدیث شریف را به مقداری که در یک مقال بگنجد برخواهیم شمرد. با توجه به این که این حدیث با تعبیرهای مختلفی در منابع اهل تشیع و تسنن آمده، متون وارده را با دقت کامل بررسی کرده، در سه بخش به خوانندگان تقدیم گرامی می‌نماییم:

۱. متونی که عیناً - بدون هیچ کم و زیاد- در منابع شیعه و سنی آمده است.
۲. متونی که فقط در منابع اهل سنت آمده است.
۳. متونی که فقط در منابع شیعه وارد شده است.

بخش اول:

متونی که در منابع شیعه و سنی بدون هیچ کم و کاست آمده :

۱ - « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً » :

« هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است ».

این متن مشهورترین متن این حدیث شریف است که جمع کثیری از علمای شیعه و سنی آن را با سلسله اسناد خود، در کتابهای حدیثی، تفسیری و کلامی از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت کرده‌اند.

و اینک راویان این حدیث با این تعبیر از علمای شیعه :

۱. ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز، قرن چهارم.<sup>۱</sup>

۲. ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، مشهور به « شیخ صدوق » متوفای

۳۸۱ هـ.<sup>۲</sup>

۳. سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ هـ.<sup>۳</sup>

۴. امین الاسلام، ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، متوفای ۵۴۸ هـ.<sup>۴</sup>

۵. سید ابوالقاسم، علی بن موسی بن جعفر مشهور به « سید ابن طاووس »

متوفای ۶۶۴ هـ.<sup>۵</sup>

۱. کفایة الاثر، ص ۲۹۲.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۳. الذخيرة في الكلام، ص ۴۹۵.

۴. اعلام الوری، ص ۴۱۵.

۵. اقبال الاعمال، ص ۴۶۰.

۶. علی بن عیسیٰ اربلی، متوفای ۶۹۳ هـ.<sup>۱</sup>
۷. حسن بن یوسف بن مطهر، مشهور به «علامه حلی»، متوفای ۷۲۶ هـ.<sup>۲</sup>
۸. علی بن حسین بن عبدالعالی، مشهور به «محقق کرکی»، متوفای ۹۴۰ هـ.<sup>۳</sup>
۹. شیخ بهاء الدین محمد عاملی، مشهور به «شیخ بهائی»، متوفای ۱۰۳۰ هـ.<sup>۴</sup>

۱۰. ملا محسن فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ.<sup>۵</sup>
۱۱. محمد بن حسن، مشهور به «شیخ حر عاملی»، متوفای ۱۱۰۴ هـ.<sup>۶</sup>
۱۲. مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۷</sup>

و اما راویان این حدیث شریف به همین تعبیر از اهل سنت:

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ.<sup>۸</sup>
۲. قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ هـ.<sup>۹</sup>
۳. محمد بن فتوح حمیدی، متوفای ۴۸۸ هـ.<sup>۱۰</sup>

۱. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۱۸.

۲. منهاج الکرامه، ص ۲۷.

۳. نفحات اللآهوت، ص ۱۳ و ترجمه‌ی آن، ص ۲۳.

۴. اربعین شیخ بهائی: ص ۲۰۶.

۵. گلزار قدس، به نقل سفینه البحار، ج ۶، ص ۷۵.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۷. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۸، ج ۲۲، ص ۳۲۱ و ۳۲۱، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ج ۶۸، ص ۳۳۹.

۸. صحیح مسلم، به نقل ملا علی قاری در خاتمه‌ی «الجواهر المضية»، ج ۲، ص ۴۷۵.

(الغدیر: ۱۰/۳۶۰).

۹. المغنی، ج ۱، ص ۱۱۶ (شناخت امام، ص ۳۴).

۱۰. الجمع بین الصحیحین حمیدی، ج ۲، ص ۳۰۶.

۴. مسعود بن عمر بن عبدالله، مشهور به «سعد الدین تفتازانی» متوفای ۷۹۱ هـ.<sup>۱</sup>

۵. علی بن سلطان محمد، مشهور به «ملا علی قاری» متوفای ۱۰۱۴ هـ.<sup>۲</sup>

۶. مولی حیدر علی فیض آبادی هندی، متوفای ۱۲۰۵ هـ.<sup>۳</sup>

۷. حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ هـ.<sup>۴</sup>

۲ - «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً

جَاهِلِيَّةً»:

در این متن فقط کلمه‌ی «فَقَدْ» بر متن نخستین افزوده شده و مفهوم حدیث را با تأکید بیشتری بیان می‌کند.

این متن را از علمای بزرگ شیعه: ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ هـ. روایت کرده<sup>۵</sup> و از علمای اهل سنت گروهی آن را نقل کرده‌اند که از آن جمله است:

۱. شیخ ابو سعید خادمی حنفی، متوفای ۱۱۶۸ هـ.<sup>۶</sup>

۲. قاضی بهلول بهجت افندی، مشهور به «قاضی زنگنه زوری» متوفای ۱۳۵۰ هـ.<sup>۷</sup>

۱. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۹.

۲. الجواهر المضية، ج ۲، ص ۵۰۹ (شناخت امام، ص ۴۱).

۳. ازالة الغین (شناخت امام، ص ۴۲).

۴. یتایبع المودة، ج ۳، ص ۳۷۲.

۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۰۴.

۶. بريقة المحمودية، ج ۱، ص ۱۱۶ (احقاق: ۶۵۱/۱۹).

۷. تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، ص ۱۶۶.

### ۳ - «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» :

«هرکس بدون امام از دنیا برود به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

راویان حدیث شریف از علمای شیعه :

۱. محمد بن محمد بن نعمان ، مشهور به « شیخ مفید » متوفای ۴۱۳ هـ.<sup>۱</sup>
۲. محمد بن مسعود بن عیاش سلمی ، از بزرگان قرن سوم هجری.<sup>۲</sup>
۳. شیخ محمد مشهدی ، از علمای قرن دوازدهم هجری.<sup>۳</sup>

و اما راویان آن از علمای بزرگ اهل سنت :

۱. ابو داود سلیمان بن داود طیالسی ، متوفای ۲۰۴ هـ.<sup>۴</sup>
۲. احمد حنبل پیشوای حنابله ، متوفای ۲۴۱ هـ.<sup>۵</sup>
۳. ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی ، متوفای ۳۶۰ هـ.<sup>۶</sup>
۴. عبدالحمید ، ابن ابی الحدید معتزلی ، متوفای ۶۵۶ هـ.<sup>۷</sup>
۵. نور الدین علی بن ابی بکر هیشمی ، متوفای ۸۰۷ هـ.<sup>۸</sup>
۶. جلال الدین سیوطی ، متوفای ۹۱۱ هـ.<sup>۹</sup>

۱. اختصاص شیخ مفید ، ص ۲۶۸.

۲. تفسیر عیاشی ، ج ۲ ، ص ۳۰۳.

۳. تفسیر کنز الدقائق ، ج ۷ ، ص ۴۶۰.

۴. مسند طیالسی ، ص ۲۵۹ ج ۱۹۱۳.

۵. مسند احمد ، ج ۴ ، ص ۹۶.

۶. معجم کبیر ، ج ۱۹ ، ص ۲۸۸.

۷. شرح نهج البلاغه ، ج ۹ ، ص ۱۵۵.

۸. مجمع الزوائد ، ج ۵ ، ص ۲۱۸.

۹. جامع الاحادیث ، ج ۷ ، ص ۲۸۴ ، ج ۶ - ۲۳۱۱۴.

۷. علی بن حسام الدین، مشهور به «متقی مندی» متوفای ۹۷۵ هـ.<sup>۱</sup>  
 ۸. محمد بن سلیمان مغربی، متوفای ۱۰۹۴ هـ.<sup>۲</sup>

۴ - «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و امامش را نشناسد با مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی، متوفای ۱۲۹۴ هـ. از بزرگان اهل سنت در کتاب ارزشمند «ینایع المودّة» روایت کرده<sup>۳</sup> و جمع کثیری از علمای بزرگ شیعه آن را در منابع حدیثی خود آورده اند که از آن جمله است:

۱. ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ.<sup>۴</sup>  
 ۲. علی بن حسین بن موسی بن بابویه - پدر شیخ صدوق - متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۵</sup>  
 ۳. محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۶</sup>  
 ۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، از بزرگان شیعه در قرن چهارم هجری.<sup>۷</sup>  
 ۵. محمد بن علی بن بابویه، مشهور به «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هـ.<sup>۸</sup>

۱. کتر العَمَّال، ج ۱، ص ۱۰۳ ح ۴۶۴، ج ۶، ص ۶۵ ح ۱۴۸۶.

۲. مجمع الفوائد، ج ۲، ص ۲۵۹ (شناخت امام: ۴۲).

۳. ینایع المودّة، ج ۱، ص ۳۵۱.

۴. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۲ ح ۴۷۵.

۵. الامامة والتبصرة، ص ۲۱۹.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

۷. غیبت نعمانی، ص ۱۳۰.

۸. ثواب الاعمال، ص ۲۰۵.



۶. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ.<sup>۱</sup>

۷. سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ.<sup>۲</sup>

۸. مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۳</sup>

### ۵ - « مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمَيْتُهُ جَاهِلِيَّةٌ » :

«هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد، مرگش بر عهد جاهلیت است.»

این متن را از بزرگان اهل سنت «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هـ. در معجم کبیر<sup>۴</sup> از بزرگان شیعه و فضل بن شاذان نیشابوری، متوفای ۲۶۰ هـ. از اصحاب امام رضا علیه السلام در کتاب گرانسنگ «الایضاح» روایت کرده‌اند.<sup>۵</sup>

### ۶ - « مَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمَيْتُهُ مَيْتَةُ جَاهِلِيَّةٍ » :

«هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد، مرگش همانند مرگ

دوران جاهلیت است.»

این متن را پیشوای محدثان شیعه، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ. در کافی شریف روایت نموده،<sup>۶</sup> و گروهی از علمای اهل تسنن در کتابهای حدیثی خود آورده‌اند که از آن جمله است:

۱. اختیار رجال کشی، ص ۴۲۵ ح ۷۹۹.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۸۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۲ و ج ۲۳، ص ۷۸ و ۸۵.

۴. معجم کبیر طبرانی، ج ۱۰، ص ۲۸۹ ح ۱۰۶۷۸؛ مختصر البصائر، ص ۱۵۶، ح ۱۷۲.

۵. الايضاح، ص ۷۵.

۶. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۱. احمد بن عمر بزّار ، متوفای ۳۲۰ هـ. در زوائد.<sup>۱</sup>
۲. نور الدین علی بن ابی بکر هیشمی ، متوفای ۸۰۷ هـ. در مجمع و کشف الاستار.<sup>۲</sup>

۷ - « مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً »:

« هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. »

این متن را از بزرگان اهل سنت ، علاء الدین علی بن بلبان فارسی حنفی ، متوفای ۷۳۹ هـ. روایت کرده<sup>۳</sup> و از محدثان بزرگ شیعه جمع کثیری روایت نموده اند که از آن جمله است :

۱. ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی ، متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۴</sup>
۲. علی بن حسین بن بابویه - پدر شیخ صدوق - متوفای ۳۲۹ هـ.<sup>۵</sup>
۳. محمد بن علی ابن بابویه ، مشهور به شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هـ.<sup>۶</sup>
۴. علامه‌ی بزرگوار مولی محمد باقر مجلسی ، متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۷</sup>

\*\*\*

۱. زوائد بزّار، ج ۱، ص ۱۴۴، ج ۲، ص ۱۴۳. (شناخت امام، ص ۲۳).
۲. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۴۴ و ۲۵۵؛ کشف الاستار عن زوائد البزار، ج ۲، ص ۲۵۲ ح ۱۶۳۵.
۳. الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۴۹ (شناخت امام: ۲۸).
۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸ ح ۲.
۵. الامامة والتبصرة، ص ۲۲۰.
۶. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲، ۴۱۳ و ۶۶۸.
۷. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۸ و ۸۸.

**بیش دوه:**

متونی که فقط در منابع اهل سنت آمده و عین آن تعبیر در منابع شیعه نیامده، و یا ما در این فرصت کوتاه، به آن دست نیافته ایم:

۱- «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس امام زمانش را نشناسد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مطابق نقل مؤلفین «احقاق الحق»، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ، در صحیح خود آورده است.<sup>۱</sup>

۲- «مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس بدون امام از دنیا برود، به راستی به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را حافظ احمد بن عبد الله اصفهانی، مشهور به «ابونعیم» متوفای ۴۳۰ هـ، در خلیه روایت کرده است.<sup>۲</sup>

۳- «مَنْ مَاتَ وَلَا إِمَامَ لَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هرکس در حالی بمیرد که امامی بر او نیست، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۱. ابو جعفر محمد بن عبدالله اسکافی معتزلی، متوفای ۲۴۰ هـ، در

۱. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۰۷. احقاق الحق: (۱۳/۱۵).

۲. خلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۲۲۴.

کتاب ارزشمند «المعیار و الموازنة»<sup>۱</sup> و «نقض کتاب العثمانیة»<sup>۲</sup>.

۲. عبد الحمید، ابن ابی الحدید معتزلی، متوفای ۶۵۶ هـ.

۴ - «مَنْ مَاتَ وَ لَا بَیْعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و بیعتی بر عهده‌ی او نباشد به مرگ جاهلی  
مرده است.»

این متن را گروهی از بزرگان اهل سنت روایت کرده‌اند که از آن  
جمله است:

۱. محمد بن سعد، کاتب واقفی، متوفای ۲۳۰ هـ. در کتاب طبقات.<sup>۴</sup>

۲. جلال‌الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ.<sup>۵</sup>

۳. علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، مشهور به «متقی هندی» متوفای

۹۷۵ هـ.<sup>۶</sup>

۵ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَیْعَةُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و در گردنش بیعتی نباشد به مرگ جاهلی از  
دنیا رفته است.»

۱. المعیار و الموازنة، ص ۲۴.

۲. نقض کتاب العثمانیة، ص ۲۹ (الغدیر: ۱۰/۳۶۰).

۳. شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۲۴۲.

۴. طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۱۴۴.

۵. جامع الاحادیث، ج ۷، ص ۲۸۴، ح ۲۳۱۱۳.

۶. کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۳، ح ۴۶۳.

این متن را مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ، در صحیح و ابوبکر احمد بن حسین بن علی بیهقی، متوفای ۴۵۸ هـ، در سنن خود آورده است.<sup>۱</sup>

۶- «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و اطاعتی (اطاعت امامی) بر او نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را هیشمی در مجمع الزوائد نقل کرده است.<sup>۲</sup>

۷- «مَنْ مَاتَ وَ لَا طَاعَةَ عَلَيْهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

این متن را با این تعبیر جمعی از علمای اهل سنت روایت کرده‌اند که از آن جمله است:

۱. عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، متوفای ۲۳۵ هـ، در کتاب «المصنّف».<sup>۳</sup>

۲. شهاب‌الدین احمد بن علی، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ هـ.<sup>۴</sup>

۸- «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَتْ عَلَيْهِ طَاعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و اطاعتی (اطاعت امامی) به گردش نباشد به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را گروهی از علمای اهل سنت در منابع حدیثی خود آورده‌اند که از آن جمله است:

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸ ح ۱۸۵۱: السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۵۶.

۲. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۳.

۳. المصنّف ابن ابی شیبه، ج ۸، ص ۶۰۵ ح ۹۲.

۴. المطالب العالیة، ج ۲، ص ۲۲۸ ح ۲۰۸۸ (شناخت امام، ص ۴۰).

۱. احمد حنبل پیشوای حنابله ، متوفای ۲۴۱ هـ. در مسند خود.<sup>۱</sup>
  ۲. محمد بن اسماعیل بخاری ، متوفای ۲۵۶ هـ. در تاریخ خود.<sup>۲</sup>
  ۳. ابوالحسن علی بن جعد جوهری ، متوفای ۲۳۰ هـ. در مسند خود.<sup>۳</sup>
  ۴. حمید بن رنجویه ، متوفای ۲۵۱ هـ. در کتاب « الاموال »<sup>۴</sup>
  ۵. جلال الدین سیوطی ، متوفای ۹۱۱ هـ.<sup>۵</sup>
  ۶. متقی هندی ، متوفای ۹۷۵ هـ. در کتاب « کنز »<sup>۶</sup>
- ۹- « مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ لِإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ بَيْعَةٌ ، فَمَيْتَةٌ  
مَيْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ »:
- « هر کس بمیرد و در گردنش برای امام مسلمانان بیعتی  
نباشد ، مرده اش مرده ی جاهلی است ».
- این متن را محمود بن عمر زمخشری ، متوفای ۵۳۸ هـ. در « ربیع  
الابرار » روایت کرده است.<sup>۷</sup>
- ۱۰- « مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ ، فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ  
يَهُودِيًّا وَ إِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا »:

۱. مسند احمد ، ج ۳ ، ص ۴۴۶ .  
 ۲. التاريخ الكبير ، ج ۶ ، ص ۴۴۵ ح ۲۹۴۳ .  
 ۳. مسند ابی الحسن جوهری ، ج ۲ ، ص ۸۵۰ ح ۲۳۷۵ .  
 ۴. الاموال ، ج ۱ ، ص ۸۲ (شناخت امام ، ص ۳۲) .  
 ۵. جامع الاحادیث ، ج ۷ ، ص ۲۸۱ ح ۲۳۰۹۴ .  
 ۶. کنز العمال ، ج ۶ ، ص ۶۵ ح ۱۴۸۶۱ .  
 ۷. ربیع الابرار ، ج ۴ ، ص ۲۲۱ (شناخت امام ، ص ۳۶) .

«هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، اگر بخواهد یهودی از دنیا می رود و اگر بخواهد نصرانی از دنیا می رود».

این متن را مطابق نقل آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی<sup>۱</sup> محمد بن عمر تیمی، مشهور به «فخر رازی» متوفای ۶۰۶ هـ. در رساله‌ی «المسائل الخمسون» روایت کرده است.<sup>۲</sup>

\*\*\*

### بخش سوم:

متونی که فقط در روایات علمای شیعه آمده، و یا در این فرصت کوتاه در منابع حدیثی اهل تسنن به آنها راه نیافته‌ایم:

۱ - «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را مرحوم علامه‌ی مجلسی در بحار آورده است.<sup>۳</sup>

۲ - «مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس در حالی بمیرد که امام زمانش را نمی‌شناسد به مرگ جاهلی مرده است».

۱. پیرامون معرفت امام، ص ۸.

۲. المسائل الخمسون، ص ۲۸۴، مسأله‌ی ۴۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۹۴ و ج ۲۷، ص ۲۷.

این متن را جمعی از بزرگان عالم تشیع روایت کرده‌اند که از آن جمله است :

۱. محمد بن محمد بن نعمان، « شیخ مفید » متوفای ۴۱۳ هـ.<sup>۱</sup>
۲. ابو الفتح محمد بن علی کراچکی، متوفای ۴۴۹ هـ.<sup>۲</sup>
۳. غواص بحار معارف آل محمد، علامه مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هـ.<sup>۳</sup>
۴. خاتمة المحدثین، حاج شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹ هـ.<sup>۴</sup>

۳ - « مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً » :

« هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی مرده است. »

این متن را جمعی از بزرگان محدثان شیعه روایت کرده‌اند، از جمله :

۱. ابو جعفر احمد بن محمد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ. روایت کرده است.<sup>۵</sup>
۲. ابو جعفر محمد بن حسن بن فروخ، مشهور به « صفار » متوفای ۲۹۰ هـ.<sup>۶</sup>
۳. سعد بن عبدالله بن خلف اشعری، متوفای ۳۰۱ هـ.<sup>۷</sup>

۴ - « مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً » :

« هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد مرده‌اش مرده‌ی

جاهلی است. »

۱. الافصاح، ص ۲۸.

۲. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۹۴ و ج ۲۷، ص ۲۷.

۴. سفينة البحار، ج ۶، ص ۲۱۹.

۵. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۲ ح ۴۷۲.

۶. بصائر الدرجات، ص ۵۰۹، ح ۱۱.

۷. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۵۶، ح ۱۷۲.



این متن را پیشوای محدثان شیعه مرحوم کلینی در کافی شریف روایت نموده است.<sup>۱</sup>

۵ - «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا تَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس شبی را سحر کند که در آن امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.»

این متن را ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، متوفای بعد از ۳۴۲ هـ، روایت کرده است.<sup>۲</sup>

۶ - «مَنْ مَاتَ وَلَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.»

این متن را گروهی از بزرگان شیعه روایت کرده اند که از آن جمله است:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ، در کافی شریف.<sup>۳</sup>
۲. محمد بن مسعود بن عیاش سلمی - قرن چهارم - در تفسیرش.<sup>۴</sup>
۳. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ، در اختیار رجال کشی.<sup>۵</sup>

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۱ ح ۵ و ص ۲۷۶ ح ۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۲۷.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰ و ۲۱.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۵. رجال کشی، ص ۴۷۳ ح ۸۹۹.

۴. علامه‌ی بزرگوار مولی محمدباقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. در بحار<sup>۱</sup>

۷ - «مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس در حالی بمیرد که امامش را نشناسد به مرگ جاهلی  
مرده است.»

این متن را ابو جعفر احمد بن محمد برقی، متوفای ۲۷۴ هـ. در محاسن  
آورده است.<sup>۲</sup>

۸ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد به مرگ جاهلی  
مرده است.»

این متن را مرحوم کلینی در کافی شریف روایت کرده است.<sup>۳</sup>

۹ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»:

«هر کس بمیرد و امامی بر او نباشد، پس به مرگ جاهلی  
مرده است.»

این متن را محمد بن جریر طبری، از بزرگان جهان تشیع در قرن چهارم،  
معاصر و هم‌نام طبری معروف، در کتاب بسیار ارزشمند «المستترشد»  
روایت کرده است.<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۳۷ و ۳۸۷.

۲. محاسن برقی، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۷۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

۴. المستترشد فی امامة امیر المؤمنین، ص ۱۷۷.

۱۰ - « مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَسْمَعُ لَهُ وَيُطِيعُ، مَاتَ مَيِّتَةً

جَاهِلِيَّةً »:

«هر کس در حالی بمیرد که امامی بر او نباشد که به فرمانش گوش دهد و از او امرش اطاعت کند، به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را شیخ مفید قدس سره در کتاب «الاختصاص» آورده است.<sup>۱</sup>

۱۱ - « مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ حَيٌّ ظَاهِرٌ، مَاتَ مَيِّتَةً

جَاهِلِيَّةً »:

«هر کس بمیرد و امام زنده و روشنی نداشته باشد، به مرگ جاهلی مرده است».

این متن را نیز شیخ مفید قدس سره روایت کرده است.<sup>۲</sup>

۱۲ - « مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِي مَاتَ مَيِّتَةً

جَاهِلِيَّةً »:

«هر کس بمیرد و امامی از فرزندانم برایش نباشد با مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه، مشهور به «شیخ صدوق»

در کتاب «عیون» از امام هشتم، از پدران بزرگوارش، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

روایت کرده است.<sup>۳</sup>

۱. اختصاص شیخ مفید، ص ۲۶۹.

۲. همان مدرک.

۳. عیون الأخبار، ج ۲، ص ۵۸ ح ۲۱۴؛ کتوالفوائد، ج ۱، ص ۳۲۷.

۱۳ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةُ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» :

«هر کس بمیرد و بیعت امامی در گردنش نباشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

این متن را سید مرتضی علم الهدی «متوفای ۴۳۶ هـ» در کتاب «الفصول المختاره» روایت کرده است.<sup>۱</sup>

۱۴ - «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ يَأْتُمُّ بِهِ، فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ» :

«هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد که از او پیروی کند، مرگش مرگ جاهلی است».

این متن را عیاشی در تفسیر خود آورده است.<sup>۲</sup>

اینها جمعاً ۳۱ متن بود که از نظر خوانندگان گرامی گذشت که ۱۰ متن از آنها اختصاص به اهل سنت داشت و ۱۴ متن از آنها به احادیث شیعه اختصاص داشت و ۷ متن از آنها عیناً در منابع مورد اعتماد و استناد شیعه و سنی آمده است.

هدف ما از ارائه این متون اثبات تواتر معنوی حدیث شریف : «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» بود ، که با اندک تأملی در متون یاد شده هر شخص با انصافی به این نتیجه می رسد.

برخی از بزرگان شیعه و برخی از علمای اهل تسنن بر تواتر آن تصریح

۱. الفصول المختاره، ص ۲۴۵.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۸۵، ج ۱۶۹۹.

کرده اند که عین تعبیرشان را در اینجا می آوریم، سپس نکاتی را یاد آور می شویم:

۱. شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. در کتاب پر ارزش «الافصاح» می فرماید:

این حدیث به صورت «متواتر» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که

فرمود: «من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة»<sup>۱</sup>.

وی همچنین رساله‌ی مستقلی در این رابطه تألیف کرده و در آغاز آن

می فرماید:

حدیث: «من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة»

روایت صحیح است، و اجماع اهل آثار بر آن گواهی می دهد.<sup>۲</sup>

و صریح آیه‌ی قرآن: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»<sup>۳</sup> معنای آن را

تقویت می کند.

۲. سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ هـ. در این رابطه می نویسد:

به طور «متظافر» از صاحب شریعت نبویّه رسیده است که فرمود:

«من مات و هو لا يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة»<sup>۴</sup>.

۳. شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۰ هـ. در این رابطه می فرماید:

در میان شیعه و سنی مورد اتفاق است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله

فرمود: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة»<sup>۵</sup>.

۱. الافصاح، ص ۲۸.

۲. مصنفات الشيخ المفید، ج ۷ رساله‌ی هفتم «الرسالة الاولى فی الغيبة»، ص ۱۲.

۳. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۱.

۴. اقبال الاعمال، ص ۴۶۰.

۵. اربعین شیخ بهائی، ص ۲۰۶.

۴. علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. در این زمینه می‌فرماید:

شیعه و سنی به صورت «متواتر» روایت کرده‌اند که «من مات  
و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۱</sup>

۵. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ. می‌فرماید:

این حدیث در میان شیعه و سنی متفق علیه است که: «من مات  
و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»<sup>۲</sup>

۶. قاضی بهلول بهجت افندی زنگنه زوری، متوفای ۱۳۵۰ هـ. می‌نویسد:

حدیث «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»  
متفق علیه علمای عامه و خاصه می‌باشد.<sup>۳</sup>

۷. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح این فراز از کلام امیر مؤمنان علیه السلام که

می‌فرماید:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفُوهُ»:

«وارد بهشت نمی‌شود جز کسی که امامان را بشناسد و امامان  
نیز او را بشناسند.»<sup>۴</sup>

پس از استناد به آیه‌ی شریفه‌ی: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ»<sup>۵</sup> و حدیث:

۱. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۶۸.

۲. تنایع المودة، ج ۳، ص ۴۵۶.

۳. تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، ص ۱۶۶.

۴. نهج البلاغه: خطبه‌ی ۱۵۲، [صبحی صالحی، ص ۲۱۲].

۵. سوره‌ی اسراء: آیه‌ی ۷۱.

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلیة» می گوید:

«اصحاب ما همگی بر درستی این مطلب معتقد هستند که هر

کس امامان را نشناسد وارد بهشت نمی شود»<sup>۱</sup>.

۸. سیوطی و آلوسی در ذیل آیهی شریفه‌ی: «يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ

بِاِمَامِهِمْ»<sup>۲</sup> از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود:

«يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ بِاِمَامِ زَمَانِهِمْ»:

«روز قیامت هر گروهی با امام زمانشان فرا خوانده می شوند»<sup>۳</sup>.

۹. عین همین تعبیر در منابع شیعه نیز از رسول صلی الله علیه و آله آمده است.<sup>۴</sup>

۱۰. مرحوم طبرسی آن را به تعبیر: «يُدْعَى كُلُّ اُنَاسٍ بِاِمَامِ زَمَانِهِمْ»

روایت کرده است.<sup>۵</sup>

۱۱. در منابع حدیثی آمده است که حضرت امام حسین علیه السلام در پیرامون

«شناخت خدا» سخن می گفت، یکی از اصحاب پرسید: «پدر و مادرم به

فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟»

سالار شهیدان در پاسخ فرمود:

«مَعْرِفَةُ اَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ اِمَامِهِمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ»:

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۵۵.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۱.

۳. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۹۴ و روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۴. عیون الأخیار، ج ۲، ص ۲۲ ج ۶۱: تفسیر کنز الدقائق، ج ۷، ص ۴۵۵.

۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۶۲.

«شناخت خدا عبارت است از شناخت اهل هر زمانی امامی را که اطاعتش بر آنها واجب است».<sup>۱</sup>

۱۲. امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»<sup>۲</sup> فرمود:

«فطرت عبارت است: از لا اله الا الله، محمد رسول الله و علی ولی الله».

سپس فرمود:

«إِلَىٰ هَيْهَاتَا التَّوْحِيدُ»:

«توحید تا اینجا است».<sup>۳</sup>

از این دو حدیث به روشنی معلوم می‌شود که شناخت امام از شناخت خداوند متعال جدا نیست، بلکه یکی از ابعاد آن است، چنانکه دعای معرفت که از ناحیه‌ی مقدسه صادر شده، اشاره‌ی لطیفی به آن دارد، آنجا که می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي..»

۱. علل الشرائع، ص ۹، کثر القوائد، ص ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۱۲، ج ۲۳، ص ۸۴ و ۹۳.

۲. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰.

۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۷۷.



این دعا توسط نخستین نائب خاص حضرت یقیناً الله ارواحنا فداء، از ناحیه مقدسه صادر شده، و امر شده که در دوران غیبت آن کعبه‌ی مقصود شیعیان منتظر و چشم به راه بر خواندن آن مداومت کنند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

در پایان یادآور می‌شویم که یکی از نویسندگان متعهد معاصر، محقق گرانقدر آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی کتاب ارزشمندی را پیرامون حدیث: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» تألیف کرده، و آن را «شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی» نامیده است، ما ضمن سپاس و تقدیر از مؤلف ارزشمند، مطالعه‌ی آن را به همه‌ی منتظران ظهور توصیه می‌کنیم. از دیگر کتابهایی که در این رابطه تألیف شده، عناوین زیر به اهل تحقیق توصیه می‌گردد:

۱. تکملة الايمان بمعرفة صاحب الزمان، از شیخ محمد باقر فقیه ایمانی علیه السلام.
  ۲. معرفت امام عصر، از سید محمد بنی‌هاشمی.
  - ۳ و ۴. معرفت حجت خدا و پیرامون معرفت امام، از آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی.
  ۵. معرفة الحجة، از محمود کنگاش، معروف به مجلسی.
- مشخصات چاپ و نگارش عناوین فوق در «کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام» آمده است.<sup>۲</sup>

۱. مصباح المتهدد، ص ۲۶۹؛ کمال الدین، ص ۵۱۲؛ جمال الاستبوع، ص ۵۲۲؛ البلد الامین، ص ۳۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷ و ج ۹۵، ص ۳۲۷.  
 ۲. کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۸، ج ۲، ص ۴۷۵ و ۶۶۳.

## او خواهد آمد

در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از وثنیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت، اسلام و... از مصلحی که در آخر زمان ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتهای انسانها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را، بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد، گفتگو شده است. و نوید آن مصلح بزرگ جهان، علاوه بر قرآن مجید، در تمام کتابهای آسمانی چون انجیل، تورات و زیور آمده است.

اگر چه غیر از قرآن مجید، همه ی کتابهای آسمانی دستخوش تحریف شده اند، لکن باز جملاتی از دستبرد دیگران مصون مانده است که در آنها از آمدن مهدی موعود و مصلح جهان و بنیانگذار حکومت واحد جهانی گفتگو شده است، و چون این مطلب به صورت پیشگویی و مربوط به آینده است، و مضامین آنها در قرآن مجید و احیاء متواتر و قطعی اسلامی وارد شده است، از این رهگذر مسلم می شود که این عبارات ها از منطق وحی سرچشمه گرفته و از دستبرد انسانها در طول تاریخ مصون و محفوظ مانده است.

اینک ما متن قسمتی از نویدهای مهدی موعود را از کتب مقدسه ی

یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و سایر کتابهایی که در میان پیروان خود به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده، نقل می‌کنیم تا اصالت مهدویت و جهانی بودن اعتقاد به ظهور مهدی علیه السلام روشن گردد.

\*\*\*

### مهدی موعود در زبور داود

در زبور داود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای «عهد عتیق» آمده، نویدهایی دربارهی ظهور حضرت مهدی علیه السلام داده شده است. و می‌توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین مستقیم، موجود است. جالب این که مطالبی که قرآن کریم پیرامون ظهور حضرت مهدی از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

«علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم، بتدگان صالح من وارث زمین خواهند شد»<sup>۱</sup>.

طبق روایت متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی، این آیه مربوط به

ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد. قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل می کند و عین همین عبارت در زبور موجود است، اینک متن زبور:

۱. « زیرا که شیران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، و ارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شیرین نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود. و اما حلیمان و ارث زمین خواهند شد... زیرا که بازوان شیرین شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند، و میراث آنها خواهد بود تا ابد الابد»<sup>۱</sup>.

۲- و در فصل دیگری می فرماید:

«... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هر چه در آن است به وجد آید. آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد. قومها را به امانت خود»<sup>۲</sup>.

تویدهای حضرت مهدی علیه السلام در زبور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور آن حضرت موجود است، طالبین می توانند به متن « مزامیر » در « عهد عتیق » مراجعه کنند.

۱. کتاب مزامیر: مزمور ۳۷ بندهای ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.

۲. کتاب مزامیر: مزمور ۹۶ بندهای ۱۰-۱۳.

مهدی موعود در عهد عتیق (تورات و ملیحقات آن)

در «سفر پیدایش» چنین می‌خوانیم:

۱. «خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته گفت: به ذریت تو این زمین را می‌بخشم، تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریه‌ی تو تا به ابد خواهم بخشید... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه توانی آنها را شمرد... ذریت تو نیز چنین خواهد بود... من هستم یهوه که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به ارثیت تو بخشم»<sup>۱</sup>.

۲. «و نام تو بعد از این «آبرام» خوانده نشود بلکه نام تو «ابراهیم» خواهد بود زیرا که تو را پدر امت‌های بسیار گردانیدم تو را بسیار بارور نمایم، و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از توبه وجود آیند، و عهد خویش را در میان خود و تو، و ذریت بعد از تو استوار گردانم، که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد...»

اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم، ایستک او را برکت داده بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم... از ابراهیم امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد و جمیع امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت»<sup>۲</sup>.

۱. سفر پیدایش: فصل ۱۲ بند ۷، فصل ۱۳ بند ۱۵ و فصل ۱۵ بندهای ۵-۸.

۲. سفر پیدایش: فصل ۱۷ بندهای ۵-۸-۲۰ و فصل ۱۸ بند ۱۹.

و در کتاب: «اشعیا نبی» می خوانیم:

۳. «ونهایی از تنه‌ی یسی<sup>۱</sup> بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد...  
... گرگ با بره سکونت خواهد کرد، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند... و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهند کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد»<sup>۲</sup>.

۴. «بلکه تسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهود به ظهور خواهیم رسانید. و برگزیدگانم ورثه‌ی آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. و اما شما (خطاب به یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس را فراموش نموده‌اید، و مائده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب ممزوج به جهت اتفاق ریخته‌اید، پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختم. و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد... و اورشلیم را محلّ وجد خواهیم نمود و از قوم خود شادی خواهیم کرد و آواز گریه و آواز ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد»<sup>۳</sup>.

۱. یسی به معنی قوی، نام پدر داود است. (قاموس کتاب مقدس، ص ۹۵۱)

۲. کتاب اشعیا نبی: فصل ۱۱ بندهای ۱-۱۰.

۳. کتاب اشعیا نبی: فصل ۶۵ بندهای ۹-۱۳ و ۱۸-۲۰.

و در کتاب: «دانیال نبی» می‌خوانیم:

۵. «و در آن زمان میکائیل امیر عظیمی که برای پسران قوم تو (خطاب به حضرت دانیال) ایستاده است خواهد برخاست. ... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالاباد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند».<sup>۱</sup>

و در کتاب: «حقوق نبی» می‌خوانیم:

۶. «اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد».<sup>۲</sup>

نظر به این که متن نویدها گویا بود توضیحی ندادیم و برای اختصار به نمونه‌های یاد شده اکتفا کردیم، برای توضیح بیشتر می‌توانید در «عهد عتیق» به کتاب‌های اشعیاء نبی (فصل ۱ و ۶۵) زکریا نبی (فصل ۱۴) صفیاء نبی (فصل ۳) سلیمان نبی (فصل ۲) حجی نبی (فصل ۲) اول سموئیل (فصل ۲) دوم سموئیل (فصل ۱۲ و ۲۳) و حزقیال نبی (فصل ۲۱) مراجعه فرمائید.

۱. کتاب دانیال نبی: فصل ۱۲ بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.

۲. کتاب حقوق نبی: فصل ۲ بندهای ۳-۵.

در میان اسناد تاریخی و متون باستانی فراوانی که از اقوام مختلف یهود در حفاریها به دست آمده، پیشگوییها و نویدهای فراوانی پیرامون منجی و رهایی بخش آمده، ابراز اشتیاق و فرمان انتظار او در جای جای این متون و اسناد نفیس تاریخی به چشم می خورد.<sup>۱</sup>

علاوه بر متون کتب مقدسه ی یهودیان، نیایشهایی که اقوام یهودی در مراسم مختلف مذهبی می خوانند، برای فرا رسیدن وعده الهی، ظهور منجی، نزدیک شده رهایی بخش دعا می شود. به عنوان یک نمونه: در دعای «قیض» که پس از غذا در مراسم ختنه سوران خوانده می شود چنین آمده است:

خدای مهربان که به شایستگی افراد مقرب از طریق خون ختنه توجه می کند، مسیحای خود را برای ما بفرست تا در وحدت او گام بردارد و به قومی که در میان اقوام پراکنده و متفرق است مرزده و تسلی دهد.

خدای مهربان کاهن عادل را به سوی ما بفرست  
همان که رانده شده در پس پرده غیبت خواهد ماند، تا تختی  
به روشنی خورشید و درخشندگی الماس برای او آماده شود.<sup>۲</sup>

\*\*\*

۱. این متون که قدمت تاریخی فراوان دارد و عموماً به قبل از میلاد مسیح برمی گردد، در «بحر المیت» به دست آمده، به «مخطوطات قمران» شهرت یافته، در سه مجلد، در ۱۷۲۷ صفحه‌ی وزیری به نام «کتابات مابین العهدین» منتشر شده است.

۲. انتظار مسحا در آیین یهود، ص ۱۷۹.



مهدی موعود در عهد جدید (اناجیل و ملحقات آن)

در انجیل برنابا نویدهای حضرت مهدی علیه السلام به صراحت آمده است، ولی نظر به این که مسیحیان آن را معتبر نمی دانند در اینجا فقط نویدهای موجود در اناجیل معتبر را می آوریم:

۱. «هم چنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد. و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد، اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می آید.»<sup>۱</sup>

۲. «اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می کنند، به قسمتی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند.»<sup>۲</sup>

۳. «آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای

۱. انجیل متی: فصل ۲۴ بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵ و ۳۷ و ۴۵.

۲. انجیل متی: فصل ۲۵ بندهای ۳۱-۳۲.

زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد.

... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود».<sup>۱</sup>

۴. «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید».<sup>۲</sup>

۵. «انجیل یوحنا (فصل های ۱۲-۱۷) نویدهای جناب و جامعی درباره ی رسول اکرم ﷺ و حضرت مهدی ﷺ دارد. هم چنین به مکاشفه ی یوحنا (فصل ۱۹) و رساله ی دوم پطرس (فصل سوم) مراجعه شود.

توضیح این که کلمه ی «پسر انسان» مطابق نوشته ی «مسترها کس آمریکایی» در کتاب خود «قاموس کتاب مقدس» ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی ﷺ قابل تطبیق می باشد.<sup>۳</sup> و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده های سخن

۱. انجیل مرقس: فصل ۱۳ بندهای ۲۶، ۲۷، ۳۱ و ۳۲.

۲. انجیل لوقا: فصل ۱۲ بندهای ۳۵-۳۶ و به همین مضمون انجیل لوقا: فصل ۲۱ بندهای ۲۷، ۳۳-۳۶.

۳. قاموس کتاب مقدس: ماده ی «پسر خواهر» ص ۲۱۹.

می‌گویند که در آخر زمان ظهور خواهد کرد، حضرت عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد. و او کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نمی‌باشد.

\*\*\*

### مهدی موعود در کتب مقدسه‌ی هندیان

در کتابهای مقدسه‌ای که در میان هندیان به عنوان کتابهای آسمانی شناخته شده و آورندگان آنها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند، تصریحات زیادی به مهدی موعود شده است که قسمتی از آنها در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد. پیش از ورود به اصل موضوع، یادآوری این نکته را لازم می‌دانیم که:

ما این کتابها را به عنوان «کتاب آسمانی» نمی‌دانیم، و آورندگان آنها را به عنوان «پیامبر» نمی‌شناسیم، بلکه معتقدیم که آنها یا پیامبر بوده‌اند و یا این مطالب را از کتابهای پیامبران گذشته، اقتباس کرده‌اند زیرا این مطالب راجع به آینده است، و پیشگویی آنها منحصر از منابع وحی می‌تواند سرچشمه بگیرد. از این رهگذر به نقل برخی از پیشگوئیهای آنان می‌پردازیم تا جهانی بودن این ایده و عقیده روشن تر گردد:

۱. در کتاب «باسک» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده:

«دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد. و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریاها و زمین‌ها و کوه‌ها، پنهان باشد همه را

به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر می دهد، و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.»

۲. در کتاب «شاکمونی» از کتب مقدسه‌ی هندیان می گوید:

«یادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق در دو جهان: «کشن»<sup>۱</sup> تمام شود و کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند، و جن و انس در خدمت او شوند، و از «سودان» که زیر خط استوا است تا سرزمین «تسعین» که زیر قطب شمال است، و ماوراء بحار را صاحب شود و دین خدا زنده گردد و نام او «ایستاده» باشد و خداشناس باشد.»

۳. در کتاب «ریک ودا» از کتب مقدسه‌ی هند چنین آمده:

«ویشنو» در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر و نیرومندتر است... در یک دست «ویشنو» (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره‌ی دنباله دار و دست دیگر انگشتری درخشنده دارد، هنگام ظهور وی خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید»<sup>۲</sup>.

۴. در کتاب «دید» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده:

«پس از خرابی دنیا، یادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او «منصور» باشد، تمام عالم را

۱. «کشن» در لغت هندی اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

۲. ریک ودا، مانندالای: ۴، ۱۶ و ۲۴.

بگیرد، و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا بخواهد بیاورد»<sup>۱</sup>.

۵. در کتاب «وشن جوک» چنین می‌خوانیم:

«سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او «فرخنده» و «خجسته» باشد»<sup>۲</sup>.

۶. در کتاب «دادتک» از کتب مقدسه‌ی برهمنائیان هند چنین آمده

است:

«بعد از آن که مسلمانی بهم رسد، در آخر الزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و تعدی حاکمان و ریای زاهدان و بی‌دیانتی امیتان و حسد حاسدان برطرف شود و به جز نام از آن چیزی نماند... دست حق برآید و جانشین آخر «ممتا»<sup>۳</sup> ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و برگردد همه جا... و خلاق را هدایت کند».

۷. در کتاب «پاتیکل» از کتب مقدسه‌ی هندیان چنین آمده است:

«چون مدّت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان، یکی ناموس آخر الزمان و دیگر وصی بزرگتر وی که «پشن»<sup>۴</sup>

۱. «متصور» از القاب حضرت مهدی است.

۲. «فرخنده و خجسته» در عربی به «محمد و محمود» ترجمه می‌شود.

۳. «ممتا» در زبان هندی به معنای «محمد» است.

۴. «پشن» نام هندی علی بن ابی طالب علیه السلام است.

نام دارد، و نام آن ملک تازه «راهنما»<sup>۱</sup> است، به حق پادشاه شود و خلیفه «رام»<sup>۲</sup> باشد و حکم براند، و او را معجزه بسیار باشد».

آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت قسمتی از نویدهای کتب مقدسه هندیان در باره‌ی موعود جهانی بود، همه‌ی آنها با اختلاف عباراتی که داشتند، صریح‌تر از نویدهای دیگر کتب مقدسه بودند.

۸. به سال ۱۳۵۹ ش. توفیقی دست داد به صفحات هند سفر کردیم، در «کشمیر» در مورد زبان سانسکریت جو یا شدم، معلوم شد که در دانشگاه «سری نگر» دو تن استاد هستند، که بر زبان سانسکریت تسلط دارند. ترتیبی داده شد که چند ساعتی به خدمتشان رسیدم، از آنها در مورد آینده‌ی جهان پرسیدم، گفتند: آنچه در کتابهای مذهبی ما موجود است این است که:

«یک مرد آسمانی در آخر الزمان ظهور می‌کند، ظلم و ستم را از پهنه‌ی جهان ریشه کن می‌سازد، حکومتی را بر اساس عدالت و آزادی در سطح جهان تأسیس می‌کند، دیگر در جهان از جهل و شرّ و تبهکاری اثری نمی‌ماند و همه‌ی انسانها در برابر او خضوع می‌کنند و همه‌ی جهان زیر یک پرچم و تحت فرمان یک فرمانروا اداره می‌شود...».

همه‌ی اظهارات آنها دقیقاً با اعتقاد ما پیرامون مصلح جهانی منطبق بود، از آنها خواستم که کتاب بالخصوصی را که حاوی این مطالب باشد

۱. «راهنما» به عربی «هادی و مهدی» می‌باشد که هر دو از القاب حضرت امام زمان علیه السلام است.

۲. «رام» به لغت سانسکریتی نام خدا است.

برای من معرفی کنند، کتاب «گرگوار نهم» را معرفی کردند و متن سانسکریت آن را به من ارائه دادند و فرازهایی را از روی کتاب برایم خواندند و ترجمه کردند.

۹. در کتاب «اوپانیشاد» در تشریح واژه‌ی: «کللی» دهمین مظهر «ویشنو»<sup>۱</sup> آمده است:

«این مظهر ویشنو در انقضای کَلّی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه‌ی درخشانی به صورت ستاره‌ی دنباله‌دار، در دست دارد ظاهر می‌شود و شیران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو، تجدید و پاک‌ی را رجعت خواهد داد».<sup>۲</sup>

۱۰. در کتاب «شاپورگان» کتاب مقدس مانویه، ترجمه‌ی «مولر» نام «خرد شهر ایزد» آمده که باید در آخرالزمان ظهور کند و عدالت را در جهان بگسترده.<sup>۳</sup> همچنین در تعالیم مانی از مرد عظیمی بحث شده که ۱۲ جانشین دارد و به وسیله‌ی آنها ارواحی که شایستگی دارند به بهشت می‌روند.

\*\*\*

۱. «ویشنو» دومین خدا از خدایان سه‌گانه‌ی هندو می‌باشد که او را حافظ و حامی جهان، مقتدر و شکست‌ناپذیر، صاحب ۱۰۰۰ نام و ۱۰ مظهر می‌دانند، نشاط و سرور و بقای جهان هستی را به او نسبت می‌دهند.

۲. اوپانیشاد، ص ۷۳۷.

۳. در باره‌ی ظهور و علایم ظهور، ص ۳۱.

### مهدی موعود در منابع زرتشتیان

۱. در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است، پس از آن که مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفتگو کرده و گوشزد می‌کند که غالباً قوت و شکوت با اهریمنان خواهد بود می‌گوید:

«آنگاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست...»

۲. «جاماسب» در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» از «زرتشت»

نقل می‌کند که:

«از فرزندان دختر بیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم ایزدان که جانشین آخر آن بیغمبر باشد.»

۳. باز در جاماسب نامه می‌خوانیم:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.»

۴. جاماسب در تعالیم خود می‌گوید:

«پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوه‌های مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد



شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جدّ خود می باشد...  
از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه ی جهان به آئین  
«مهرآزمای» (محمد) خواهند گروید».

۵. قسمتی از پیشگوئیهای دیگر زرتشت، درباره ی ظهور و علائم ظهور  
در «بهمن یشت» به تفصیل آمده است.<sup>۱</sup>

۶. در بخش «کاتها» که یکی از بخشهای پنج گانه ی «اوستا» است<sup>۲</sup> در  
صفحات ۲۴ و ۹۸ نویدهایی در مورد موعود جهانی، مصلح پایه گزار  
حکومت واحد جهانی دیده می شود.

۷. و در آخرین فراز از کتاب «زند بهمن یسن» که شرح و تفسیر «اوستا»  
می باشد، از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به  
رستاخیز سخن گفته :

«پس «سوشیانس» آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز  
و تن پسین باشد».<sup>۳</sup>

۸. واژه ی «سوئشیانت» در زبان اوستائی و «سوشیانس» در زبان پهلوی

۱. «بهمن یشت» که «زندوهومن یسن» نیز نامیده می شود، شامل یک رشته رویدادهایی  
است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است، که اهورامزدا وقوع آنها را به زرتشت  
پیشگویی می کند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه  
شده است.

۲. اوستا شامل پنج کتاب است به نامهای: یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشتها و خردده اویستا  
[مزدیسنا و ادب پارسی، ج ۱، ص ۱۹۵].

۳. زند بهمن یسن، ص ۱۹.

به معنای سود رسان ، نجات بخش و سردار دینی آمده است<sup>۱</sup> ولی هنگامی که به شکل مفرد یا با عنوان « استوت اِرت »<sup>۲</sup> همراه باشد ، به معنای آخرین رهائی بخش جهان است که همه ی انسانها را از ظلم و ستم رهائی خواهد بخشید.<sup>۳</sup>

۹. در بخش واژه نامه ی « زند بهمن یسن » در شرح و تفسیر واژه ی : « سوشیانس » آمده است :

« سوشیانس : آخرین نجات بخش دین زرتشتی »<sup>۴</sup>

۱۰. در « زندوهومن یسن » از ظهور « سوشیانس » ( نجات دهنده ی بزرگ جهان ) خبر داده می گوید :

« نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه ی دنیا پیام می فرستند ».

آنگاه به مقاومت شریزان در برابر او اشاره کرده نوید می دهد که سرانجام همگی در برابر او سر تعظیم فرود می آورند.

۱۱. قسمت دیگری از پیشگوئیهای زرتشت در مورد سوشیانس را در « یسنا » فصل های ۳، ۱۲ و ۱۶ می خوانیم.

۱. آیینی آئین مزدیسنا ، ص ۱۰۵.

۲. اوستا ، نامه ی مینوی آئین زرتشت ، ص ۳۰۹ ، یشتها ، زامیاد یشت ، کرده ی ۱۵ ، بند ۹۲.

۳. سوشیانت موعود مزدیسنا ، ص ۲۴.

۴. همان مدرک ، ص ۱۵۰.

۱۲. هنگامی که «گشتاسب» در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره‌ی جهان می‌پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می‌دهد: «سوشیانس (نجات دهنده‌ی بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، اینزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را همفکر و هم‌گفتار و هم‌کردار گرداند»<sup>۱</sup>.

۱۳. در بخش دیگری از «یشتها» به رجعت و بازگشت مردگان در عصر ظهور اشاره کرده می‌فرماید:

بدان هنگام که مردگان دگر باره برخیزند و زندگانی جاودانه آغاز گردد و سوشینت به درآید و جهان را به آرزوی خویش دگرگون سازد.<sup>۲</sup>

۱۴. اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملت ایران باستان به قدری رائج بود که در شکستهای جنگی و فراز و نشیبهای زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یاس و ناامیدی نجات می‌دادند.

۱۵. در جنگ قادسیه پس از درگذشت «رستم فرخزاد» سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد با کسان خود آماده‌ی فرار می‌شد، به هنگام خارج شدن از کاخ پرشکوه مداین، ایوان مجلل خود را خطاب کرده گفت:

۱. جاماسب نامه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۲. اوستا، نامه‌ی مینوی آیین زرتشت، ص ۲۹۰، یشتها، زامیاد یشت، کرده‌ی اول، بند ۱۱ و

کرده‌ی دوم، بند ۱۹.

«هان ای ایوان! درود من بر تو باد من هم اکنون از تو روی می‌تابم تا آنگاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او فرا نرسیده است به سوی تو برگردم».

۱۶- سلیمان دیلمی می‌گوید:

«هنگامی که به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم مقصود یزدگرد را از جمله‌ی (یکی از فرزندان خود) پرسیدم، فرمود: «او مهدی موعود قائم آل محمد است که به فرمان خداوند در آخر الزمان ظهور می‌کند. او ششمین فرزند من، و فرزند دختری یزدگرد است و یزدگرد نیز پدر او می‌باشد».<sup>۱</sup>

۱۷. این روایت را «احمد بن عیاش» هزار و اندی سال پیش در کتاب نفیس خود «مقتضب الأثر» آورده است.<sup>۲</sup>

۱۸. اوستایی که امروزه در دست داریم، یک چهارم اوستایی است که در روزگار ساسانی در دست داشتند. در قسمتهای از دست رفته بیش از اینها از موعود بحث شده و سخن به میان آمده بود.<sup>۳</sup>

در اوستای کهن بیش از هر بخشی در بخش «یامدات نسک» از منجی

۱. با توجه به این که «شهریانو» مادر امام سجاده علیه السلام بنا بر مشهور دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است، روشن می‌شود که او واقعاً پدر حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشد.

۲. مقتضب الأثر، ص ۴۰، احمد بن عیاش با شیخ صدوق معاصر بود و در سال ۴۰۱ هجری درگذشت. [این حدیث در الملاحم و الفتن صفحه‌ی ۲۰۰ نیز به نقل از جلد ۸ مناقب آمده است].

۳. سوشیانت، ص ۸۳.

آخرالزمان گفتگو شده که اینک در دسترس نیست<sup>۱</sup>.

۱۹. در بخش یشتها، از آخرین منجی «استوت ارت» تعبیر شده، و در شیوه‌ی ظهور وی آمده است:

بدان هنگام که «استوت ارت» به درآید، گرژی پیروزمند به دست دارد، گرژی که فریدون دلیر به هنگام کشتن ازدهاک در دست داشت.

... استوت ارت به این گرز، دروغ را از گیتی - خانه‌ی راستی - بیرون خواهد راند.<sup>۲</sup>

۲۰. در بندهای فراوان از بخشهای اوستا از یاران سوشیانس گفتگو شده و از آنها ستایش شده، از جمله:

۱. فری که به سوشیانت پیروزمند و دیگر یارانش پیوسته است،

بدان هنگام که آنان گیتی را دگرگون کنند و از نو بسازند.<sup>۳</sup>

۲. یاران «استوت ارت» پیرومندانی به درآیند، نیک اندیش،

نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین، آنان هرگز سخن دروغ بر

زبان نیاورند.<sup>۴</sup>

در اوستا اسامی برخی از یاران سوشیانت به شرح زیر آمده است:

۱. سوشیانت موعود مزدیسنا، ص ۳.

۲. اوستا، ص ۳۰۹، یشتها، زامیاد یشت، کرده‌ی ۱۵، بندهای ۹۲-۹۳.

۳. اوستا، ص ۳۰۸، زامیاد یشت، کرده‌ی ۱۴، بند ۸۹.

۴. همان، ص ۳۱۰، کرده‌ی ۱۵، بند ۹۵.

۱) توس، فرزند نوذر<sup>۱</sup>

۲) آشود دنگه<sup>۲</sup>

۳) گر شاسب<sup>۳</sup>

\*\*\*

آنچه از نظر خوانندگان گرامی گذشت، نمونه‌ای از نویدهای جاوید کتب مقدسه‌ی ادیان و مذاهب مختلف جهان بود که همه‌ی آنها با مضمونهای مختلف خود، آمدن مصلحی را به نام « مهدی » در آخر الزمان نوید می‌دهند و می‌رسانند که او صاحب قدرت عظیم و نیروی شگرف و معجز آسا بوده، و حکومت واحد جهانی را در ربع مسکون کره‌ی زمین بر اساس عدالت و آزادی استوار خواهد کرد.

و از نقل همین مختصر اصالت مسئله‌ی مهدی و جهانی بودن آن آفتابی می‌شود و روشن می‌گردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه پیروان همه‌ی ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی به سر می‌برند. و اگر از اسم « مهدی » و « قائم » صرف نظر کنیم، اعتقاد به ظهور مصلح مقتدری را در عقاید « یونانیان » و مردم ایران باستان و کتب قدیمی « چینیان » و در بین اهالی « اسکاندیناوی » و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی « مکزیک » نیز می‌توان یافت که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. همان، ص ۱۴۹، آبان یشت، کرده‌ی ۱۴، بند ۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۴، کرده‌ی ۱۸، بند ۷۲.

۳. همان، ص ۲۵۳، فروردین یشت، کرده‌ی ۱۹، بند ۶۱.

## ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

۱. ایرانیان باستان معتقد بودند که «گزر اسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در کابل زندگی می‌کند و صدهزار فرشته او را پاسبانی می‌کنند تا روزی قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲. گروهی دیگر از ایرانیان می‌پنداشتند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده‌ی فرمانروایی، دیهیم پادشاهی را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت، و در آنجا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳. ابو عبدالله عدی، که برای آیین مجوس تعصب می‌ورزید و روزگاری منتظر «قائم» علیه السلام بود، کتابی به نام «الأدوار والقرانات» تألیف کرده، در آن کتاب می‌نویسد:

در قران هجدهم از تولد حضرت محمد ﷺ که مطابق هزاره‌ی دهم است، انسانی خروج کند، که دولت مجوس را بازگرداند، بر همه‌ی کره‌ی زمین تسلط پیدا کند، همه‌ی دولت‌ها را از عرب و غیر عرب ساقط نماید.<sup>۱</sup>

۴. نژاد «اسلاو» بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آنها را بر دنیا مسلط گرداند.

۵. نژاد «ژرمن» معتقد بودند که یک نفر فاتح از طرف آنان قیام نماید

و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۶. اهالی «صربستان» انتظار ظهور «مارکو کرالیویچ» را داشتند.

۷. «برهمنیان» از دیر زمانی بر این عقیده بودند که در آخر الزمان

«ویشنو» ظهور نماید و بر اسب سفیدی سوار شود و شمشیر آتشین بر دست

گرفته، مخالفین را خواهد کشت و تمام دنیا برهنم گردد و به این سعادت برسد.

۸. ساکنان جزایر انگلستان از چندین قرن پیش آرزو مند و منتظرند که

«ارتور» روزی از جزیره‌ی «آوالون» ظهور نماید و نژاد ساکسون را در

دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آنها گردد.

۹. یهودیان معتقدند که در آخر الزمان «ماشیح» (مهدی بزرگ) ظهور

می‌کند و تا ابدالابد در جهان حکومت می‌کند. ولی او را از اولاد اسحاق

می‌پندارند، در صورتی که تورات او را صریحاً از اولاد اسماعیل دانسته

است، چنان که در دومین بشارت عهد عتیق گذشت.

۱۰. اعتقاد به منجی از ارکان عقیدتی یهود است، در منابع یهودی به

تفصیل از ناجی و رهایی بخش قوم یهود به عنوان «ماشیح صیدقینو» یعنی:

نجات بخش واقعی ما یاد شده است.

۱۱. در برخی منابع یهود از او «ماشیح بن داوید» نیز یاد شده است،

یعنی: «رهایی بخش فرزندان داود».<sup>۱</sup>

۱. کلیمیان ناجی را از تبار حضرت داود علیه السلام می‌دانند و لذا او را «ماشیح بن داوید» می‌نامند،

جالب توجه است که حضرت بقیة الله ارواحنا فداءه نیز از سوی مادر از تبار حضرت داود علیه السلام

می‌باشد. زیرا حضرت نرجس از تبار شمعون بن ضفا می‌باشد، او نیز پسر عمه‌ی حضرت

مریم می‌باشد [بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۸۶] و نسب حضرت عیسی از طرف مادر به

حضرت داود می‌رسد. [قاموس کتاب مقدس، ص ۲۷۱].



۱۲. کلیمیان معتقدند که ناجی ظهور کرده همه‌ی نیازهای جسمی و روحی انسان را به وفور تأمین کرده، جنگ، خونریزی، کینه‌توزی، فقر و جهالت را از زمین برخواهد چید.<sup>۱</sup>
۱۳. نصاری نیز به وجود موعودی قائل هستند و می‌گویند که در آخرالزمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.
۱۴. ملل و اقوام مختلف هند، مطابق کتابهای مقدسه‌شان، در انتظار مصلحی هستند که ظهور کرده حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد.
۱۵. اسن‌ها معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده، دروازه‌های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.<sup>۲</sup>
۱۶. سلت‌ها می‌گویند پس از بروز آشوبهایی در جهان «بوریان بورویهم» قیام کرده، دنیا را متصرف خواهد شد.
۱۷. برخی از اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم بلاهائی می‌رسد جنگهای جهانی اقوام را نابود می‌سازد، آنگاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده، بر همه چیره می‌شود.
۱۸. برخی دیگر همین عقیده را در مورد «یمیر» دارند.<sup>۳</sup>
۱۹. یونانیان می‌گویند «کالویبرگ» نجات دهنده‌ی بزرگ، ظهور کرده، جهان را نجات خواهد داد.
۲۰. اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می‌باشند.

۱. واژه‌های فرهنگ یهود، ص ۲۱۶.

۲. واژه‌های فرهنگ یهود، ص ۱۰۲.

۳. الآثار الباقیه، ص ۵۵۴.

۲۱. چینی‌ها معتقدند که « کرشنا » ظهور کرده، جهان را نجات می‌دهد.
۲۲. اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که « کوتزلکوتل » نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان، پیروز خواهد شد.
۲۳. گروهی از مصریان که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در شهر « ممفیس » زندگی می‌کردند معتقد بودند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غیب بر جهان مسلط می‌شود، اختلافات طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش و آسایش می‌رساند.
۲۴. گروهی دیگر از مصریهای باستان معتقد بودند که فرستاده‌ی خدا در آخر زمان، در کنار خانه‌ی خدا پدیدار گشته، جهان را تسخیر می‌کند.
۲۵. قبایل « ای پوور » معتقد بودند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند، و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است.
۲۶. گروهی از مردم پرتغال معتقدند که یکی از پادشاهان سابق پرتغال به نام: « مَبَسْتیانوس » با تمام لشکر خود در جزیره‌ی غیب از دیده‌ها غائب است تا در آخرالزمان خروج کرده، تمام دنیا را مسخر نموده، یک دین و یک فرمانروا بر همه‌ی روی زمین حاکم شود.
۲۷. یک کشیش پرتغالی به نام: « آنتونیو دو ژوزو » که در اوایل قرن دوازدهم به عنوان رئیس دیر آگوستینهای پرتغالی مقیم اصفهان<sup>۱</sup> به شهر اصفهان عزیمت نموده، پس از سالها اقامت به حقانیت آئین مقدس اسلام پی برده به شرف اسلام مشرف گردید.

۱. این دیر نخستین دیری بود که در اوائل قرن هفدهم میلادی توسط لائسینی‌ها در اصفهان ساخته شد، روحانیون این دیر نمایندگان رسمی پادشاه پرتغال در ایران بودند.

از آثار ارزشمندی که این اندیشمند تازه مسلمان پس از پذیرش اسلام نوشته، کتاب: «سيف المؤمنين في قتال المشركين» می باشد.<sup>۱</sup>

۲۸. وی در این اثر گرانسنگ خود از «جزیره ی غیب» به تفصیل سخن گفته می افزاید:

«اینسولا کوپرتا Insula Caperta که به معنای «جزیره ی غیب»، موافق است با آن: «جزیره ی خضرا» که شیعیان علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه - اعتقاد دارند که حضرت مهدی علیه السلام در آنجا سکنا دارد و هم چنانکه آفتاب، وقتی در زیر ابر پنهان است، باز روشنی به اهل دنیا می دهد... آن حضرت نیز اگر چه در جزیره ی خضرا سکنا دارد، اما از پرتو وجود او دنیا معمور و نفع او به هر نزدیک و دور می رسد».<sup>۲</sup>

۲۹. این دانشمند پرتغالی پس از تشریح موقعیت «جزیره ی غیب» می نویسد:

«بعضی جماعت پرتغال این اعتقاد را دارند که یکی از پادشاهان سابق پرتغال که او را «سبستیانوس» نام بود که در جنگ پادشاه مراقوس که یکی از پادشاهان عرب مغرب بود، با همه ی قشون خود کشته شده است، می گویند که در آن جزیره غیب است، از برای آنکه در آخرالزمان خروج کنند و

۱. این کتاب اخیراً تحت عنوان: «ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش تورات» در ۷۷۶ صفحه ی وزیری در قم چاپ و منتشر شد.

۲. ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش تورات، ص ۲۸۶.

تمام دنیا را مسخر کرده، یک دین و یک پادشاه در همه‌ی  
روی زمین قرار بگیرد»<sup>۱</sup>.

۳۰. تا اوایل قرن چهارم اسلامی، قرامطه خود را به تشیع آل پیامبر منسوب  
می‌دانستند و ظهور منتظر را در قرآن هفتم در «مثلثه‌ی تاریه» نوید می‌دادند.<sup>۲</sup>

\*\*\*

آنچه در بالا از نظر خوانندگان گرامی گذشت، با مهدی موعود اسلام  
کاملاً تطبیق نمی‌کند، حتی برخی از آنها اصلاً وفق نمی‌دهد، لکن از یک  
حقیقت مسلم حکایت می‌کند، و آن این که نوید مصلح جهانی به گوش آنها  
رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر زمان در اعماق دلشان جا  
گرفته است، ولی چون از فروغ حق بیش از این برخوردار نبوده‌اند در  
تطبیق آن دچار اشتباه شده‌اند.

علیرغم کوتاه‌نظرانی که خیال می‌کنند همه‌ی انبیاء از مشرق زمین  
برخاسته‌اند، ما معتقدیم که در میان تمام ملل و اقوام در همه‌ی اقطار و  
اکتاف جهان، پیامبرانی برخاسته و مردم را به سوی دین قویم و صراط  
مستقیم فرا خوانده‌اند، چنان که منطق وحی به آن تصریح می‌کند:

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»<sup>۳</sup>

«تو (ای محمد) بیم‌دهنده هستی، و برای هر ملت‌ی رهبر  
و راهنمایی هست».

۱. همان مدرک، ص ۲۸۳.

۲. الآثار الباقیه، ص ۲۶۱.

۳. سوره‌ی رعد: آیه‌ی ۷.

از این رهگذر روشن می‌شود که همه‌ی آن عقاید، از منبع شریف و حی سرچشمه گرفته است، لکن در برخی از مناطق دور دست که شعاع حقیقت کمتر تابیده، در طول تاریخ از فروغ آن کاسته شده و فقط کلیاتی از نویدهای مهدی موعود به جای مانده است، و در تطبیق آن دچار اشتباه شده‌اند.

صرف نظر از ایمان که پایه‌ی این ایده و عقیده را تشکیل می‌دهد، هر فردی که به سرنوشت بشریت بیندیشد و خواهان تکامل و ترقی جهان انسانیت باشد و ببیند که چگونه با وجود این همه ترقیات فکری و علمی و پیشرفت روزافزون تکنیک و صنعت نه تنها اخلاق و معنویت پیشرفت نمی‌کند، بلکه با سرعت تکان دهنده و اندوهباری عقب‌گرد نموده، به سوی سقوط و نابودی می‌گراید و ترقیات ماشینی بر فساد و انحطاط معنوی آنها می‌افزاید و ...

با اندک تأملی، طبق فطرت ذاتی خود متوجه درگاه حضرت احدیت خواهد شد و از برای رفع این جنایتها و خیانتها یاری خواهد طلبید و با الحاح و نیایش خواستار مصلحی خواهد شد که به این وضع رقت‌بار خاتمه دهد.

از این رهگذر آرزوی یک مصلح جهانی همواره در دل‌های خداپرستان وجود داشته است، و تمام پیامبران الهی و سفیران آسمانی نویدیهایی درباره‌ی وی ابراز نموده‌اند.

## مهدی موعود از دیدگاه وسیعتر

در عصر اخیر دوشادوش پیشرفت همه جانبه‌ای که در تمام مسائل علمی نصیب بشریت شده، این ایده و عقیده نیز از مرز ادیان و مذاهب قدم فراتر نهاده و به عنوان یکی از مهمترین مسائل حیاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اندیشمندان بزرگ برای از بین بردن جنگها و خصومتها و بر طرف ساختن بحرانهای منطقه‌ای و بالاخره جلوگیری از جنگها و کشمکشهایی که احتمالاً به جنگ جهانی سوم خواهد انجامید، تنها راهی که پیدا کرده‌اند این است که باید فکر پوسیده‌ی «نژاد پرتر» را از مغزها بیرون ریخت، «جهان وطنی» را جایگزین تبلیغات ناسیونالیستی قرار داده، مرزهای جغرافیایی را در هم ریخته، شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را استوار ساخت. اینک عین گفته دو تن از اندیشمندان مشهور جهان را در ذیل می‌آوریم:

۱. انیشتین:

یا باید حکومت جهانی با کنترل بین‌المللی انرژی تشکیل شود، و یا حکومت‌های ملی جداگانه‌ی فعلی همچنان باقی بماند و متجر به انهدام بشری گردد.<sup>۱</sup>

۲. برتراند راسل:

چون هم اکنون خرابی جنگ بیش از قرون گذشته است، یا

۱. مفهوم نسبیّت انیشتین، ص ۲۵.

باید حکومت جهانی را بپذیریم و یا به عهد بربریت برگردیم و به نابودی نژاد انسانی راضی شویم»<sup>۱</sup>.

یک دانشمند فرانسوی به نام: «نوستر آداموس» (متولد ۱۵۰۳ م. و متوفای ۱۵۶۶ م.) پیشگوییهای فراوانی در مورد حوادث آینده‌ی جهان به صورت رمز و اشاره گفته و بیشتر آنها به صورت دقیقی مطابق پیشگویی او تحقق یافته است.

پیشگوییهای نوستر آداموس برای نخستین بار به سال ۱۵۵۵ م. منتشر شد. این پیشگوییها در طول چهار قرن از طرف دهها دانشمند تجزیه و تحلیل شده است.

یکی از پیشگوییهای تحقق نیافته‌ی او مربوط به یک مصلح جهانی است که به تصور او پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی از آسمان نازل خواهد شد<sup>۲</sup> و اینک متن پیشگویی:

«در سال هزار و نهصد و نود و نه و هفت ماه از آسمان، یک پادشاه وحشتناکی نزول می‌کند. پادشاه انگولم را دو مرتبه زنده می‌کند، کمی بعد یا قبل از ظهور مشتری، سعادت را همراه می‌آورد».

«هیچ زمانی مثل آن روز نخواهد آمد، از مرکز آسیا قانون

۱. تأثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶.

۲. تذکر این نکته ضروری است که در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از تعیین وقت به شدت نهی شده، و در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که: «خداوند وقت آن را در نزد ما قرار نداده است». [اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸].

جدیدی از ریشه‌ی عیسی و هرمس مصری به داخل اروپا نفوذ خواهد کرد و سپس در تمام شرق سایه خواهد انداخت».<sup>۱</sup>

این دو فراز که قطعات ۷۲ و ۷۵ سانتوری دهم پیشگوییهای اوست به صراحت از آمدن یک مصلح جهانی خبر می‌دهد.

جالب توجه است که تعبیر: «از آسمان... نزول می‌کند» را در بردارد و در قطعات بعدی از: قدرت فوق‌العاده‌ی او، حکومت قانون بر سر تا سر جهان، سرور و شادی همگان، پیوند ناگسستنی پیروان، تغییر یافتن چهره‌ی جهان، نفوذ عمیق او در میان دوستان و پراکنده شدن مخالفان سخن گفته است. این فرازها از یک دانشمند فرانسوی بسیار جالب و اعجاب‌انگیز است.

م. ب. ادوارد، یکی از مفسران پیشگوییهای نوستر آداموس در شرح دو فراز بالا می‌نویسد:

«از این دو قطعه به طور وضوح مستفاد می‌شود که پادشاه یا فرمانروایی بسیار مقتدر برای پایان دادن این همه بدبختی‌ها که به دست بشر فراهم شده، از آسمان نزول خواهد کرد و مخصوصاً تأکید می‌کند که این فرمانروا حامل پیام آسمانی است که مردم انتظار آن را دارند و سایه‌ی سعادت او مخصوصاً بر سر پادشاهان مشرق افکنده خواهد شد».<sup>۲</sup>

دیگر مفسران این پیشگوییها: بانو «اریکا چاتهام» در تفسیر قطعه‌ی ۷۵

می‌نویسد:

۱. نوستر آداموس از آینده‌ی جهان خبر می‌دهد، ص ۹۵.

۲. همان مدرک، ص ۶۱.



«در دوره‌ی هرمس HERMES، هرمس در برابر مرکوری = تیر «۲۷» و ژوپیتر «۲۲۸» = پدر آسمانی = ژئوس قرار می‌گیرد که در برابر با خیزش اسلام در جهان است»<sup>۱</sup>.

این مفسر انگلیسی پس از آن که تصریح می‌کند که این فرمانروا از آسیا برخواهد خاست، می‌نویسد:

«البته آینده‌نشان خواهد داد که او چه کسی است؟»<sup>۲</sup>.

اکنون باید دید کدام مصلحی خواهد توانست مرزهای جغرافیایی را درهم کوبیده شالوده‌ی حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی پی ریزی کند؟ و آن مهدی موعود و مصلح جهانی که ضرورت ظهور آن را علم و دین خبر می‌دهد و میلیون‌ها انسان در انتظار وی دقیقه شماری می‌کنند، کیست؟

پاسخ این سؤال را، تنها از کسانی که با منبع وحی و جهان ماوراء طبیعت ارتباط نزدیک دارند، باید شنید.

\*\*\*

### مهدی موعود از دیدگاه اسلام

مهدی موعود یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام به شمار می‌رود و با سایر عقاید و احکام اسلامی پیوند ناگسستنی دارد.

۱. پیشگوییهای نوستر آداموس، ص ۸۶۸.

۲. پیشگوییهای نوستر آداموس، ص ۸۶۸.

آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده‌اند و در ضمن صدها حدیث، مشخصات آن حضرت را بیان نموده‌اند که از حوصله‌ی این کتاب بیرون است.<sup>۱</sup>

در لابلای روایات متواتری که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سایر پیشوایان دین صادر شده است، کلیه‌ی اوصاف و تمام جزئیات زندگی مصلح جهانی و پایه گذار حکومت واحد جهانی بیان شده است.

احادیث وارده در باره‌ی «امام زمان علیه السلام» از طریق شیعه و سنی بیرون از شمار است، از این رهگذر ما فقط فهرست قسمتی از آنها را در زیر از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم:

۱. در ۲۹۳ حدیث تصریح شده که او فرزند «امام عسکری علیه السلام» است.
۲. در ۹۰ حدیث تصریح شده که او نوه‌ی «امام هادی علیه السلام» و نبیره‌ی «امام جواد علیه السلام» است.
۳. در ۹۵ حدیث وارد شده که وی چهارمین فرزند «امام رضا علیه السلام» است.
۴. در ۱۹۹ روایت آمده که او پنجمین فرزند «امام کاظم علیه السلام» است.
۵. در ۲۰۲ حدیث وارد شده که او ششمین فرزند «حضرت صادق علیه السلام» است.
۶. در ۱۰۳ حدیث وارد شده که او هفتمین فرزند «امام باقر علیه السلام» است.
۷. در ۱۸۵ خبر آمده که او هشتمین فرزند «حضرت سجاد علیه السلام» است.
۸. در ۳۰۸ حدیث تصریح شده که وی نهمین فرزند «امام حسین علیه السلام» است.

۱. طالبین می‌توانند به کتاب پراچ «شواهد التنزیل» حسکائی حنفی و «المهدی فی القرآن»

سید صادق شیرازی و «بخار الأنوار» علامه‌ی مجلسی مراجعه نمایند.

۹. در ۲۱۴ حدیث وارد شده که او دهمین فرزند « امام علی علیه السلام » است.
۱۰. در ۱۹۲ روایت آمده که وی از اولاد « حضرت فاطمه علیها السلام » است.
۱۱. در ۴۸ حدیث تصریح شده که وی همنام حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله است.
۱۲. در ۱۳۶ حدیث تصریح شده که او دوازدهمین و آخرین پیشوا است.
۱۳. در ۹۱ حدیث به غیبت طولانی آن حضرت تصریح شده است.
۱۴. در ۷ حدیث کیفیت انتفاع مردم از آن حضرت در زمان غیبت بیان شده است.
۱۵. در ۵۱ حدیث سیرت و صورت او توصیف شده است.
۱۶. در ۴۷ روایت تصریح شده که در عصر او اسلام دین جهانی خواهد شد. و آیهی شریفه **﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾** تحقق خواهد یافت.
۱۷. در ۱۲۳ روایت وارد شده که او شخصاً عدالت اجتماعی را در روی زمین برقرار می‌کند.
۱۸. در ۲۹۳ حدیث از تولد آن حضرت گفتگو شده است.
۱۹. در ۶۵۷ حدیث درباره‌ی ظهور و علائم ظهور بحث شده است.
۲۰. در ۳۱۸ روایت عمر طولانی آن حضرت مطرح شده و در برخی از آنها تصریح شده که عمر شریفش به قدری طولانی می‌شود که جز مؤمنان راستین، کسی در اعتقاد خود استوار نمی‌ماند.
- متن ۳۶۹۲ فرازی که فهرست آنها در بالا گفته شد، به اضافه‌ی ۲۵۱۵ فراز دیگر که پیرامون آن حضرت در منابع شیعه، از پیشوایان معصوم علیهم السلام

به دست ما رسیده است، در کتاب نفیس «منتخب الاثر» آمده است. مؤلف این کتاب که از شخصیت‌های برجسته‌ی جهان تشیع و از مراجع حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشد، روایات مربوط به امام زمان علیه السلام را تا جایی که توانایی داشته، از کتابهای معتبر و مدارک دست اول استخراج، و در این کتاب گرد آورده است. در این کتاب جمعاً ۱۲۰۰ روایت با ذکر مأخذ از ۳۹۰ کتاب معتبر نقل شده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

### مهدی موعود در منابع اهل تسنن

روایاتی که پیرامون بنیانگذار حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی مهدی موعود، قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در منابع معتبر اهل تسنن آمده است، دست کم از روایات شیعیان نمی‌باشد و حتی در «صحاح سته» که معتبرترین کتاب روایتی اهل تسنن است روایات مهدی علیه السلام به شرح زیر آمده است:

۱. صحیح بخاری، جلد چهارم «کتاب الاحکام» و باب «نزول عیسی ابن مریم».
۲. صحیح مسلم، جلد اول، باب «الفتن و اشراط الساعة» و باب «نزول عیسی».

۱. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، آیه الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، چاپ

۱۴۲۲ هـ. ق، در سه مجلد.

۳. سنن ابن ماجه ، جلد دوم ، باب « خروج المهدي ».

۴. سنن ابی داود ، جلد دوم کتاب « المهدي ».

۵. سنن ترمذی ، باب « ما جاء فی المهدي ».

همچنین مسند احمد ، پیشوای حنبلی ها و دیگر سنن و جوامع اهل تسنن روایات حضرت مهدی علیه السلام را احتواء کرده است.

استاد « علی محمد دخیل » اسامی ۲۰۵ کتاب از بزرگان علمای سنی را در کتاب خود « الامام المهدي » آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها مستقلاً درباره‌ی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب نوشته‌اند ، و ۳۱ نفرشان فصلی را در کتابهای خود به روایات حضرت مهدی اختصاص داده‌اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسبهای مختلف روایات مهدی را در کتابهای خود آورده‌اند. اگر بخواهیم اسامی همه‌ی این کتابها را نقل کنیم ، سخن به درازا می‌کشد ، از این رهگذر فقط کتابهایی که مستقلاً درباره‌ی حضرت ولی عصر علیه السلام از بزرگان اهل سنت به رشته‌ی تحریر آمده است ، به ترتیب حروف تهجی نام می‌بریم :

۱. ابراز الوهم من کلام ابن حزم ، تألیف احمد بن صدیق بخاری.

۲. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون ، تألیف احمد بن محمد بن صدیق حصرمی ، متوفای ۱۳۸۰ هـ.

۳. اتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة - ۲

جلدی - تألیف شیخ حمود بن عبدالله تویجری - معاصر -

۴. احادیث اشراط الساعة الصغری ، تألیف صالح بن محمد دخیل الله

۵. الاحاديث القاضيه بخروج المهدي ، تأليف محمد بن اسماعيل امير يمانى ، متوفى ۷۵۱ هـ .

۶. الاحاديث الواردة فى المهدي ، تأليف ابوبكر بن خثيمه ، متوفى ۲۷۹ هـ .

۷. الأحاديث الواردة بشأن الدجال ، تأليف احمد بن عيسى بن الهادى

- معاصر -

۸. الأحاديث الواردة فى شأن المهدي ، تأليف شيخ عبدالعليم بن

عبدالعظيم بستوى - معاصر -

۹. احاديث و كلمات حول الامام المنتظر ، تأليف سيد عبدالله غريفي

- معاصر -

۱۰. الاحتجاج بالأثر على من انكر المهدي المنتظر ، تأليف شيخ حمود

بن عبدالله تويجى - معاصر -

۱۱. احوال صاحب الزمان ، تأليف سعد الدين حموتى ، متوفى ۶۵۰ هـ .

۱۲. احوال مهدي آخر الزمان ، تأليف متقى هندی ، متوفى ۹۷۵ هـ .

۱۳. اخبار الدولة فى ظهور المهدي ، تأليف احمد بن ابراهيم ، ابن جزار

قيروانى ، متوفى ۴۰۰ هـ .

۱۴. اخبار المهدي ، تأليف ابو العلاء همدانى ، متوفى ۵۶۹ هـ .

۱۵. اخبار المهدي ، تأليف بدر الدين حسن بن محمد بن صالح نابلسى ،

متوفى ۷۷۲ هـ .

۱۶. اخبار المهدي ، تأليف عبدالعزيز بن يحيى جلودى ، متوفى ۳۰۲ هـ .

يا ۳۳۲ هـ .

۱۷. اخبار المهدي ، تأليف ابونعيم اصفهاني ، متوفى ۴۳۰ هـ .

۱۸. اخبار المهدی، تألیف حمّاد بن یعقوب رواجی.
۱۹. اخبار المهدیه، تألیف ابوبکر صنهاجی.
۲۰. اربعین حدیث فی المهدی، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ.
۲۱. اربعین حدیث فی المهدی، تألیف ابوالعلاء همدانی، متوفای ۵۶۹ هـ.
۲۲. ارشاد المستهدی فی نقل بعض الاحادیث و الآثار الواردة فی شأن الامام المهدی، تألیف محمّد علی حسین بکری مدنی.
۲۳. الاشاعة لاشراط الساعة، تألیف محمّد بن رسول برزنجی شافعی، متوفای ۱۱۰۳ هـ.
۲۴. اشراط الساعة، تألیف ابومحمّد عبدالغنی مقدّسی جماعیلی حنفی، متوفای ۶۰۰ هـ.
۲۵. اشراط الساعة، تألیف احمد بن فقیه شافعی.
۲۶. اشراط الساعة، تألیف یوسف بن عبدالله بن یوسف وابل.
۲۷. اشراط الساعة الصغری و الكبرى، تألیف شیخ امین حاج محمّد احمد - معاصر -
۲۸. اشراط الساعة و خروج المهدی، تألیف علی بن محمّد میلی جمالی مغربی مالکی، متوفای ۱۲۴۸ هـ.
۲۹. اصحّ ما ورد فی المهدی و عیسی، تألیف شیخ محمّد حبیب الله شنقیطی جکنی، متوفای ۱۳۶۳ هـ.

۱. متن آن در جلد دوم «نامه‌ی دانشوران» و ترجمه‌اش توسط «عبدالحمّاد بلاغی» در سال

۱۳۸۳ قمری، در تهران به چاپ رسیده است.

۳۰. اعتقاد اهل القرآن فی نزول المسیح ابن مریم آخر الزمان، تألیف  
شیخ محمد عربی مغربی.
۳۱. اقامة البرهان علی نزول عیسی فی آخر الزمان، تألیف ابوالفضل  
عبدالله بن محمد بن صدیق ادریسی غماری - معاصر -
۳۲. اقامة البرهان فی الرد علی من انکر خروج المهدي و الدجال و نزول  
المسیح فی آخر الزمان، تألیف حمود بن عبدالله تویجری - معاصر -
۳۳. امارات الساعة، تألیف شاه رفیع الدین دهلوی.
۳۴. البرهان فی علامات مهدي آخر الزمان، تألیف ملا علی متقی  
هندی، متوفای ۹۷۵ هـ.<sup>۱</sup>
۳۵. البرهان، فی علامات مهدي آخر الزمان، تألیف جلال الدین  
سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ.
۳۶. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تألیف محمد بن یوسف گنجی  
شافعی متوفای ۶۵۸ هـ.<sup>۲</sup>
۳۷. بین یدی الساعة، تألیف دکتر عبدالباقی احمد سلامه - معاصر -

۱. نگارنده یک نسخه خطی آن را در کتابخانه‌ی سلیمانیه استانبول و یک نسخه‌اش را در کتابخانه‌ی سلطنتی برلین دیده است، و اخیراً از روی نسخه خطی کتابخانه‌ی مسجد الحرام (مکه مکرمه) در سال ۱۳۹۸ به کوشش آقای علی اکبر غفاری در تهران چاپ شده است و نسخه‌ای هم در کتابخانه‌ی امام امیرالمؤمنین در نجف اشرف موجود است.

۲. این کتاب در سال ۱۳۲۴ قمری به ضمیمه‌ی کتاب «الغیبة» شیخ طوسی در ایران چاپ شد، چاپ دوم آن در استانبول (۱۳۳۱) و سومش در نجف (۱۳۸۲) و یکبار هم در آخر «کفایة الطالب» و اخیراً به صورت جالبی با مقدمه‌ی سید مهدی خراسان در بیروت چاپ شده است.



۳۸. تحدیق النظر فی اخبار المهدي المنتظر، تألیف محمد بن عبدالعزیز بن مائع، متوفای ۱۳۸۵ هـ.<sup>۱</sup>

۳۹. تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان، تألیف ابن کمال پاشا حنفی، متوفای ۹۴۰ هـ.<sup>۲</sup>

۴۰. تلخیص البیان فی اخبار مهدی آخر الزمان، تألیف ملا علی منتقی، متوفای ۹۷۵ هـ.<sup>۳</sup>

۴۱. تنبیه الوسنان الی اخبار مهدی آخر الزمان، تألیف احمد نوبی، متوفای ۱۰۳۷ هـ.

۴۲. التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح، تألیف شوکانی.

۴۳. ثلاثة ينتظرهم العالم: عيسى، الدجال و المهدي المنتظر، تألیف شیخ عبداللطیف عاشور - معاصر -

۴۴. جامع الاخبار و الاقواب فی المسيح الدجال، تألیف عبدالرزاق عید الرعود.

۴۵. جزء فی المهدي، تألیف ابو حنین ابن المنادی، متوفای ۳۳۶ هـ.

۴۶. جزء فی المهدي، تألیف عماد الدین ابن کثیر، متوفای ۷۷۴ هـ.

۴۷. الجواب المقنع المحرر، فی الرد علی من طغى و تبخر، بدعوى انه

۱. نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی سلیمانیه‌ی استانبول و نسخه‌ای در دارالکتب مصر موجود است.

۲. نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی برلین و چندین نسخه در کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.

۳. یک نسخه از آن در کتابخانه‌ی برلین و نسخه‌ای دیگر در کتابخانه‌ی سلیمانیه و نسخ

سومی در کتابخانه‌ی آیت الله نجفی در قم موجود است.

عیسی او المهدی المنتظر، تألیف محمد حبیب الله بن مایانی چکنی  
شنقیزی، متوفای ۱۳۶۳ هـ.

۴۸. دجال از دیدگاه اسلام و سایر ادیان، - ترکی استانبولی - تألیف  
دکتر زکی ساری توپراق - معاصر -

۴۹. دراسات المرویات بشأن الدجال فی الکتب السنّه، تألیف احمد بن  
عیسی احمد هادی عمر - معاصر -

۵۰. ذکر المهدی و نعوته، تألیف ابو نعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ.

۵۱. الرد علی من حکم و قضی، ان المهدی جاء و مضی، تألیف ملا علی  
قاری، متوفای ۱۰۱۴ هـ.

۵۲. الرد علی من حکم و قضی بان المهدی جاء و مضی، تألیف متقی  
هندی، متوفای ۱۰۱۴ هـ.

۵۳. الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی،  
تألیف شیخ عبدالمحسن عبّاد - معاصر -

۵۴. رساله فی رد من انکر ان عیسی علیه السلام اذا نزل یصلی خلف المهدی،  
تألیف جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ.

۵۵. رساله فی علامات المهدی، تألیف جلال الدین سیوطی، متوفای  
۹۱۱ هـ.

۵۶. رساله فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعه، تألیف ابو عبیده ماهر  
بن صالح آل مبارک.

۱. نسخه ای از آن در کتابخانه ای الامام امیرالمؤمنین، نجف و نسخه ای دیگر در کتابخانه ای  
ناصریه (لکهنو - هند) موجود است.

۵۷. رساله فی المهدي ، تألیف جعفر بن حسن بن عبدالکریم برزنجی ، متوفای ۱۱۷۹ هـ .
۵۸. رساله فی المهدي ، تألیف متقی هندی ، متوفای ۹۷۵ هـ .
۵۹. رساله فی المهدي ، تألیف ابن کثیر دمشقی ، متوفای ۷۷۴ هـ .
۶۰. رساله فی المهدي ، تألیف ادريس بن محمد بن حمدون عراقی فارسی ، متوفای ۱۱۸۳ هـ .
۶۱. رساله فی المهدي ، تألیف احمد بریر ، متوفای ۱۲۲۶ هـ .
۶۲. روض وردی فی اخبار المهدي ، تألیف جعفر بن حسن برزنجی شافعی ، متوفای ۱۱۷۹ هـ .
۶۳. السّر فی عور الدجال ، تألیف عبدالرحمن بن عبدالله اندلسی سهیلی ، متوفای ۵۸۱ هـ .
۶۴. سید البشر يتحدث عن المهدي المنتظر ، تألیف شیخ حامد محمود محمد لیمود - معاصر -
۶۵. صاحب الزمان ، تألیف ابوالعباس محمد بن اسحاق ، متوفای ۲۷۵ هـ .
۶۶. الصّحیح المسند من احادیث الفتن و الملاحم و اشراط السّاعة ، تألیف مصطفی عدوی - معاصر -
۶۷. طرق احادیث المهدي ، تألیف حافظ ولی الدین ابوزرعہ عراقی ، متوفای ۸۲۶ هـ .
۶۸. العرف الوردی فی اخبار المهدي ، تألیف جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ هـ .<sup>۱</sup>

۱. نسخه‌ای از آن در کتابخانه سلیمانیّه موجود است. و در ضمن کتاب «الحاوی للفتاوی» ←

۶۹. العرف الوردی فی اخبار المهدی، تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی، متوفای ۶۸۵ هـ.<sup>۱</sup>

۷۰. العرف الوردی فی دلائل المهدی، تألیف عبدالرحمن بن مصطفی، عیدروس یمنی، متوفای ۱۱۹۲ هـ.<sup>۲</sup>

۷۱. العطر الوردی، فی شرح القطر الشهیدی، فی اوصاف المهدی، تألیف محمد بن محمد بن احمد بلیسی، متوفای ۱۳۰۸ هـ.

۷۲. عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، تألیف یوسف بن یحیی دمشقی شافعی، متوفای ۶۸۵ هـ.<sup>۳</sup>

۷۳. عقد الدرر فی تحقیق القول بالمهدی المنتظر، تألیف احمد بن زینی دحلان.

۷۴. عقیده الاسلام فی رفع سیدنا عیسی و نزوله فی آخر الزمان، تألیف محمد ضیاءالدین کردی.

۷۵. عقیده اهل الاسلام فی نزول عیسی، تألیف ابوالفضل عبدالله بن صدیق غماری - معاصر -

۷۶. عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر، تألیف شیخ

جلد ۲، ص ۵۷-۸۶ چاپ شده است.

۱. یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

۲. یک نسخه از آن در کتابخانه سلطنتی برلین موجود است.

۳. نسخه هایی از آن در کتابخانه آیة الله حکیم در نجف، مدرسه ی هندیها در کربلا، علی

پاشا در استانبول، معهد مخطوطات عربی در مصر موجود است، و اخیراً با همت والای

آیة الله حاج شیخ محمد حسین کلیاسی رحمته الله [متوفای نهم رجب ۱۴۱۸ هـ.] از روی نسخه ی

برلین در مصر به چاپ رسیده، سپس در قم و تهران تجدید طبع شده است.

عبدالمحسن عبّاد - معاصر -

۷۷. علائم الظهور، تألیف علی بن حسان الدّین متقی هندی، متوفای ۹۷۵ هـ.

۷۸. علامات الساعة الصّغرى و الكبرى، تألیف لیلی مبروک - معاصر -

۷۹. علامات الساعة في القرآن و السنّة، تألیف شیخ جزاع شمري - معاصر -

۸۰. علامات قیام الساعة الصّغرى و الكبرى، تألیف یوسف بن اسماعیل

نبهانی، متوفای ۱۳۵۵ هـ.

۸۱. علامات القيامة الكبرى، من بعثة النّبی حتی نزول عیسی، تألیف

شیخ عبدالله حجّاج - معاصر -

۸۲. علامات المهدي، تألیف صدرالدّین قونوی، متوفای ۶۷۲ هـ.

۸۳. علامات يوم القيامة، تألیف ابو عبدالله محمّد بن احمد انصاری

قرطبی، متوفای ۶۷۱ هـ.

۸۴. العواصم عن الفتن القواصم، تألیف ابن بریده.

۸۵. فتح المنان شرح الفوز و الامان فی مدح صاحب الزّمان، تألیف

احمد بن علی بن عمر بن صالح عدوی منینی، متوفای ۱۱۷۳ هـ.

۸۶. الفتن، تألیف ابو عبدالله نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۸۸ هـ.

۸۷. الفتن، تألیف ابو صالح احمد بن عیسی سلیلی - قرن چهارم -

۸۸. الفتن، تألیف ابو عمرو، عثمان بن سعید دانی، متوفای ۴۴۴ هـ.

۸۹. الفتن و الملاحم الواقعة فی آخر الزّمان، تألیف ابن کثیر، متوفای

۷۷۴ هـ.

۹۰. الفتوى فی مسألة المهدي المنتظر، شیخ منتصر کتانی<sup>۱</sup>

۱. این جزوه در پاسخ یک مسلمان کتانی، از طرف رابطة العالم الاسلامی (مکه) منتشر

- ۹۱- فرائد الفوائد، تألیف مرعی بن یوسف کرمی مقدسی، متوفای ۱۰۳۱ هـ.<sup>۱</sup>
- ۹۲- فصل المقال فی رفع عیسی علیه السلام حیاً، و فی نزوله و قتله الدجال، تألیف دکتر محمد خلیل هراس.
- ۹۳- القطر الشهیدی فی اوصاف المهدی، تألیف احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ هـ.<sup>۲</sup>
- ۹۴- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تألیف شهاب الدین احمد بن محمد ابن حجر مکی، متوفای ۹۷۳ هـ.<sup>۳</sup>
- ۹۵- کتاب المهدی، برهان الدین، ابراهیم بن محمد خنبلی، مشهور به ابن قیم جوزیه، متوفای ۷۶۷ هـ.
- ۹۶- کتاب المهدی ابو موسی عیسی بن مهران مسعطف.
- ۹۷- مختصر الاخبار المشاعة فی الفتن و اشراط الساعة و اخبار المهدی، تألیف شیخ عبدالله بن سلیمان مشعل - معاصر -
- ۹۸- مختصر القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، تألیف ابن حجر هیثمی، متوفای ۹۷۳ هـ.

شده است. متن غربی آن در «البيان»، ص ۷۶ - ۷۹ و ترجمه‌ی فارسی‌اش در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ»، ص ۱۴۶ - ۱۵۵ و ترجمه لاتینش توسط نگارنده از مرکز اسلامی استانبول منتشر شده است.

۱. نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ی سلیمانیه استانبول موجود است.

۲. همان مدرک، و در سال ۱۲۴۵ هجری در مصر به ضمیمه‌ی کتاب «فتح رب الارباب» چاپ شده است.

۳. نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های برلین و استانبول و دارالکتب مصر موجود است.

۹۹. مرآة الفكر في المهدي المنتظر، تأليف مرعي بن يوسف مقدسي،  
متوفای ۱۰۳۱ هـ.
۱۰۰. مسألة في الغيبة، تأليف قاضي عبدالجبار معتزلي، متوفای ۴۱۵ هـ.
۱۰۱. المسيح عيسى، نزوله في آخر الزمان و قتاله الدجال، تأليف  
مصطفى عبدالقادر عطا - معاصر -
۱۰۲. مشاهدة الآيات في اشراط الساعة و ظهور العلامات، تأليف  
محمد بن مؤيد حموي، متوفای ۶۵۰ هـ.
۱۰۳. المشرب الوردی في مذهب المهدي، تأليف ملا علی قاری  
متوفای ۱۰۱۴ هـ.
۱۰۴. مُشرق الأکوان، تأليف سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي،  
متوفای ۱۲۹۴ هـ.
۱۰۵. الملاحم، تأليف ابوالحسن، احمد بن جعفر بن محمد، ابن  
المنادي، متوفای ۳۳۶ هـ.
۱۰۶. مناقب المهدي، تأليف ابونعيم اصفهاني، متوفای ۴۳۰ هـ.
۱۰۷. من روى من طرق اصحاب الحديث، ان المهدي من ولد الحسين عليه السلام،  
تأليف ابو علی احمد بن محمد بن احمد جرجاني، (مقيم مصر)
۱۰۸. من علامات القيامة الكبرى: المسيح الدجال و اسرار الساعة،  
تأليف محمد احمد سفاريني، متوفای ۱۱۸۸ هـ.
۱۰۹. مهدويّت (ترکی استانبولي)، تأليف ايلهان عوني - معاصر -

۱. یک نسخه از آن در کتابخانهی برلین و شش نسخه از آن در کتابخانهی سلیمانیه استانبول

۱۱۰. مهدویت و اشغال کعبه ( ترکی ) ، تألیف احمد فاروق ( معاصر )
۱۱۱. المهدي ، تألیف عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر ، ابن کثیر ، متوفای ۷۷۴ هـ .
۱۱۲. المهدي ، تألیف ابن قیم جوزیه ، متوفای ۷۵۱ هـ .
۱۱۳. المهدي ، تألیف ابوداود ( صاحب سنن ) متوفای ۲۷۵ هـ .
۱۱۴. المهدي ، تألیف ادریس العراقي المغربي .
۱۱۵. مهدي آل الرسول ، تألیف علی بن سلطان محمد هروی حنفي .
۱۱۶. المهدي الى ما ورد في المهدي ، تألیف محمد بن طولون ، متوفای ۹۳۵ هـ .
۱۱۷. المهدي حقيقة لاخرافة ، تألیف محمد بن احمد بن اسماعیل - معاصر -
۱۱۸. المهدي قيادة و فكرة ، تألیف عبدالرحمن عيسى .
۱۱۹. المهدي المنتظر ، تألیف ابراهيم مشوخي - معاصر -
۱۲۰. المهدي المنتظر ، تألیف جُهیمان بن محمد بن سيف عتيبي ، متوفای ۱۴۰۰ هـ .
۱۲۱. المهدي المنتظر ، تألیف ابوالفضل عبدالله بن محمد بن صدیق غماری - معاصر -
۱۲۲. المهدي المنتظر ، تألیف عبدالله حجاج - معاصر -
۱۲۳. المهدي المنتظر بين الحقيقة و الخرافة ، تألیف عبدالقادر احمد عطا .
۱۲۴. المهدي المنتظر بين العقيدة الدينية و المضمون السياسي ، تألیف محمد فرید حجاب - معاصر -



۱۲۵. المهدی المنتظر فی المیزان، تألیف عبدالمعطی عبدالمقصود.
۱۲۶. المهدی المنتظر و من ینتظرونه، تألیف عبدالکریم خطیب.
۱۲۷. المهدی و اشراف الساعه، تألیف محمد علی صابونی - معاصر -
۱۲۸. المهدیة فی الاسلام منذ اقدم العصور حتی الیوم، تألیف سعد محمد حسن - معاصر -
۱۲۹. المهدیة فی الاسلام، تألیف یوسف کرم.
۱۳۰. نبأ الدجال، تألیف شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، متوفای ۷۴۸ھ.
۱۳۱. النجم الثاقب، تألیف زبیدی و عقیلی.
۱۳۲. النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد ابی طالب، تألیف شمس الدین محمد بن محمد بن عبدالرحمن بن علی بهسینی عقیلی خلوتی شافعی، متوفای ۱۰۰۱ھ.
۱۳۳. نصیحة النبوة فی النجاة من الفتن، تألیف محمد عبدالرحمن عوض - معاصر -
۱۳۴. نظرة غابرة فی مزاعم من ینکر نزول عیسی قبل الآخرة، تألیف محمد زاهد کوثری.
۱۳۵. نظرة فی احادیث المهدی، تألیف محمد خضر حسین مهدی، متوفای ۱۳۷۷ھ.
۱۳۶. نظریه مهدی (اردو)، تألیف محمد حسن لطفی - معاصر -
۱۳۷. النظم الواضح المبین، تألیف عبدالقادر بن محمد سالم.

۱۳۸. نعت المهدی، تألیف ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ.
۱۳۹. الهدایة المهدویة، تألیف ابوالرجا محمد هندی، متوفای ۱۲۹۰ هـ.
۱۴۰. الهدیة الندیة، للامة المحمّدیة فیما جاء فی فضل الذات المهدیة، تألیف قطب الدین مصطفی بن کمال الدین حنفی، متوفای ۱۱۶۲ هـ.<sup>۱</sup>
- در پایان گفتار، تذکر این نکته لازم است که در کتابهای اهل تسنن که روایات حضرت مهدی علیه السلام آورده‌اند، به نقل روایات کلی اکتفا نشده، بلکه از اوصاف و خصوصیات آن حضرت نیز بحث شده است. مثلاً در دهها کتاب از دانشمندان سنی، تصریح شده که «مهدی موعود» فرزندی بلافضل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد.<sup>۲</sup>

### سیری در مسئله‌ی غیبت

جالب توجه این است که تمام مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، در میان توده‌ی مردم در هر عصری مشهور و زبانزد خاص و عام بود و حتی در هر جنبه‌ی آن کتابهای مستقلی نوشته شده است. اگر روزی بتوانیم کتابهایی را که در هر عصری پیرامون حضرت مهدی نوشته شده احصاء کنیم خود یکی از مستدل‌ترین راههای اثبات «اصالت مهدویت» خواهد بود، نگارنده تصمیم داشت این روش بحث را در مورد یکی از مسائل مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در این گفتار دنبال کند و قرعه‌ی فال به نام

۱. مشخصات چاپ و آدرس نسخ خطی این کتابها را در کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام - به قلم نگارنده - ملاحظه فرمائید.

۲. اسامی آنها را در کتاب «موعودی که جهان در انتظار اوست»، ص ۵۱-۶۸ بخوانید.

« مسئله‌ی غیبت » زده شد ، هنگامی که به بحث و تحقیق در این زمینه شروع کرد ، فقط به بحث از کتابهایی پرداخت که پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام کتاب مستقلی پیرامون « غیبت آن حضرت نوشته‌اند :

۱. ابواسحاق ، ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی ، از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بوده و کتابی در « غیبت » نوشته و ابن قولویه با یک واسطه این کتاب را از او روایت کرده است.<sup>۱</sup>

۲. ابوالحسن ، علی بن حسن بن محمد طائی جرمی شاطری ، معاصر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و کتابی به نام « الغیبه » نوشته است.<sup>۲</sup>

۳. ابوالحسن علی بن عمر اعرج کوفی ، از یاران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و مؤلف کتابی به نام « الغیبه ».<sup>۳</sup>

۴. حسن بن علی بن ابی حمزه‌ی بطنینی ، که در عصر امام رضا علیه السلام می‌زیسته و کتابی پیرامون « غیبت » نوشته است.<sup>۴</sup>

۵. ابوالفضل عباس بن هشام ناشری ، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفای ۲۲۰ هـ . و صاحب کتاب « الغیبه ».<sup>۵</sup>

۶. ابومحمد فضل بن شاذان ازدی ، از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفای ۲۶۰ هـ . و صاحب ۱۸۰ جلد کتاب در حمایت از حریم مقدس ولایت ، که

۱. رجال نجاشی ، ص ۲۸ ؛ فهرست شیخ طوسی ، ص ۷۵.

۲. رجال نجاشی ، ص ۱۹۳ ، رجال شیخ طوسی ، ص ۲۵۷ و فهرست شیخ طوسی : ۱۱۸.

۳. رجال نجاشی ، ص ۱۹۴.

۴. قاموس الرجال ، ج ۳ ، ص ۱۹۳ ، رجال نجاشی ، ص ۲۸ ؛ فهرست شیخ طوسی ، ص ۷۵.

۵. رجال نجاشی ، ص ۲۱۵ ؛ رجال شیخ طوسی ، ص ۲۸۴ ؛ فهرست شیخ طوسی : ۱۴۷.

یکی از آنها کتاب «الغیبه» است.<sup>۱</sup>

۷. همچنین کتابهای فراوانی از معاصرین امام حسن عسکری علیه السلام مانند «ابراهیم بن اسحاق»<sup>۲</sup> و معاصرین نواب اربعه، مانند «محمد بن قاسم بغدادی» متوفای ۳۳۲<sup>۳</sup> به نام «الغیبه» به یادگار مانده است.

فهرست بالا مربوط به کسانی است که پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام کتاب مستقلی در موضوع «غیبت» نوشته‌اند، وگرنه در صدها کتاب پیش از ولادت آن حضرت موضوع غیبت مطرح شده است، مثلاً حسن بن محبوب یکی از محدثین مورد اعتماد، صد سال پیش از ولادت حضرت مهدی، احادیث مربوط به غیبت را در «مشیخه‌ی» خود آورده است.<sup>۴</sup>

### مدعیان مهدویت

یکی دیگر از دلایل روشن اصالت مهدویت، مدعیان مهدویت است، از پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تا به امروز در هر عصری فرد یا افرادی پیدا شده که به دروغ ادعای مهدویت کرده‌اند، خود این مسئله از دلایل اصالت موضوع مهدویت است، زیرا اگر چیزی اصالت نداشته باشد هرگز تقلبی آن یافت نمی‌شود، چون همواره اشیاء تقلبی را می‌سازند تا به جای اصلی آن را قالب کنند، شما حتماً در زندگی با ۵ ریالی تقلبی و ۱۰ ریالی

۱. رجال نجاشی، ص ۲۲۵؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۰؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۰.

۲. رجال نجاشی، ص ۱۵۵؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۲۹.

۳. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۰.

۴. اعلام الوری، ص ۴۱۶.

تقلّبی روبرو شده‌اید ولی هرگز با ۷ ریالی تقلّبی مواجه نشده‌اید، چرا؟  
 پر واضح است که هیچ دیوانه‌ای به فکر ساختن ۷ ریالی تقلّبی نخواهد  
 افتاد، زیرا ۷ ریالی اصالت ندارد و هر چیزی که اصالت و واقعیت ندارد،  
 تقلّبی آن مفهوم ندارد.

در تاریخ، « فرعون‌ها » ادّعی خدایی کرده‌اند، چون « خدا » اصالت  
 دارد و اصالتش برای همگان روشن و ثابت است، از این رهگذر عده‌ای  
 خواسته‌اند که خود را به جای آن حقیقت و واقعیت جا بزنند.  
 « مسلیمه‌ها » ادّعی نبوت کرده‌اند، چون نبوت اصالت دارد و عده‌ای  
 خواسته‌اند که خود را به جای آن قالب کنند، « مهدویت » نیز اصالت دارد  
 و لذا عده‌ای چون « علیمحمد باب » خواسته‌اند خود را به جای مهدی  
 واقعی جا بزنند، از این رهگذر وجود « متمهدی » ها ( مدّعیان دروغگوی  
 مهدویت ) خود یکی از دلایل اصالت و واقعیت مهدویت است.

\*

## نقش امام زمان در جهان هستی

از امام غایب چگونه استفاده می‌شود؟

در این گفتار به یکی از شایع‌ترین پرسش‌ها در مورد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ خواهیم گفت، و آن این‌که: در زمان غیبت که دست مردم از دامن آن حضرت کوتاه است و آن جمال الهی از دیدگان ما ناپدید است نحوه‌ی استفاده‌ی ما از آن حضرت، چگونه است؟

خوشبختانه این پرسش در روایات متعددی مطرح شده و پاسخ آن از پیشوایان دین رسیده است که ما در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. جابر بن عبدالله انصاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برخوردار می‌شوند؟ فرمود: «أَيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ، إِنَّهُمْ لَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ، كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ»:

«آری، قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت،

از وی تفع می‌برند و از نور ولایتش کسب نور می‌کنند، همچنان که از خورشید استفاده می‌کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار بگیرد»<sup>۱</sup>.

آنگاه خطاب به جابر فرمود:

«يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْتُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَاكْتُمُهُ  
إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ»:

«ای جابر! این از گنجینه‌های اسرار الهی و از رازهای دانش پروردگار است، آن را مکتوم بدار، مگر از اهلیش»<sup>۲</sup>.

۲. از پیشوای چهارم شیعه، حضرت امام سجّاد علیه السلام پرسیدند: شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چگونه استفاده می‌کنند؟ فرمود: «آن چنان که از خورشید استفاده می‌کنند هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد»<sup>۳</sup>.

۳. ششمین پیشوای شیعه فرمود: از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفرید تا روز رستاخیز زمین خالی از حجّت نبوده و نخواهد بود. یا حجّت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان. راوی پرسید از امام غایب چگونه استفاده می‌شود؟ فرمود: «كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»:

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۵۰.

۲. اعلام الوری، ص ۳۷۵؛ کفایة الأثر، ص ۵۵۳؛ بیابیع المودّة، ج ۳، ص ۲۳۸ و ۳۹۹.

۳. نظریة الامامة، ص ۴۱۳.

«آن چنان که از خورشید استفاده می شود هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد»<sup>۱</sup>.

۴. در توفیق مبارکی که از ناحیه ی مقدسه ، به توسط دوّمین نائب خاص ؛ «محمد بن عثمان» به اسحاق بن یعقوب صادر شده است ، چنین می نگارد:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْفَاعِ [بِهِ] فِي غَيْبَتِي ، فَكَأَلِإِنْفَاعِ الشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»:

«اما چگونه استفاده ی مردم از من ، بسان استفاده ی آنهاست از خورشید هنگامی که در پشت ابر پنهان شود»<sup>۲</sup>.

### خورشید فروزان در پشت ابرهای تار

در پاسخ چهار تن از پیشوایان دین ، خواندیم که همگی تصریح می کنند بر این که :

در زمان غیبت از فیوضات ناپیدا کرانه ی ناموس دهر امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - همگان برخوردار هستند ، بسان استفاده ی آنان از خورشید ، هنگامی که در پشت ابر قرار گیرد.

۱. امالی صدوق ، ص ۱۵۷ ، کمال الدین ، ج ۱ ، ص ۲۰۷ ، بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۹۲ ، فرائد السمطين ، ج ۱ ، ص ۴۶ ؛ ينابيع المودة ، ج ۱ ، ص ۷۶ و ج ۲ ، ص ۲۶۱ .  
 ۲. غیبت شیخ طوسی ، ص ۱۷۷ ، بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۱۸۱ ، کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۸۵ ، احتجاج طبرسی ، ص ۴۷۱ ، اعلام الوری ، ص ۴۲۴ ، کشف الغمّه ، ج ۳ ، ص ۳۲۲ ، النوادر فیض کاشانی ، ص ۱۶۴ ، کلمة الامام المهدي ، ص ۲۲۵ ؛ المختار من کلمات الامام المهدي ، ج ۱ ، ص ۲۹۴ .



و لکن هزار نکته‌ی باریکتر از مو اینجاست که چرا امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟  
 برای روشن شدن نکات لطیف ناچاریم موقعیت امام را در جهان هستی و نقش خورشید را در منظومه‌ی شمسی مورد بحث و بررسی قرار دهیم، و آن نیازمند مقدمه‌ی زیر است!

### هسته‌ی مرکزی جهان هستی

مشیت الهی بر این جاری شده که در میان هر مجموعه‌ای از جهان هستی مرکز و محوری قرار دهد که آن مجموعه به گرد آن محور بچرخد و هستی آن مجموعه در پرتو همان هسته‌ی مرکزی ثابت و استوار باشد. این قانون تمام موجودات جهان آفرینش را فرا می‌گیرد، «اتم» که ریزترین موجودات جهان است و «کهکشان» که بزرگترین موجود جهان شناخته می‌شود، از این قانون مستثنی نیستند.

برای مطالعه در مورد اتمها، کافیت که مشتی خاک یا جرعه‌ای آب را در نظر بگیرید و با نیروی علم در درون آن به مطالعه بپردازید.

فی‌المثل یک قطره آب را در نظر می‌گیریم و اجزاء آن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، یک قطره آب از  $1/000/000$  مولکول (ریزترین جزء یک جسم مرکب) تشکیل یافته است، و می‌دانیم که هر مولکول آب از یک اتم اکسیژن و دو اتم هیدروژن ترکیب شده است ( $H_2O$ ) از این رهگذر معلوم می‌شود که در هر قطره‌ی آب  $3/000/000$  اتم (ریزترین جزء یک عنصر ساده) وجود دارد.

هر یک از اتمهای گوناگون از دو قسمت متمایز تشکیل شده‌اند:

۱. الکترونها، یا گرده‌هایی که به دور هسته‌ی مرکزی در حرکتند و دارای بار الکتریکی منفی هستند.
۲. هسته‌ی مرکزی، شامل پروتونها با بار الکتریکی مثبت و نوترونها که از نظر بار الکتریکی خنثی هستند و پوزیترونها و هیپرونها و مزونها، و ذرات دیگری که تا کنون بیش از ۳۰ نوع آن کشف شده است.

\*\*\*

می‌دانیم که دو بار الکتریکی که یکی مثبت و دیگری منفی باشد همدیگر را به سوی خود جذب می‌کنند. روی این حساب باید در هر اتمی پروتونها، الکترونها را جذب کنند و در آغوش یکدیگر قرار گیرند. نظر به اینکه پروتونها بزرگترین قسمت تشکیل دهنده‌ی «اتم» هستند و بیش از  $\frac{999}{1000}$  وزن اتم را تشکیل می‌دهند، و در حدود ۱۸۳۶ بار بزرگتر از الکترونها می‌باشند، و جاذبه‌ی یک جسم، تناسب مستقیم با وزن آن دارد. بدیهی است که پروتونها، الکترونها را به سوی خود جذب خواهند کرد و بدین طریق الکترونها به روی پروتونها خواهد ریخت، و انفجار اتمی پیش خواهد آمد و چون این موضوع با یک فعل و انفعال زنجیره‌ای در تمام اتمهای جهان روی خواهد داد، در نتیجه با انفجار میلیاردها اتم، دنیا به خاک و خون کشیده خواهد شد و جهان هستی دیار نیستی را در پیش خواهد گرفت.

آنچه از بروز چنین حادثه‌ی مرگباری جلوگیری می‌کند تدبیر خداوند حکیم است که در برابر این جاذبه‌ی شدیدی که در اجزاء تشکیل دهنده‌ی اتم هست، یک نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی هم به الکترونها داده، تا در

اثر حرکت دورانی بسیار سریعی که به دور هسته‌ی مرکزی خود (پروتونها) دارند با سرعت سرسام‌آوری از مرکز خود دور نشوند و در پرتو تعادل این دو نیرو (جاذبه و دافعه) الکترونها با نظم شگفت‌انگیزی گردش خود را در مدارات تعیین شده دنبال کنند و اتمهای جهان به هستی خود ادامه دهند.

بدیهی است که اگر میزان جاذبه‌ی پروتونها کمی بیش از نیروی دافعه‌ی (گریز از مرکز) الکترونها بود، الکترونها به سوی هسته‌ی مرکزی خود کشیده می‌شدند و در دوران خود انفجار اتمی به بار آورده، هستی خود را به باد می‌دادند، و اگر نیروی گریز از مرکز الکترونها کمی بیش از میزان جاذبه‌ی پروتونها بود، الکترونها در اثر سرعت سرسام‌آور خود، جاذبه‌ی پروتونها را می‌شکستند و از حومه‌ی مغناطیسی آنها فرار کرده، به درون اتمهای مجاور وارد می‌شدند، و یا ایجاد انفجار اتمی بسیار نیرومندی، جهانی را به خاک و خون می‌کشیدند.

روی این بیان نقش هسته‌ی مرکزی اتم در جلوگیری از انفجار اتمی به خوبی روشن می‌شود، زیرا انفجار اتمهای موجود در یک لیوان آب برای نابودی جهان کافیهست. و تنها چیزی که از آن جلوگیری می‌کند، تعادل جاذبه و دافعه‌ی ذرات اتمی مولکولهای آن است.

### هسته‌ی مرکزی منظومه‌ی شمسی

اینک قدمی فراتر نهاده، سیر کوتاهی در منظومه‌ی شمسی خود به عمل آوریم:

در منظومه‌ی شمسی ما، طبق هیئت جدید، خورشید در مرکز آن قرار

گرفته و کرات دیگر ( به ترتیب عطارد ، زهره ، زمین ، مریخ ، مشتری ، زحل ، اورانوس ، نپتون و پلوتون ) در فواصل معین و در مدارهای منظمی به دور آن می‌گردند.

در منظومه نیز به طوری که توضیح خواهیم داد ، عامل بقای آن تعادل جاذبه و دافعه می‌باشد و بس.

دیگر منظومه‌های کهکشان ما که بالغ بر  $30/000$  می‌باشند ، از این قانون مستثنی نیستند ، و اگر گامی فراتر نهاده نظری به سایر کهکشانها پیاندازیم مشاهده خواهیم کرد که شالوده‌ی تمام کهکشانها که بیش از ۲۰۰ میلیارد آن تاکنون کشف شده ، براساس همان قانون استوار است. ولی نظر به این که اطلاعات ما در مورد کهکشان خود بیش از کهکشانهای دیگر ، و در زمینه‌ی منظومه‌ی خود بیش از دیگر منظومه‌ها می‌باشد ، به نقش خورشید در منظومه‌ی خود می‌پردازیم :

مطابق هیئت جدید تمام کرات این منظومه با نیروی مرموزی به نام « گریز از مرکز » با سرعت سرسام‌آوری از مرکز خود ( خورشید ) دور می‌شوند و خورشید که در وسط منظومه قرار دارد با نیروی عظیم و با سرعت شگرفی معادل سرعت گریز آنها ، آنها را به سوی خود جذب می‌کند و تعادل همین دو نیرو ( جاذبه و دافعه ) توده‌ی کرات منظومه را در مدار خود با فاصله‌ی ثابتی در اطراف خورشید به گردش می‌آورد.

فی‌المثل کره‌ی خاکی ما با ۵۹۵۵ میلیارد تن وزن در حدود ۴۰۰۰ میلیون سال است که با سرعت سرسام‌آوری (  $106200$  کیلومتر در ساعت ) به دور هسته‌ی مرکزی خود ( خورشید ) می‌گردد.

در اثر این حرکت سریع، نیروی گریز از مرکز بسیار نیرومندی هر لحظه گره‌ی خاکی ما را از مرکز خود دور می‌کند، و در مقابل، خورشید با جاذبه‌ی نیرومند خود، آن را به سوی خود جذب می‌کند، تعادل این دو نیرو، زمین را در مدار منظم خود به گردش می‌آورد.

البته زمین نیز خورشید را به سوی خود جذب می‌کند. ولی چون جاذبه‌ی یک جسم با وزن آن تناسب مستقیم دارد، جاذبه‌ی زمین نمی‌تواند در خورشید اثر بگذارد، روی این حساب چون در فاصله‌ی متساوی، مقدار جاذبه متناسب با جرم جسم جذب کننده است. پس خورشید که ۳ میلیون و ۳۳۰ هزار مرتبه از زمین سنگین تر است، جاذبه‌ی آن تیز به همان اندازه بیشتر است. آن مقدار نیروئی که در اثر جاذبه‌ی خورشید به گره‌ی ما وارد می‌شود، دقیقاً معادل است با نیروی دافعه‌ای که زمین در اثر حرکت دورانی خود کسب می‌کند. تعادل این دو نیرو، زمین را در مدار معین خود به گردش می‌آورد و بقای هستی آن را تضمین می‌کند، زیرا اگر میزان جاذبه‌ی خورشید کمی بیشتر از نیروی گریز از مرکز زمین بود، زمین در یک لحظه، به سوی خورشید کشیده می‌شد و به مجرد برخورد با سطح خورشید متلاشی شده با همه‌ی ساکنانش رهسپار دیار نیستی می‌گردید. و اگر نیروی گریز از مرکز زمین کمی بیش از میزان جاذبه‌ی خورشید بود، زمین با شکستن جاذبه‌ی خورشید و فرار از حوزه‌ی مغناطیسی آن در فضای بیکران پخش و متلاشی می‌شد و هستی خود را از دست می‌داد.

پس اگر یک لحظه جاذبه‌ی خورشید قطع شود، زمین و دیگر کرات منظومه، هستی خود را از دست داده، و محو و نابود خواهند شد. زیرا

بر اساس هیئت جدید تنها عامل بقای کرات همان جاذبه‌ی خورشید و تعادل آن با نیروی گریز از مرکز آنهاست.

از این رو موقعیت خورشید در منظومه‌ی ما روشن می‌شود و معلوم می‌گردد که اگر یک لحظه جاذبه‌ی آن به کرات منظومه نرسد، همه‌ی آنها محکوم به فنا و نابودی شده و راه دیار نیستی را در پیش خواهند گرفت.

### جان جهان

در مقدمه‌ی بالا موقعیت خورشید به طور فشرده، تجزیه و تحلیل گردید و ضمناً معلوم شد که قانون خلقت و ناموس طبیعت بر اساس هسته‌ی مرکزی استوار است، و در میان هر هسته از موجودات جهان محور و هسته‌ای وجود دارد که عامل بقای آن مجموعه از موجودات می‌باشد، و به « هسته‌ی مرکزی » موسوم است. اینک بینیم جهان انسانها که شریفترین و گرامی‌ترین موجود جهان هستی است، به دور کدام محور می‌چرخد و در پرتو کدام هسته‌ی مرکزی به زندگی خود ادامه می‌دهند؟

بدیهی است که قلب عالم امکان و هسته‌ی مرکزی جهان هستی وجود مقدس امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - می‌باشد. از اینجا نکته‌ی تشبیه امام زمان علیه السلام به خورشید فرزانه در زبان اخبار روشن می‌شود. زیرا که امام زمان علیه السلام بسان آفتاب جهان تاب رمز بقای جهان انسانیت است و جهان انسانها به دور آن محور می‌چرخد.

و اگر یک لحظه پیوند انسانها از آن « هسته‌ی مرکزی » قطع شود، همگی محکوم به فنا و سقوط در دره‌ی هلاکت می‌باشند. و تعبیر پیشوایان

دین به همین معنی ناظر است، آنجا که می‌فرماید: «لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»: «اگر لحظه‌ای حجت خدا در روی زمین نباشد زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد».

این حقیقت در احادیث فراوانی از رسول گرامی اسلام و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در مقام تبیین نقش حجج الهی در نگهداری نظام هستی به ما رسیده است که به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌کنیم:

۱. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خطاب به امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمود:

«إِنِّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زَرُّ الْأَرْضِ  
- أعنى أوتادها و جبالها - بِنَا أَوْتَدَ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ  
بِأَهْلِهَا، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ وُلْدِي سَاخَتْ الْأَرْضُ  
بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرُوا»:

«من و یازده تن از فرزندانم و تو ای علی! لنگرهای زمین هستیم، خداوند به وسیله‌ی ما زمین را استوار کرده که ساکنانش را در دل خود فرو نبرد، هنگامی که دوازده فرزندم از روی زمین بروند، زمین ساکنانش را در دل خود فرو می‌برد و به آنها مهلت داده نمی‌شود»<sup>۱</sup>.

این حدیث با اندک تغییری در صدر آن، در منابع فراوانی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت شده است.<sup>۲</sup>

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۹؛ تقریب المعارف، ص ۱۷۵۵؛ اثبات الهداة، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲. و در حدیث دیگری فرمود:

«لَنْ يَزَالَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ، فَإِذَا مَضَوْا سَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»:

«تا پایان [امامت] دوازده تن از قریش، این دین پا برجاست. هنگامی که آنها رخت پربندند، زمین ساکنانش را در کام خود فروبرد».<sup>۱</sup>

۳. و در خطبه‌ای که در آخری روزهای عمر خود ایراد کرد فرمود:

«مَاشِرَ النَّاسِ كَأَنِّي أُدْعَى فَأَجِيبْ، وَإِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّنَا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْهُمْ، وَلَوْ خَلَّتْ إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»:

«ای توده‌های مردم! گویی نزدیک است که فرا خوانده شوم و دعوت حق را لیتک گویم. من در میان شما دو امانت گرانبها نهادم: کتاب خدا و عثرت خود اهل بیتم را. اگر به آن دو چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد. از آنها فراگیرید و در صدد تعلیم آنها نباشید که آنها از شما داناترند. روی زمین از آنها خالی نمی‌ماند، و اگر خالی بماند اهل خود را در کام خود فروبرد».<sup>۲</sup>

۴. پس از نزول آیه‌ی شریفه‌ی: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»: «تو

۱. اعلام الوری، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۶۷.

۲. کفایة الأثر، ص ۱۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۳۸؛ مدینة البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۰؛

ینابیع المودّة، ج ۱، ص ۷۴.



بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایتگری هست». <sup>۱</sup> رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«آن بیم دهنده من هستم، آیا می‌دانید که هدایتگر کیست؟».

عرضه داشتند: «نه یا رسول الله».

به امیر مؤمنان علیه السلام اشاره فرمودند و بخشی از فضائل امیر مؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت را بازگو کردند و در پایان فرمودند:

«هُوَ الْإِمَامُ، أَبُو الْأَيْمَّةِ الزُّهْرِي»:

«او امام است و پدر امامانِ نوحشان».

پرسیدند: یا رسول الله امامان بعد از شما چند نفر هستند؟ فرمود:

«إِثْنَا عَشَرَ عَدَدَ نُبِيَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا، لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلَّا سَاخَتْ بِأَهْلِهَا»:

«دوازده تن به تعداد نبیاء بنی اسرائیل می‌باشند. مهدی این امت نیز از ماست. خداوند به وسیله‌ی او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، به طوری که پر از جور و ستم شده است. زمین از آنها خالی نخواهد شد، مگر این که اهل خود را در کام خود فروبرد».<sup>۲</sup>

۵. امام زین العابدین علیه السلام در یک روایت طولانی از نقش امامان در

۱. سوره‌ی رعد: آیه‌ی ۷.

۲. کفایة الأثر، ص ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۱۶.

رخدادهای جهان به تفصیل سخن گفته، در فرازی از آن می‌فرماید:

«وَبِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ يَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ،  
وَبِنَا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَيَخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، وَلَوْلَا مَا فِي  
الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»:

«خداوند به وسیله‌ی ما نمی‌گذارد که زمین اهل خود را  
پریشان سازد، و به وسیله‌ی ما باران را می‌فرستد، و به  
وسیله‌ی ما رحمتش را می‌گستراند، و به وسیله‌ی ما برکات  
زمین را خارج می‌سازد، و اگر نبود امامی از ما در روی زمین،  
زمین اهل خود را در کام خود فرو می‌برد».<sup>۱</sup>

۶. امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود:

«لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا، كَمَا  
يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»:

«اگر یک ساعت امام از روی زمین برداشته شود، زمین  
ساکنانش را در نوردد، آن چنانکه دریا به هنگام طوفان -  
ساکنانش را در می‌نوردد».<sup>۲</sup>

این حدیث با اندک اختلافی در تعبیر به سند دیگری نیز از امام باقر علیه السلام  
روایت شده است.<sup>۳</sup>

۱. فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۶، ينابيع المودة، ج ۱، ص ۷۵، ج ۳، ص ۳۶۰، امالی شيخ

صدوق، ص ۱۵۷؛ کمال الدين، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. کمال الدين، ج ۱، ص ۲۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴.

۳. غيبت نعماني، ص ۱۳۹؛ بصائر الدرجات، ص ۵۰۸.

۷. پیشوای پنجم شیعیان در حدیث دیگری فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِإِلاَّ إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا»:

«اگر یک روز امامی از ما در روی زمین نباشد، زمین اهل خود را در کام خود فرو برد».<sup>۱</sup>

۸. امام صادق علیه السلام در همین رابطه می فرماید:

«وَ لَوْلَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ، لَنَقَضَتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا وَ أَلْقَتْ مَا عَلَيْهَا، إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ»:

«اگر آن حجتهای پروردگار در روی زمین نبودند، زمین هر چه در درون دارد بیرون می ریخت، و آنچه بر فراز خود دارد دور می انداخت، زمین حتی یک ساعت از حجّت خدا خالی نمی شود».<sup>۲</sup>

۹. ابو حمزه‌ی ثمالی به خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد:

«آیا ممکن است که روی زمین خالی از حجّت باشد؟»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»:

«اگر زمین خالی از امام بماند فرو ریزد».<sup>۳</sup>

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۳۴.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ غیبت نعمانی، ص ۱۳۸؛ علل الشرایع، ص ۱۹۸؛ بصائر

۱۰. و در نقلی دیگر فرمود :

«لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ»:

«اگر یک ساعت روی زمین خالی از امام بماند فرو ریزد»<sup>۱</sup>

۱۱. امام صادق علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی در همین رابطه

فرمود :

«وَلَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ

بِأَهْلِهَا»:

«اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی باشد اهل خود را

در کام خود فرو می برد»<sup>۲</sup>.

۱۲. به خدمت امام رضا علیه السلام عرض شد :

«آیا ممکن است روی زمین خالی از حجت بماند؟» فرمود : «نه».

راوی گفت : از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده که فرمود :

«زمین خالی از حجت نمی ماند، مگر این که خداوند بر

اهل زمین غضب فرماید».

امام هشتم فرمود :

«لَا تَبْقَى، إِذَا لَسَاخَتْ»:

«خالی نمی ماند وگرنه فرو می ریزد»<sup>۳</sup>.

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۵۱، ص ۱۱۳.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹؛ غلل الشرایع، ص ۱۹۸؛ عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

۱۳. در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام پرسیدند :

« آیا ممکن است که زمین باشد و امامی بر فراز آن نباشد ؟ ».

امام علیه السلام فرمود :

« لا، إِذَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا »:

« نه، زیرا در آن صورت اهل خود را در کام خود فرو برد. »<sup>۱</sup>

۱۴. امام رضا علیه السلام در فرازی از یک حدیث طولانی در همین رابطه فرمود :

« لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا، كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ

بِأَهْلِهِ »:

« اگر یک روز زمین خالی از حجّت باشد، اهل خود را در

نوردد، آن چنانکه دریا - به هنگام طوفان - اهل خود را

درمی نوردد. »<sup>۲</sup>

۱۵. و در حدیث دیگری در پاسخ پرسشی فرمود :

« مَعَاذَ اللَّهِ، لَا تَبْقَى سَاعَةٌ، إِذَا لَسَاخَتْ »:

« به خدا پناه می برم، حتی یک ساعت هم باقی نمی ماند، بلکه

اهل خود را در کام خود فرو می برد. »<sup>۳</sup>

۱۶. و در همین رابطه فرمود :

« لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا »:

۱. عیون الاخبار، ص ۲۱۲، علل الشرایع، ص ۱۹۸.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۲؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۵.

۳. همان مدرک.

«اگر زمین به مقدار یک چشم بر هم نهادن خالی از حجّت باشد، اهل خود را در کام خود فرو می برد»<sup>۱</sup>.

۱۷. علامه‌ی مجلسی رحمته الله در جلد «السماء و العالم» احادیثی را از کتاب «تاریخ قم» در مورد شرافت و جلالت قم نقل می‌کند، در این میان دو حدیث از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در آنها نقش قم در زمان غیبت و نشر احادیث و علوم آل محمد صلی الله علیه و آله از قم به همه‌ی اکناف جهان به تفصیل بیان شده، در این دو حدیث تأکید شده که در زمان غیبت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه - شهر قم و ساکنان آن جایگزین حجّت خدا می‌شوند، سپس آمده است:

«و لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»:

«اگر چنین نبود، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد»<sup>۲</sup>.

۱۸. و در فرازی از زیارتنامه‌ی امام حسین علیه السلام خطاب به آن حضرت

می‌خوانیم:

«و بِكُمْ يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا»:

«خداوند به وسیله‌ی شما زمین را نمی‌گذارد که ساکنانش را در کام خود فرو برد»<sup>۳</sup>.

پس اگر آفتاب عالمتاب، مدتی در پشت ابرهای تیره و تاریک پنهان شود

۱. غل الشرایع، ص ۱۹۹؛ عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

۲. بحار الأنوار ج ۶۰، ص ۲۱۳.

۳. بحار الأنوار ج ۱۰۱، ص ۲۱۲.

نور و حرارت آن کاملاً به انسانها و جانوران و گیاهان نرسد، باز هم یک اثر مهمش همواره عاید جهانیان هست و آن این که در پرتو جاذبه‌ی آن، تمام کرات منظومه به زندگی خود ادامه می‌دهند و رهسپار دیار نیستی نمی‌شوند. و اگر خورشید فروزان جهان انسانیت قائم آل محمد علیهم‌السلام مدتی در پشت پرده‌ی غیبت نهان شود، و آن دست نیرومند الهی در آستین غیبت فرو رود و دست انسانها از دامن پر فیضش کوتاه گردد. یک فیض بسیار عظیمش همواره شامل حال جهانیان می‌باشد، و آن این که در پرتو آن وجود مقدس جهان هستی به بقای خود ادامه می‌دهد و زمین ساکنانش را در کام خود فرو نمی‌برد. و آسمان بر سر انسانها فرو نمی‌ریزد. و خداوند متعال به برکت وجود او رشته‌ی فیوضاتش را از انسانها قطع نمی‌کند.

روی این بیان در زمان غیبت نیز جهان از وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام برخوردار است و در پرتو وجودش دیار نیستی را نمی‌پیمایند و به زندگی خود ادامه می‌دهند. و از اینجا نکته‌ی تشبیه امام زمان علیه‌السلام در زمان غیبت به خورشید نهان در پشت ابر روشن می‌گردد.

علاوه بر این: «امام چنان که وظیفه‌ی راهنمایی ظاهری را به عهده دارد، ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز به عهده دارد و حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد.»<sup>۱</sup>

در پرتو همین رابطه‌ی درونی و پیوند معنوی انسانها با امام است که از جهان چهارپایان پا فراتر نهاده، در زمره‌ی انسانها قرار گرفته‌اند. و اگر

۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۴؛ شیعه در اسلام، از علامه طباطبائی، ص ۱۵۲.

یک لحظه این پیوند درونی قطع شود به عهد جاهلیت برگشته ، در زمره‌ی حیوانات قرار می‌گیرند.

و حدیث معروف به همین مطلب اشاره می‌کند ، آنجا که می‌فرماید :

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» :

«هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد بر عهد جاهلیت مرده است»<sup>۱</sup>.

\*



## منابع

- ۱- الآثار الباقية عن القرون الخالية، ابوریحان محمد بن احمد بیرونی، متوفای ۴۴۰ هـ. چاپ میراث مکتوب، ۱۳۸۰ ش، تهران.
- ۲- آینه‌ی آئین مزدیسنا، کیخسرو، پور شاهرخ کرمانی.
- ۳- الأئمة الاثنا عشر، شمس‌الدین محمد بن طولون، متوفای ۹۵۳ هـ. چاپ ۱۹۵۸ م. قاهره.
- ۴- الاتحاف بحب الاشراف، شیخ عبدالله بن محمد بن عامر شبروای، متوفای ۱۱۷۱ هـ. چاپ قاهره.
- ۵- اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هـ. چاپ ۱۳۹۹ هـ. قم.
- ۶- اثبات الوصیة، علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۹ هـ. چاپ نجف.
- ۷- احتجاج طبرسی، ابومنصور احمد بن علی طبرسی - قرن ششم - چاپ ۱۴۰۱ هـ. بیروت.
- ۸- الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، (متوفای ۳۵۴ هـ.) علاء‌الدین علی بن بلیان فارسی حنفی، متوفای ۷۳۹ هـ. چاپ ۱۴۰۷ هـ. بیروت.
- ۹- احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری، مستشهد ۱۱۰۹ هـ. چاپ قم.

- ۱۰- اخبار الدول، احمد بن يوسف دمشقی قرمانی، متوفای ۱۰۱۹ هـ. چاپ قاهره.
- ۱۱- اختصاص شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. چاپ قم.
- ۱۲- اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ دانشگاه مشهد.
- ۱۳- اربعین، شیخ بهائی، متوفای ۱۰۳۱ هـ. چاپ ۱۳۵۷ ش. تبریز.
- ۱۴- ارشاد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، متوفای ۴۱۳ هـ. چاپ ۱۴۱۳ هـ. قم.
- ۱۵- ازالة الغین، حیدر علی فیض آبادی، متوفای ۱۲۰۵ هـ. چاپ دهلی.
- ۱۶- استقصاء الأفحام، میرحامد حسین، متوفای ۱۳۰۶ هـ. چاپ ۱۳۱۵ هـ.
- ۱۷- اسعاف الراغبین، محمد، ابن صبان مصری شافعی، متوفای ۱۲۰۶ هـ. در حاشیه‌ی نورالابصار شبلنجی، چاپ بیروت.
- ۱۸- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۹- الأعلام، خیر الدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ هـ. چاپ ۱۹۸۰ م. بیروت.
- ۲۰- اعلام الوری، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی - قرن ششم - چاپ ۱۳۹۹ هـ. بیروت.
- ۲۱- اعیان الشیعه، سید محسن جبل عاملی، متوفای ۱۳۷۱ هـ. چاپ ۱۴۰۳ هـ. بیروت.
- ۲۲- الافصاح، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. چاپ تهران.
- ۲۳- اقبال الاعمال، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۴- الزام الناصب، شیخ علی یزدی، متوفای ۱۳۴۳ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۵- الامالی، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. چاپ ۱۴۰۰ هـ. بیروت.
- ۲۶- الامام الجواد من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، متوفای ۱۴۱۵ هـ. چاپ ۱۴۱۴ هـ. قم.

- ۲۷ - الامام المهدی من المهدی الی الظهور، سید محمد کاظم قزوینی، متوفای ۱۴۱۵ هـ. چاپ ۱۴۰۵ هـ. قم.
- ۲۸ - الإمامة و التبصرة، علی بن حسین بن بابویه قمی، متوفای ۳۲۹ هـ. چاپ ۱۴۰۷ هـ. بیروت.
- ۲۹ - الامامة و اهل البيت، دکتر محمد بیومی مهران، معاصر، چاپ ۱۹۹۳ م. بیروت.
- ۳۰ - الاموال، حمید بن رنجویه، متوفای ۲۵۱ هـ. چاپ ریاض.
- ۳۱ - انتظار مسیحا، در آیین یهود، جولیس کرینستون، ترجمه‌ی حسین توفیقی، چاپ ۱۳۷۷ ش. قم.
- \* انجیل لوقا، متی و مرقس کے عہدین
- ۳۲ - اهل البيت فی المكتبة العربیة، سید عبدالعزیز طباطبائی، متوفای ۱۴۱۶ هـ. چاپ ۱۴۱۷ هـ. قم.
- ۳۳ - اوپانیشاد، ترجمه‌ی شاهزاده محمد داراشکوه، فرزند شاهجهان، چاپ دوم ۱۳۵۶ ش. تهران.
- ۳۴ - اوستا، نامہ‌ی مینوی آیین زرتشت، جلیل دوستخواہ، انتشارات مروارید، چاپ پنجم، ۱۳۶۴ ش. تهران.
- ۳۵ - الايضاح، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ هـ. چاپ ۱۳۶۳ ش. تهران.
- ۳۶ - بحار الأنوار، علامہ‌ی مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. چاپ تهران.
- ۳۷ - البدء و التاريخ، احمد بن سهل بلخی، متوفای ۳۲۲ هـ. چاپ ۱۸۹۹ م. پاریس.
- ۳۸ - البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ. چاپ تهران.
- ۳۹ - البرهان علی وجود صاحب الزمان، سید محسن امین، متوفای ۱۳۷۱ هـ. چاپ ۱۳۹۹ هـ. تهران.
- ۴۰ - بريقة المحمودیة، شیخ ابوسعید خادمی حنفی، متوفای ۱۱۶۸ هـ. چاپ قاہرہ.

- ۴۱ - بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، متوفای ۲۹۰ هـ. چاپ ۱۴۰۴ هـ. تهران.
- ۴۲ - البلد الامین، شیخ ابراهیم کفعمی، متوفای ۹۰۰ هـ. چاپ تهران.
- ۴۳ - البیان فی أخبار صاحب الزمان، محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ هـ. چاپ ۱۳۹۹ هـ. بیروت.
- ۴۴ - پیرامون معرفت امام، حاج شیخ لطف الله صافی - معاصر - چاپ ۱۴۰۲ هـ. تهران.
- ۴۵ - پیشگوییهای نوستر آداموس، بانواریکا چاتهام - معاصر - ترجمه‌ی پوران فرخزاد، چاپ ۱۳۶۹ ش. تهران.
- ۴۶ - تاج الموالید، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ ۱۳۹۶ هـ. قم - در ضمن مجموعه‌ی نفیسه -
- ۴۷ - تاریخ ابن وردی، عمر بن مظفر حلبی شافعی، متوفای ۷۴۹ هـ.
- ۴۸ - تاریخ الاسلام، شمس‌الدین محمد بن احمد ذهبی، متوفای ۷۴۸ هـ. چاپ ۱۴۱۰ هـ. بیروت.
- ۴۹ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، چاپ دوم ۱۳۶۷ ش. تهران.
- ۵۰ - تاریخ الخلفاء، جلال‌الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ. چاپ قاهره.
- ۵۱ - تاریخ الخمیس، حسین بن محمد دیار بگری، متوفای ۹۶۶ هـ. چاپ ۱۳۰۲ هـ. مصر.
- ۵۲ - تاریخ طبری، محمد بن جریر، متوفای ۳۱۰ هـ. چاپ ۱۴۰۳ هـ. بیروت.
- ۵۳ - تاریخ فتوحات اسلامی، شکیب ارسلان، متوفای ۱۳۶۶ هـ. ترجمه‌ی علی دوانی، چاپ ۱۳۴۸ ش. تهران.
- ۵۴ - تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، متوفای ۷۵۰ هـ. چاپ ۱۳۶۲ ش.

۵۵ - تاریخ مختصر الدول، ابن عبری، غریغور یوسن ملطی، متوفای ۶۸۵ھ. چاپ قاهرہ.

۵۶ - تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ابن واضح اخیاری، متوفای بعد از ۲۹۲ھ. چاپ ۱۳۸۴ھ. نجف.

۵۷ - تبصرة الولی، سیدہاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ھ. چاپ ۱۴۱۱ھ. قم.

۵۸ - التمه فی تواریخ الائمه، سید تاج الدین عاملی - قرن ۱۱ - چاپ قم.

۵۹ - تحفة الابرار، عماد الدین طبری، متوفای بعد از ۷۰۱ھ. چاپ قم.

۶۰ - تحفة الاحباب، شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹ھ. چاپ ۱۳۷۶ھ. تهران.

۶۱ - تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ھ. چاپ ۱۳۸۳ھ. نجف.

۶۲ - ترجمه، شرح و نقد سفر پیدایش تورات، اتونیو دو ژزو پرتغالی - قرن ۱۲ - چاپ ۱۳۷۵ ش. قم.

۶۳ - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد، قاضی بهلول بهجت افندی، مشهور

به قاضی زنگنه زوری، متوفای ۱۳۵۰ھ. چاپ ۱۴۰۳ھ. تهران.

\* - تفسیر برهان ← البرهان

۶۴ - تفسیر صافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ھ. چاپ ۱۴۰۲ھ. بیروت.

۶۵ - تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سلمی - قرن سوم - چاپ ۱۳۸۰ھ. تهران.

۶۶ - تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی - قرن سوم و چهارم هجری - چاپ ۱۴۰۴ھ. قم.

\* - تفسیر روح المعانی ← روح المعانی

\* - تفسیر کنز الدقائق ← کنز الدقائق

\* - تفسیر مجمع البیان ← مجمع البیان

۶۷ - تقریب المعارف، ابوالصّلاح تقی حلی، متوفای ۴۴۷ هـ. چاپ ۱۴۱۷ هـ. قم.

۶۸ - التّنبیه و الاشراف، مسعودی، متوفای ۳۴۵ هـ. چاپ قاهره.

۶۹ - تنقیح المقال، شیخ عبدالله ممقانی، متوفای ۱۳۵۱ هـ. چاپ نجف.

۷۰ - تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ هـ. چاپ ۱۴۱۲ هـ. بیروت.

۷۱ - تواریخ النبی و الآل، شیخ محمد تقی شوشتری، صاحب قاموس الرجال، متوفای ۱۴۱۵ هـ. چاپ ۱۴۱۶ هـ. قم.

\* - تورات ← عهدین ← کتابات مابین العهدین.

۷۲ - الثاقب فی المناقب، ابن حمزه - قرن ششم - چاپ ۱۴۱۲ هـ. قم.

۷۳ - ثواب الاعمال، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. چاپ ۱۳۶۴ ش. قم.

۷۴ - جاماسب نامه، جاماسب بن لهراسب، چاپ ۱۳۱۳ هـ. بمبئی.

۷۵ - جامع الرواة، محمد بن علی اردبیلی، قرن ۱۲، چاپ ۱۴۰۳ هـ. قم.

۷۶ - الجرح و التعديل، عبدالرحمان بن ابی خاتم رازی، متوفای ۳۲۷ هـ. چاپ حیدرآباد دکن، ۱۲۷۱ هـ.

۷۷ - جزیره خضراء، ناجی النجار، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی پور - نگارنده - چاپ دوازدهم، قم.

۷۸ - جمال الاسبوع، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ هـ. چاپ تهران.

۷۹ - الجمع بین الصحیحین، محمد بن فتوح حمیدی، متوفای ۴۸۸ هـ.

۸۰ - جنات الخلود، محمد رضا خاتون آبادی، متوفای بعد از ۱۲۲۷ هـ. چاپ سنگی -

۸۱ - الجواهر المزیّنه، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ هـ.

- ۸۲ - جوهرة الكلام، محمود بن وهيب قراغلی بغدادی حنفی.
- ۸۳ - چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان، علی اکبر مهدی پور، چاپ ۱۴۱۵ هـ. ق.م.
- ۸۴ - الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ. چاپ بیروت.
- ۸۵ - حبیب السیر، غیاث الدین بن همام الدین - خواندمیر - متوفای ۹۴۲ هـ. چاپ سوم ۱۳۶۲ ش. تهران.
- ۸۶ - حلیة الابرار، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ. چاپ سنگی.
- ۸۷ - حلیة الاولیاء، ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ هـ. چاپ ۱۳۵۷ هـ.
- ۸۸ - دارالسلام، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ. چاپ سوم ق.م.
- ۸۹ - دارالسلام فی من فاز بسلام الامام، شیخ محمود عراقی میثمی، تهران، چاپ سنگی.
- ۹۰ - الدر المنثور، سیوطی، متوفای ۹۱۱ هـ. چاپ ۱۳۱۴ هـ. قاهره.
- ۹۱ - دلائل الامامة، ابو جعفر، محمد بن جریر طبری - قرن چهارم - چاپ ۱۴۱۳ هـ. ق.م.
- ۹۲ - دیباجه‌ای بر رهبری، ناصرالدین صاحب الزمان - معاصر - چاپ ۱۳۴۵ ش. تهران.
- ۹۳ - الذخیره فی الکلام، سید مرتضی علم الهدی، متوفای ۴۳۶ هـ. چاپ ۱۴۱۱ هـ. ق.م.
- ۹۴ - الذخیره فی المحشر، ابو عزیز خطی، متوفای ۱۲۰۰ هـ. چاپ ۱۳۷۴ هـ. نجف.
- ۹۵ - الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آغا بزرگ تهرانی، متوفای ۱۳۸۹ هـ. چاپ بیروت.
- ۹۶ - ربیع الابرار، محمود بن عمر زمخشری، متوفای ۵۳۸ هـ.
- ۹۷ - رجال شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ نجف.

\* - رجال کشی ← اختیار معرفة الرجال

۹۸ - رجال نجاشی، متوفای ۴۵۰ھ، چاپ ۱۴۰۷ھ، قم.

۹۹ - الرسالة الاولى فی الغیبة، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ھ، چاپ کنگرہی

جہانی شیخ مفید.

۱۰۰ - روح المعانی، سید محمود آلوسی، متوفای ۱۲۷۰ھ، چاپ بیروت.

۱۰۱ - روزگار رھائی، کامل سلیمان - معاصر - ترجمہ علی اکبر مہدی پور،

- نگارندہ - چاپ سوّم، تھران.

۱۰۲ - الروض الانف، عبدالرحمن بن عبداللہ سہیلی، متوفای ۵۸۱ھ.

۱۰۳ - روض المناظر، ابوالولید محمد ابن شحنہی حنفی، متوفای ۸۱۵ھ.

۱۰۴ - روضة الواعظین، ابن قتال نیشاپوری، چاپ سنگی ۱۳۰۳ھ، تھران.

\* - زبور ← تورات ← عہدین

۱۰۵ - زند بہمن یسن، تحقیق محمد تقی راشد محصل - معاصر - چاپ

۱۳۷۰ ش، تھران.

۱۰۶ - زوائد بزّار، احمد بن عمر بزّار، متوفای ۳۲۰ھ.

۱۰۷ - سالنامہی نسل جوان، گروہ نویسندگان، چاپ ۱۳۵۱ ش، قم.

۱۰۸ - سردار کربلا، عبدالرزاق مقرّم، متوفای ۱۳۹۱ھ، ترجمہی ناصر

پاک پور، چاپ ۱۴۲۱ھ، قم.

\* - سفر پیدایش ← تورات

۱۰۹ - سفینة البحار، شیخ عباس قمی، متوفای ۱۳۵۹ھ، چاپ ۱۴۱۵ھ، قم.

۱۱۰ - سنن ابن ماجہ، حافظ ابو عبداللہ محمد بن یزید قزوینی، متوفای ۲۷۵ھ.

چاپ ۱۳۹۵ھ، بیروت.



- ۱۱۱ - سنن ترمذی، ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوره، متوفای ۲۷۹ هـ.  
چاپ بیروت.
- ۱۱۲ - سوشیانت یا سیر اندیشه‌ی ایرانیان در باره‌ی موعود آخرالزمان، علی اصغر مصطفوی - معاصر - چاپ ۱۳۶۱ ش. تهران.
- ۱۱۳ - سوشیانت موعود مزدیسنا، ابراهیم پور داود، چاپ ۱۹۲۷ م. تهران.
- ۱۱۴ - شرح المقاصد، مسعود بن عمر تفتازانی، متوفای ۷۹۱ هـ. چاپ قاهره.
- ۱۱۵ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، متوفای ۶۵۶ هـ. چاپ قاهره.
- ۱۱۶ - شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی، حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی،  
- معاصر - چاپ ۱۴۱۲ هـ. قم.
- ۱۱۷ - شواهد التثزیر، عیدالله بن عبدالله حسکانی، قرن پنجم هجری، چاپ  
۱۴۱۱ هـ. تهران.
- ۱۱۸ - شیعه در اسلام، علامه‌ی طباطبائی، متوفای ۱۴۰۲ هـ. چاپ تهران.
- ۱۱۹ - صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، متوفای ۲۵۶ هـ.  
چاپ مصر، با حواشی سنندی.
- ۱۲۰ - صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۲۱ - الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیثمی مکی، متوفای ۹۷۴ هـ. چاپ  
۱۳۸۵ هـ. قاهره.
- ۱۲۲ - الطبقات الکبری، محمد بن سعد کاتب واقدی، متوفای ۲۳۰ هـ. چاپ  
۱۴۰۵ هـ. بیروت.
- ۱۲۳ - العباس، عبدالرزاق مقرر، متوفای ۱۳۹۱ هـ. چاپ نجف اشرف.
- ۱۲۴ - العبقری الحسان، شیخ علی اکبر نهاوندی، متوفای ۱۳۶۶ هـ. چاپ  
سنگی تهران.

- ۱۲۵ - العطر الوردی، احمد بن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ هـ. شرح  
محمد بن محمد مصری بلبیسی، چاپ ۱۳۰۸ هـ. بولاق.
- ۱۲۶ - عقد الدرر، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، قرن هفتم، چاپ ۱۳۹۹ هـ.  
قاهره.
- ۱۲۷ - علل الشرایع، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. چاپ ۱۳۸۵ هـ. نجف.
- ۱۲۸ - عهدین، چاپ انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۶۹ م. لندن.
- ۱۲۹ - غیون الاخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. چاپ ۱۳۹۰ هـ. نجف.
- ۱۳۰ - الغدير، علامه امینی، متوفای ۱۳۹۰ هـ. چاپ ۱۴۲۱ هـ. قم.
- ۱۳۱ - غیبت شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ ۱۴۱۱ هـ. قم.
- ۱۳۲ - غیبت نعمانی، متوفای بعد از ۴۴۲ هـ. چاپ ۱۳۹۷ هـ. تهران.
- ۱۳۳ - فرائد السمطين، ابراهیم بن محمد بن مؤید جوینی، متوفای ۷۳۰ هـ. چاپ  
۱۳۹۸ هـ. بیروت.
- ۱۳۴ - فرهنگ معین، محمد معین، متوفای ۱۳۵۰ ش. چاپ تهران.
- ۱۳۵ - الفصول المختارة، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ هـ. چاپ کنگره‌ی جهانی شیخ مفید.
- ۱۳۶ - الفصول المهمه، ابن صباغ مالکی، متوفای ۸۵۵ هـ. چاپ نجف اشرف.
- ۱۳۷ - فهرست ابن تدیم - قرن چهارم - چاپ قاهره.
- ۱۳۸ - فهرست شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ ۱۴۰۳ هـ. بیروت.
- ۱۳۹ - قادتنا، آیه الله حاج سید محمد هادی میلانی، متوفای ۱۳۹۵ هـ. چاپ  
۱۴۰۶ هـ. بیروت.
- ۱۴۰ - قاموس الرجال، شیخ محمد تقی شوشتری، متوفای ۱۴۱۵ هـ. چاپ قم.
- ۱۴۱ - قاموس کتاب مقدس، مستر هاكس آمریکائی، چاپ ۱۳۴۹ ش. تهران.
- ۱۴۲ - الكامل فی التاريخ، ابن ابی اثیر شیبانی، متوفای ۶۳۰ هـ. چاپ بیروت.

۱۴۳- کتابات ما بین العہدین، تحقیق: اندریه دوویون، سومر، مارک فیلوننگو،  
چاپ ۱۹۹۸ م. دمشق.

\* کتاب اشعیاء نبی ← تورات ← عہدین

\* کتاب حبوق نبی ← تورات ← عہدین

\* کتاب دانیال نبی ← تورات ← عہدین

۱۴۴- کتابنامہی حضرت مہدی علیہ السلام، علی اکبر مہدی پور، نگارندہ- چاپ  
۱۴۱۷ھ. قم.

۱۴۵- کشف الاستار عن زوائد البزار، ابن حجر ہیثمی، متوفای ۸۰۷ھ. چاپ  
۱۴۰۴ھ. بیروت.

۱۴۶- کشف الاستار، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ھ. چاپ ۱۴۰۰ھ. قم.  
۱۴۷- کشف الحق، میر محمد صادق خاتون آبادی، متوفای ۱۳۷۲ھ. چاپ  
۱۳۶۱ش. تہران.

۱۴۸- کشف الغمہ، علی بن عیسیٰ اربلی، متوفای ۶۹۳ھ. چاپ بیروت.

۱۴۹- کفایۃ الأثر، علی بن محمد بن علی خرازی، از علمای قرن چہارم، چاپ  
۱۴۰۱ھ. قم.

۱۵۰- کفایۃ الطالب، حافظ محمد بن یوسف گنجی شافعی، متوفای ۶۵۸ھ.  
چاپ سوم ۱۴۰۴ھ. تہران.

۱۵۱- کفایۃ المہدی، سید محمد میر لوحی، قرن دوازدهم- نسخہی کتابخانہی  
الزہراء اصفہان- مخطوط-

۱۵۲- کلمۃ الامام المہدی، سید حسن شیرازی، مستشہد ۱۴۰۰ھ. چاپ ۱۴۰۴ھ.  
بیروت.

۱۵۳- کمال الدین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ھ. چاپ ۱۳۹۵ھ. تہران.

- ۱۵۴ - کنز الدقائق، محمد رضا مشهدی - قرن ۱۲ - چاپ ۱۴۱۰ هـ. تهران.
- ۱۵۵ - کنز العمال، متقی هندی، متوفای ۹۷۵ هـ. چاپ ۱۳۹۹ هـ. بیروت.
- ۱۵۶ - کنز الفوائد، ابو الفتح محمد بن علی کراچکی، متوفای ۴۴۹ هـ. چاپ ۱۴۰۵ هـ. بیروت.
- ۱۵۷ - گزیده‌ی کفایة المهتدی، سید محمد میر لوحی اصفهانی، متوفای بعد از ۱۰۸۵ هـ. چاپ ۱۳۷۳ ش. تهران.
- ۱۵۸ - لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ هـ. چاپ ۱۴۰۸ هـ. بیروت.
- ۱۵۹ - لوائح الأنوار البهیة، شمس الدین محمد بن احمد بن سالم سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ هـ. چاپ ۱۳۲۴ هـ. قاهره.
- ۱۶۰ - المجالس السنیة، سید محسن جبل عاملی، متوفای ۱۳۷۱ هـ.
- ۱۶۱ - مجمع الزوائد، ابن حجر هیثمی، متوفای ۸۰۷ هـ. چاپ ۱۳۵۳ هـ. قاهره.
- ۱۶۲ - محاسن برقی، محمد بن خالد برقی - قرن سوم - چاپ ۱۴۱۳ هـ.
- ۱۶۳ - مختصر اثبات الرجعة، بهاء الدین نیلی، متوفای ۷۹۰ هـ. چاپ ۱۴۰۱ هـ. قم.
- ۱۶۴ - مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سلیمان حلّی، متوفای بعد از ۸۰۲ هـ. چاپ ۱۴۲۳ هـ. بیروت.
- ۱۶۵ - المختصر فی اخبار البشر، عماد الدین اسماعیل، ابو الفداء، متوفای ۷۳۲ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۶۶ - المختصر فی تاریخ البشر، سید جمال الدین عطاء الله بن سید غیاث الدین، متوفای ۱۰۱۰ هـ.
- ۱۶۷ - مدینه البلاغة، حاج شیخ موسی زنجانی، متوفای ۱۳۹۸ هـ. چاپ ۱۴۰۵ هـ. تهران.
- ۱۶۸ - مدینه المعجز، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ هـ. چاپ سنگی.

- ۱۶۹ - مرآت الجنان، عبدالله بن اسعد یافعی، متوفای ۷۶۸ هـ. چاپ حیدرآباد دکن.
- ۱۷۰ - مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، متوفای ۳۴۶ هـ. چاپ قاهره.
- ۱۷۱ - مزدیسنا و ادب پارسی، دکتر محمد معین، متوفای ۱۳۵۰ ش.
- ۱۷۲ - المسائل الخمسون، محمد بن عمر تیمی، فخر رازی، متوفای ۶۰۶ هـ. چاپ ۱۳۲۸ هـ. مصر.
- ۱۷۳ - المستجد من الارشاد، علامه حلی، متوفای ۷۲۶ هـ. در ضمن مجموعه نفیسه، چاپ ۱۳۹۶ هـ. قم.
- ۱۷۴ - مستدرک صحیحین، حاکم نیشابوری، متوفای ۴۰۵ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۷۵ - مستدرک وسائل، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ. چاپ قم.
- ۱۷۶ - المسترشد، محمد بن جریر طبری، امامی - قرن چهارم - چاپ قم.
- ۱۷۷ - مسند ابی الحسن جوهری، حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری، متوفای ۲۳۰ هـ. چاپ کویت.
- ۱۷۸ - مسند احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ هـ. چاپ ۱۳۱۳ هـ. قاهره.
- ۱۷۹ - مسند الشامیین، ابوالقاسم طبرانی، متوفای ۳۶۰ هـ.
- ۱۸۰ - مسند طیالسی، ابوداود سلیمان بن داود طیالسی، متوفای ۲۰۴ هـ. چاپ حیدرآباد دکن.
- ۱۸۱ - مشارق الأنوار، حسن عدوی حمزاوی، متوفای ۱۳۰۳ هـ. چاپ مصر.
- ۱۸۲ - مصباح المتهدد، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. چاپ ۱۴۱۱ هـ. بیروت.
- ۱۸۳ - المصنّف، ابن ابی شیبہ، متوفای ۲۳۵ هـ. چاپ ۱۴۰۹ هـ. بیروت.
- ۱۸۴ - مطالب السؤل، کمال الدین محمد بن طلحه قرشی شافعی، متوفای ۶۲۵ هـ. چاپ نجف اشرف.
- ۱۸۵ - المطالب العالیة، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۲ هـ. چاپ بیروت.

- ۱۸۶ - معالم العلماء، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ هـ. چاپ ۱۳۸۰ هـ. نجف.
- ۱۸۷ - معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۲۶ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۸۸ - معجم کبیر، ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفای ۳۶۰ هـ. چاپ ۱۴۰۴ هـ. بیروت.
- ۱۸۹ - المعیار و الموازنة، ابو جعفر عبدالله اسکافی معتزلی، متوفای ۲۴۰ هـ. چاپ ۱۴۰۲ هـ. بیروت.
- ۱۹۰ - المغنی، قاضی عبدالجبار معتزلی، متوفای ۴۱۵ هـ.
- ۱۹۱ - مفاتیح العلوم، محمد بن احمد خوارزمی، متوفای ۳۸۷ هـ.
- ۱۹۲ - مفهوم نسبیّت انیشتن، برتراند راسل، چاپ ۱۳۳۳ هـ.
- ۱۹۳ - مقتضب الأثر، ابن عیاش جوهری، متوفای ۴۰۱ هـ. چاپ ۱۳۴۶ هـ.
- ۱۹۴ - مقتل الحسین، موفق بن احمد خوارزمی، متوفای ۵۶۸ هـ. چاپ قم.
- ۱۹۵ - مناقب آل ابیطالب، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ هـ. چاپ بیروت.
- ۱۹۶ - منتخب الأثر، حاج شیخ لطف الله صافی، چاپ ۱۴۲۲ هـ. قم.
- ۱۹۷ - منتخب الأنوار المضيئة، سید علی نیلی نجفی، متوفای ۷۹۰ هـ. چاپ ۱۴۰۱ هـ. قم.
- ۱۹۸ - منهاج الكرامة، علامه حلی، متوفای ۷۲۶ هـ. چاپ ۱۴۲۵ هـ. مشهد.
- ۱۹۹ - مهج الدعوات، سید ابن طاووس، متوفای ۶۶۴ هـ. چاپ تهران.
- ۲۰۰ - موجز تواریخ اهل البيت، شیخ محمد بن ظاهر سماوی، متوفای ۱۳۷۰ هـ. چاپ ۱۳۸۵ هـ. نجف اشرف.
- ۲۰۱ - موسوعة المورد، مثير بعلبکی - معاصر - چاپ ۱۹۸۰ م. بیروت.
- ۲۰۲ - موعودی که جهان در انتظار اوست، علی دوانی - معاصر - چاپ ۱۳۴۹ ش. قم.
- ۲۰۳ - المهدي، سید صدرالدین صدر، متوفای ۱۳۷۳ هـ. چاپ ۱۳۹۸ هـ. بیروت.

- ۲۰۴ - مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی - معاصر - چاپ ۱۳۹۸ هـ. قم.
- ۲۰۵ - المهدی فی القرآن، سید صادق شیرازی - معاصر - چاپ ۱۳۹۸ هـ. بیروت.
- ۲۰۶ - المهدی الموعود المنتظر، نجم الدین عسکری، متوفای ۱۳۵۹ هـ. چاپ ۱۳۹۷ هـ. بیروت.
- ۲۰۷ - نجم ثاقب، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هـ. چاپ تهران.
- ۲۰۸ - نظریة الامامة، دکتر احمد محمود صبحی - معاصر - چاپ بیروت.
- ۲۰۹ - تفحات اللاهوت، علی بن حسین بن عبدالعالی، مشهور به محقق کرکی، متوفای ۹۴۰ هـ. چاپ نجف اشرف.
- ۲۱۰ - نور الأبصار، سید مؤمن شبلنجی، متوفای بعد از ۱۳۰۸ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۱۱ - نور مهدی، گروه نویسندگان، چاپ ۱۴۰۰ هـ. تهران.
- ۲۱۲ - نوستر آداموس از آینده‌ی جهان خبر می‌دهد، پل ادوارد - معاصر - ترجمه‌ی عنایت‌الله شکیباپور، چاپ تهران.
- ۲۱۳ - نهج البلاغه، سید رضی، متوفای ۴۰۶ هـ. تحقیق صبحی صالح، متوفای ۱۴۰۷ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۱۴ - هدیه العارفين، اسماعیل پاشا بغدادی، متوفای ۱۳۳۹ هـ. چاپ ۱۹۱۵ م. استانبول.
- ۲۱۵ - واژه‌های فرهنگ یهود، شلمو اشمیدت.
- ۲۱۶ - وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هـ. چاپ ۳۰ جلدی قم.
- ۲۱۷ - وفيات الأعیان، ابن خلکان، متوفای ۶۸۱ هـ. چاپ بیروت.
- ۲۱۸ - ینابیع الموده، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هـ. چاپ هشتم ۱۳۸۵ هـ. قم.
- ۲۱۹ - الیواقیت و الجواهر، عبدالوهاب شعرانی، متوفای ۹۷۳ هـ. چاپ قاهره.
- ۲۲۰ - یوم الخلاص، کامل سلیمان - معاصر - چاپ ششم ۱۴۰۵ هـ. بیروت.

### آثار چاپ شده‌ی مؤلف

- ۱- ابوریحان بیرونی / چاپ دوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲- اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.
- ۳- ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴- ارمغان مجلسی / چاپ یازدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۵- اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.
- ۶- اعتقادات علامه‌ی مجلسی / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۷- اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.
- ۸- او خواهد آمد / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۹- بادعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.
- ۱۰- بانوی اسلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۱۱- تاریخ شیعه‌ی زیدیه / چاپ اول / دانشگاه شیراز.
- ۱۲- تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.
- ۱۳- تاریخچه‌ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۱۴- ترجمه‌ی مصور سوره‌ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر / تهران.



- ۱۵- ترجمه‌ی مصوّر سوره‌ی الزّحمن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.
- ۱۶- تشریفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.
- ۱۷- تشیع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.
- ۱۸- جزیره‌ی خضراء / چاپ دوازدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۹- جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۲۰- چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۱- چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۲- چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اول / نشر حاذق / قم.
- ۲۳- چهل حدیث در مناقب اولین پیشوا / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۴- چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۵- حضرت مهدی و رابطه‌ی العالم الاسلامی / ترکی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۲۶- دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲۷- دراسة عن حياة فاطمة عليها السلام / عربی / چاپ اول / بحرین.
- ۲۸- در حریم حضرت معصومه عليها السلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۹- راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۰- روزگار رهائی / چاپ سوم / نشر آفاق / تهران.
- ۳۱- روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۲- رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۳- زندگانی کریمه‌ی اهل بیت / نشر حاذق / قم.
- ۳۴- زمینه‌سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.
- ۳۵- زیارت عاشورا و آثار معجز آسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۶- زیارتنامه‌ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

- ۳۷- سند حدیث کساء / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۸- سیری در ترجمه‌های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۳۹- سینمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.
- ۴۰- طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.
- ۴۱- عاشورا چه روزیست؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۴۲- علامه‌ی اقبال در مدینه / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۴۳- علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.
- ۴۴- علی و فلسفه‌ی الهی / چاپ اول / بنیاد علامه‌ی طباطبائی / قم.
- ۴۵- قرآن معجزه‌ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۴۶- قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.
- ۴۷- کتابنامه‌ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۴۸- کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.
- ۴۹- کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات خادق / قم.
- ۵۰- کریمه‌ی اهل بیت / چاپ اول / انتشارات خادق / قم.
- ۵۱- گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۵۲- معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۵۳- میثم تمار / چاپ اول / انتشارات توحید / تهران.
- ۵۴- میلاد نور / چاپ اول / مسجد صدریه / تهران.
- ۵۵- نبراس الزائر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵۶- نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۵۷- نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.